

سر محقق دکتور عبدالباری راشد

## نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

### چکیده:

نظام های اقتصادی اسلامی، سرمایه داری و سوسیالیستی که در اندیشه های اقتصادی جهانی مطرح اند هر یک مدعی تحقق عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی و رفع فقر در جوامع انسانی میباشند.

نظام اقتصادی اسلامی که در صدر اسلام و در ازمنه بعدی حاکمیت نظام های اسلامی در جهان تطبیق گردیده و نتایج تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی آن غیر قابل انکار است، پس از فروپاشی نظام های اسلامی در جهان مخصوصاً بعد از جنگ های اول و دوم جهانی و جنگ های صلیبی صرف در چهار چوب نظریات اقتصادی (فقه اسلامی) باقی ماند.

پس از حاکمیت های استعماری شرق و غرب دو سیستم سرمایه داری و سوسیالیستی جبراً بر کشور های تحت سلطه تحمیل گردید.

متأسفانه در هیچیک از کشور هایی که این

با آن سیستم اقتصادی غیر اسلامی تطبیق شد

### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

عدالت اقتصادی و اجتماعی خود نرسیدند. احتکار، سود، استثمار، ظلم، اجحاف، بیکاری، غبن، غدر و بیعدالتی های اقتصادی- اجتماعی، فاصله های عمیق میان اقشار و طبقات اجتماعی همه جوامع انسانی

تحت سیطره نظام های سوسیالیستی و امپریالیستی باوج خود رسید. لذا بر محققین است تا علل و عوامل ناکامی این سیستم ها را در راستای تحقق عدالت بررسی نمایند.

مقاله رویدست مبین برخی از ویژگیهای نظام سرمایرداری است که به سوالات مربوط پاسخ خواهد گفت (انشاء الله).

**کلید واژه ها:** مالکیت خصوصی، میکانیزم بازار، آزادی اقتصادی، عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی و رفع فقر، ثبات قیمت ها، کارآیی اقتصادی، تورم، توزیع درآمد.

#### **مقدمه:**

انسان بمثابه کاملترین و عالیترین موجود در هستی است که با سه ویژگی مطلقاً استثنایی نسبت به همه زنده جان ها خلق گردیده است:

الف- داشتن زیباترین، پیچیده ترین و کاملترین ساختار صوری (جسمی).

ب- حامل عالیترین و کاملترین وسیله آگاهی (عقل).

ج- دارندگی روح اسرار آمیز در میان همه موجودات طبیعی و ماورای طبیعت.

انسان با همچو تمایزات منحصر بخودش به کاملترین تصرفات مادی و معنوی در نظام خود رسیده است که نسبت به تمامی موجودات همکلاسش در زمین اعظمی ترین استفاده را برای رفع نیامندی های مادی و معنوی خویش در جامعه و طبیعت کرده میتواند.

مواد طرف نیازمندی های حیاتی تمامی موجودات زنده چون آب و غذا خیلی ساده و در طبیعت فراوان است که با اندکی حرکت و جستجو به آن دسترسی یافته می‌توانند.

اینچنین کالاهای مورد نیاز انسان و اقسام گسترده آن بشمول خود جانداران در طبیعت بطور پایان ناپذیر و غیر قابل شمارش وجود دارد. اما دسترسی به همه مواهب الهی در طبیعت برای انسان، موانع و محدودیت هایی را ایجاد مینماید تا انسان با تلاش پیگیر و به کمک ساختار احسن صورت و عقل منکشف خویش آن محدودیت ها را از راه تولید بردارد.

تلاش و تکاپو برای رفع نیازمندی های مادی انسان از راه تولید، توزیع و مصرف کالا های مورد نیاز در جوامع بشری موجب تدوین نظریات اقتصادی و علم اقتصاد در مسیر زمان گردید.

متأسفانه با وجود دستیابی بشر به تولیدات بیش از نیاز بروز فقر و کمیابی کالا های مورد نیاز برای اکثریت مردم باثر عوامل منفی اجتماعی و اخلاقی چون تولید ناسالم، نحوه توزیع غیر عادلانه، استثمار، استعمار، گرانفروشی، غدر، غبن و غیره در میان جوامع انسانی سبب شد تا نظام های اقتصادی گوناگون به قصد مهار نمودن بیعدالتی های اقتصادی و ایجاد توازن اقتصادی بمیان آید.

برخی دانشمندان ضمن توجه به مسایل مربوط به علم اقتصادی به نظام های اقتصادی نیز

که جریان تولید، توزیع و مصرف را به نفع جوامع و افراد انسانی مدیریت نماید متوجه شده، ضمن ابراز عقاید اقتصادی، شیوه های

تولید، توزیع و مصرف را نیز مورد مطالعه

### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

اقتصادی گوناگونی در جهان به میان آمد.

سیستم اقتصادی اسلامی که بر مبنای وحی الهی در قرآن عظیم الشان وارد افکار و زندگی اقتصادی مسلمانان صدر اسلام شد جایگاه ویژه و ابدی خود را در امر تأمین عدالت اقتصادی و سعادت انسان ها تثبیت کرد.

بعداً سیستم های اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی در قرون اخیر نیز توجه اقشار و طیف های مختلف علمی، اقتصادی و سیاسی جهان را به خود معطوف نمود.

نوشته حاضر به مقصد مرور بر برخی از ابعاد سیستم اقتصادی سرمایه داری بنا یافته است تا دیده شود که اشکالات اساسی این نظام اقتصادی در کجا است؟

### ویژگیهای کلی نظام سرمایه داری

#### الف- تقسیم کار

در این نظام تقسیم کار رو به رشد و پیشرفته ای در امر تولید اجراء میشود به طوریکه امروزه اعتقاد خیلی ها بر این است که نیروی انسانی ماهر نوعی سرمایه بلکه مهمترین نوع سرمایه است. این تقسیم کار آنقدر پیشرفته است که در عصر حاضر خیلی از افراد جوامع صنعتی حاضر اند بیکاری را تحمل کنند ولی تغییر شغل را نمی پذیرند،

در حالیکه در نظام های قبلی نیروی کار اینقدر ماهر نبود.

امروزه از خصایصی که اقتصاد دانان برای کشور های جهان سوم مطرح میکنند کمبود نیروی کار ماهر و نیمه ماهر است.

ب- تکنولوژی پیشرفته و رو به رشد گرایش جایگزینی ماشین به جای انسان از سوی کارفرما همواره وجود داشت و همین توجه به ماشین باعث میشد که در این زمینه سرمایه گذاری های تحقیقاتی عظیمی انجام دهند و در نتیجه هر روز ماشین آلات پیشرفته تری به بازار می آمد ضمن اینکه

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

جامعه اضافه میشدند. این تکنولوژی پیشرفته در ترکیب با اصل کاملاً مورد قبول مالکیت خصوصی در نظام سرمایه داری طبقه ای بنام سرمایه دار را بعنوان چهره شاخص این نظام ایجاد کرد. چون ماشین های پیشرفته سرمایه های کلانی میخواست و اصل مالکیت خصوصی هم کاملاً مورد تأکید بود و لذا مالکین بزرگی پیدا شدند که این ماشین آلات را خریداری و کارخانه جات بزرگ را راه اندازی کنند.

ج- تأکید بر آزادی اقتصادی

تأکید بر آزادی اقتصادی به عنوان یک خواست طبیعی بشر و هم چنین به عنوان عامل رشد اقتصادی او یکی دیگر از خصایص این نظام است. بدینمعنی که اگر ما بخواهیم رشد اقتصادی داشته باشیم در پناه آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی ممکن است. انسان

باید برای خودش کار کند تا انگیزه کار داشته باشد و آزادانه کار کند تا ذوق، سلیقه و ابتکارش تجلی پیدا کند.

### **اساس فکری (نظام عقیدتی)**

در نظام عقیدتی سه مسأله مورد بحث است:  
الف- معرفت شناسی (روش شناخت) که پایه ای ترین مسأله هر نظام اجتماعی است.  
ب- جهان بینی  
ج- انسان شناسی

### **نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری**

**الف-** معرفت شناسی سرمایه داری در مورد روش شناخت باید گفت که مقوله ای صد در صد فلسفی است که وضع جهان بینی و انسان شناسی را روشن میکند و این دو مقوله هستند که بر نظام اقتصادی اثر دارند. روش شناخت سرمایه داری روش تجربی بود.

**ب-** جهان بینی نظام سرمایه داری نظام سرمایه داری دیدگاه های متقنی نسبت به واقعیات جهان ندارد. فلاسفه این مکتب بر رغم اینکه بر مشی تجربی در فلسفه تأکید دارند ولی خط مشی عقلی را محکوم نمیکنند. البته بعضی از ارزش های این فلسفه را میتوان متقن شمرد. یکی از دیدگاه های اساسی مشخص نظام سرمایه داری مکتبی بنام اومانیزم است. باعتقاد این مکتب در دنیا انسان ها میخواهند برای خود شان زندگی کنند و هر کسی دنیا را هر جور

می بیند همان بینش برای او قابل اجرا است. اگر یکی فکر کند باید عبادت کند آزاد است چون سعادت یعنی بردن لذت و لذت هم امری شخصی است.

فلسفه غرب در همین جا متعرض مذاهب آسمانی و زمینی می شود و به آنها حمله میکند، چون این مذاهب تشخیص آدمی را در خیلی از موارد باطل میدانند. (1: 76)

بنابر این بازهم همان اصل لذت جویی و اصل خود خواهی سبب پیدایش این دیدگاه اومانیستی میشود. باین دلیل که لذت یک امر کاملاً شخصی و سلیقه ای است و چون آدمی خود خواه است باید اجازه پیدا کند که

بدنبال خماست خمدش بدمد، در غدا انصامت

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

مکتبی بنام لیبرالیسم (ازادخواهی) متولد میشود. لیبرالیسم مکتبی است که از آزادی دفاع میکند البته در حد سلب نشدن آزادی دیگران.

#### ج- انسان شناسی نظام سرمایه داری

به طور کلی در نظام سرمایه داری مثل مارکسیسم یا اسلام یک جهان بینی و انسانشناسی واحد مورد اتفاق نیست و به همین دلیل هم سرمایه داری به عنوان یک مکتب یا ایدئولوژی نزد خیلی ها پذیرفته نشده و به عنوان یک جریان بی هویت فاقد پایه های فکری خیلی وقت ها مورد حمله قرار می گیرد. اما در عین حال دید نظام سرمایه داری نسبت به انسان تا حدودی مشخص

شده و بهترین تعریف را معمولاً به جرمی بنتام نسبت می‌دهند.

بنظر بنتام انسان موجودیست با چهار خصوصیت اصلی:

لذت جو، حسابگر، تنبل و خود خواه.  
لذت جویی: مراد از این کلمه این است که هدف انسان در زندگی کسب لذت و دفع رنج هر چه بیشتر است و همین جا نقش عقل را در تعیین هدف به کلی کنار گذاشته و هدف انسان را در زندگی یک امر کاملاً احساسی (لذت) میداند.

حسابگری: انسان حسابگر است یعنی می‌خواهد با کمترین هزینه و زحمت بیشترین نفع را ببرد. این حسابگری در خدمت لذت جویی است. مثلاً برای کسب یک لذت بزرگتر از یک لذت کوچکتر صرفنظر میکند، این نقش حسابگری را عقل ایفا میکند و لذا در این مکتب عقل در خدمت احساس است و خود اصالتی ندارد.  
تنبلی: مقصود از تنبلی اینست که انسان

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

خوشش نمی‌آید و اگر قبول میکند که در زندگی اش رنج کار را تحمل کند بدلیل دفع رنج های بزرگتری است که در اثر بیکاری پیش می‌آید، یعنی لذت جویی باعث می‌شود انسان کار کند.

خود خواهی: هر کس ب فکر خودش است و همه چیز را برای خودش می‌خواهد یکی رفتارش ساده است و خود خواهی آشکار داشته و بوضوح زور می‌گوید، آشکارا در جهت منافع



خودش منافع دیگران را نادیده میگیرد. یک نفر دیگر انسان بصیرتریست و شناخت بیشتری دارد و میفهمد که نادیده گرفتن حقوق دیگران اسباب واکنش آنها میشود و درد سر بزرگتری برایش پیدا میشود و لذا اگر ظلمی هم به دیگران میکند خیلی پنهان و غیر علنی است و اگر از واکنش افراد نترسد او هم مثل فرد اولی عمل خواهد کرد.

### **اجزاء نظام سرمایه داری نهاد های اساسی اقتصادی**

الف- آزادی اقتصادی

در نظام سرمایه داری لیبرال، آزادی اقتصادی به عنوان یک اصل کاملاً مورد احترام مطرح است به شرطیکه آزادی اقتصادی افراد به نظام سرمایه داری لطمه وارد نکند.

رشد فلسفی اقتصاد به آزادی اقتصادی در 2 ویژگیهای اساسی انسان سرمایه داری یعنی لذت جویی و خود خواهی جستجو گردد.

با توجه باینکه اصل آزادی اقتصادی در اینجا بدلیل داشتن کار آیی پذیرفته شده است، اصل کار آیی به عنوان اساسی ترین

اما نظام سرمایه داری در این مطلب است

نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

پذیرفته شده است.

ب- عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی در نظام سرمایه داری به عنوان یک هدف و یک ارزش انسانی مطرح نیست و براحتی فدای اصل کار آیی میشود.

آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل از مرگ کارگران به عنوان یک مسئله عادی که به طور طبیعی در بازار، عرضه نیروی کار را کم میکند اسم میبرد و میگوید لازم نیست دولت در مسایل اقتصادی دخالت کند. اگر دستمزد ها پائین آمد عده ای از کارگران از گرسنگی میمیرند، عرضه نیروی کار کم میشود و دستمزد ها بالا میرود. یعنی عدالت طلبی در قاموس نظام سرمایه داری نیست. (2: ص 44)

حرکت های تدریجی مثل تعیین حد اقل دستمزد، تأمین بیمه اجتماعی و تعیین ساعات کار در نظام سرمایه داری نه با هدف تأمین عدالت، بلکه با زور و فشار افکار عمومی در نظام سرمایه داری بوجود آمد. به هر صورت اصل کار آیی در نظام سرمایه داری باز هم نقش اول را دارا است. ج- مالکیت

سرمایداری لیبرال (\*) بر مالکیت خصوصی به شدت تأکید داشت، اما سرمایداری مقرراتی (\*) تحت فشار های عدالت طلبانه به مالکیت خصوصی مشترک نظر کاملاً مساعدی دارد. اگر چه مالکیت فردی خصوصی را ولو بسیار بزرگ هم باشد به هیچ وجه رد نمی کند، ضمن اینکه در افراطی ترین کشور های

---

- ویژگی اصلی این مرحله تأکید بر عدم دخالت دولت در امور اقتصادی بود.

- در سال های 1935-1936 با انتشار کتاب کینز دخالت دولت در مسایل اقتصادی پذیرفته شد و از همین مقطع به بعد مرحله ای بنام سرمایه داری مقرراتی پیدا شد.

سرمایه داری انواع مالکیت های دولتی دیده میشود. دلیل تأکید این نظام بر مالکیت خصوصی اصل کار آیی است.

د- حقوق عوامل

در این زمینه نظام سرمایه داری لیبرال به اصل آزادی اقتصادی کاملاً وفادار است و هیچ محدودیتی را قایل نیست. هر قرار دادی که بین دو عامل تولید بسته شود از نظر قانون قابل حمایت است. اما در نظام سرمایه داری مقرراتی وضع کمی فرق میکند و در مورد عوامل انسانی محدودیت های کوچکی وجود دارد که نمونه اجبار کار فرما در مورد رعایت حد اقل دستمزد است.

### توزیع منابع

مواضع اصولی سرمایه داری لیبرال و سرمایه داری مقرراتی در این مورد یکسان است و هر دوی آنها معتقد اند منابع باید بر اساس اصل کار آیی توزیع شوند.

به هر حال اصل حاکم بر توزیع منابع یعنی اصلی که بر مبنای آن منابع بایستی بین عوامل انسانی تولید تقسیم شود اصل کار آیی است باین معنی که گفته میشود منابع تولیدی باید در اختیار کسی قرار گیرد که بهترین بهره برداری ممکن را از آن بعمل آورده و به عبارت دیگر با استفاده از منبع میتواند بیشترین میزان ممکن را از نظر ارزش، تولید کند.

### تولید

مسائل اساسی بحث تولید عبارت از تعیین نوع، میزان و روش تولید میباشد.

نظام سرمایه داری در پاسخ سؤال نوع  
تولید همان اصل آزادی اقتصادی و اصالت  
نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

کننده موظف به تولید کالایی است که مصرف  
کننده میخواهد. او مسؤول خوبی یا بدی  
چیزیکه مصرف کننده میخواهد باید از نظر  
فنی و مالی ممکن باشد.

در اینجا نیز سؤال اینست که ما چگونه  
میتوانیم خواست انسانی را تشخیص دهیم؟  
پاسخ همان استفاده از قیمت است که هم سود  
تولید کننده و هم خواست مصرف کننده را  
تأمین میکند.

نکته اخیر داستان کمیابی است. و دلیل  
اینکه این بحث مطرح است این است که نیاز  
ها خیلی زیاد و منابع کم است و باید از  
بین این نیازها انتخاب و با اولویت بندی  
تعدادی را انتخاب نمود.

مسأله دوم، میزان تولید است. میزان  
تولید هم در نظام سرمایه داری به همان  
اصل آزادی اقتصادی و اصالت خواست انسان و  
حاکمیت مصرف کننده مربوط میشود. نظام  
سرمایه داری میگوید آنقدر باید تولید شود  
که مصرف کننده مشخص میکند و باز قیمت ها  
وسیله ای هستند که خواست مصرف کننده را  
بیان میکنند. معمولاً نوع و میزان تولید دو  
روی یک سکه هستند و از هم جدا نیستند.  
اگر ما میزان تولید یک کالا را خیلی بالا  
میبریم باید از تولید بعضی از انواع کالا  
ها صرف نظر کنیم.

آخرین بحث تولید، روش تولید است. در پاسخ باین سوال جواب سرمایه داری باز هم اصل کار آیی است که باید مورد عمل قرار گیرد. به عبارت دیگر باید روشی را برای تولید انتخاب کنیم که کم هزینه ترین باشد و به بیان دیگر از منابع مشخص و ثابت

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

پیشرفته خواهد بود.

با توجه به تأکید نظام سرمایه داری بر استفاده از تکنولوژی پیشرفته وجود سرمایه داران بزرگ که توان راه اندازی صنایع پیشرفته را در بخش خصوصی داشته باشند الزامی میشود و به همین دلیل هم اسم این نظام (سرمایه داری) شده است.

#### توزیع در آمد

با توجه به اعتقاد قوی نظام سرمایه داری بر اصل کار آیی، نظام پولی در سیستم مبادله این نظام شدیداً مورد استفاده قرار میگیرد، چون ارتباطات بین اجزاء را خیلی آسان میکند.

حالا سؤال اینست که در آمد پولی بر اساس چه اصلی بین عوامل تقسیم میشوند؟

نظام سرمایه داری در اینجا همان اصل کارآیی را مطرح میکند و از توزیع درآمد به عنوان ابزاری در جهت سازماندهی بهینه تولید استفاده مینماید. بر اساس اعتقاد نظام سرمایه داری از آنجا که انسان سودجو است عوامل تولید (چه انسانها چه آنچه در اختیار انسان ها قرار دارند) مسلماً به

جایی میروند که بیشترین سود را به همراه داشته باشد، لذا باید کاری کنیم که بیشترین سود در جایی باشد که بیشترین کار آیی هم وجود دارد. اگر یکی داکتر است بدلیل توزیع نامناسب درآمد دلال زمین نشود و اگر کسی انجنیر است سوپر مارکیت باز نکند. اینها همه آفاتی اند که با توزیع درآمد نادرست ایجاد میشوند.

با پیشرفت تکنولوژی و جاگزین شدن ماشین به جای عوامل انسانی تولید، تدریجاً تقاضا برای نیروی کار کم و قیمت کار یعنی دستمزد باین آمد و ابتکار عمل در بسیاری

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

طوریکه کارگران برای استخدام به هر گونه شرایطی تن میدادند و تازه باز هم بیکاری دامن بسیاری را می گرفت و اعتراضات سوسیالیست ها را بر می انگیخت.

بدلیل همین اعتراضات بود که تدریجاً سر و کله سرمایه داری مقرراتی پیدا شد و دولت ها با تعیین حد اکثر ساعات کار به نحوی در توزیع درآمد دخالت کردند. بعد از آن حد اقل دستمزد تعیین شد که در کشور های مختلف نتایج مختلفی دارد.

#### توزیع کالا ها و خدمات مصرفی

این مرحله در نظام سرمایه داری مرحله کاملاً مهم و جدی است، چون توزیع درآمد کاملاً به شکل پولی صورت میگیرد و صاحبان درآمد باید تقریباً صد فی صد نیاز مصرفی خود شانرا از بازار تهیه کنند در حالیکه

در سیستم های قبلی خیلی از کالاهای مورد نیاز را به عنوان دستمزد می گرفتند. ضابطه توزیع همان اصل کارآیی است که در بعد مصرف به صورت تأمین حد اکثر لذت یا مطلوبیت بیان میشود. بر مبنای این اصل کالاها و خدمات مصرفی باید به صورتی توزیع شوند که بیشترین میزان مطلوبیت نصیب جامعه شود.

مطلوبیت افراد از طریق قیمتی که مصرف کننده برای کالاها پرداخت میکنند، تعیین میشود. مثلاً ممکن است خیلی ها از خانه بزرگ به مراتب از صاحبان این خانه ها بیشتر لذت ببرند ولی چنین خانه ای ندارند. از دو حال خارج نیست یا آنها پول دارند و خانه را نمی خرند که در این صورت این کالا برای آنها به اندازه آن مقدار پول مطلوبیت ندارد و یا پول ندارند که در این صورت چیزی برای جامعه تولید نکرده و

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

عنوان یک اشکال، نظام سرمایه داری در اینجا اعتراف میکند که همیشه پرداخت قیمت بالاتر به منزله مطلوبیت بیشتر برای کالا نیست.

#### اهداف نظام اقتصاد سرمایه داری

- اهداف نظام اقتصاد سرمایه داری را میتوان شامل موارد آتی دانست:
- 1- رفاه مصرف کننده. 2- رشد اقتصادی. 3-
  - عدالت توزیعی و رفع فقر. 4- کارآیی
  - اقتصادی. 5- اشتغال کامل نیروی کار. 6-

ثبات قیمت ها. 7- حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی. 8- آموزش و سلامتی. مبرهن است که اهداف و انگیزه های نظام سرمایه داری از منافع آزمندانۀ ملت ها و از ناسیونالیزم ناشی شده و مفاهیم تجارت آزاد و آزادی فعالیت های اقتصادی روپوشی برای اهداف جهانخواره گی آن میباشد. (3)

(37)

بنائاً بفرض خودداری از اطالۀ کلام بشرح اهداف نامبرده فوق و متعاقباً به تجزیه و تحلیل وطبقه بندی آنها خواهیم پرداخت.

1- رفاه مصرف کننده:

رفاه مصرف کننده مهمترین هدف نظام اقتصاد سرمایه داری است. همانگونه که (آدم اسمیت) گفته است:

«مصرف تنها هدف و مقصود همه تولید است. مصرف در نظام سرمایه داری برای ارضای امیال است نه تأمین نیاز های حقیقی». بهمین جهت (لفت ویج) اقتصاد دان معروف میگوید:

«خواستہ های انسانی سرچشمۀ فعالیت های اقتصادی بوده و تأمین این خواسته ها هدف نهایی فعالیت های اقتصادی بشر میباشد، بطوریکه خواسته های بشر با سرمایه داری

نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

(4: 18- 19)

خواستہ ها و امیال نفسانی از دایرۀ نیاز های متعادل جسمی و روانی انسان فراتر رفته، شامل نیاز های کاذب و افراط در نیاز های حقیقی نیز میشود. بنابر این



رفاه مصرف کننده به مفهوم تأمین هرچه بیشتر خواسته ها و امیال فرد است و چون جامعه چیزی جز جمع جبری افراد تشکیل دهنده آن نیست، رفاه عمومی نیز به معنی تأمین بیشترین خواسته ها برای بیشترین افراد است. این مفهوم از رفاه بر فایده گرایی انتهایی مبتنی است.

## **2- رشد اقتصادی**

رشد اقتصادی هر کشور بیانگر تداوم تولید سرانه (تولید فردی و یا تولید سرانه نیروی کار) است که در اغلب موارد با افزایش جمعیت و یا معمولاً با تغییرات زیربنایی (ساختاری) تغییر عملی در شرایط و سازمان اجتماعی و اقتصادی است.

در نظام اقتصاد سرمایه داری رشد اقتصادی از اهمیت ویژه برخوردار است. در این نظام تصامیم اساسی راجع به رشد بوسیله تجار و خانواده های منفرد گرفته میشود. هر یک از این واحد ها در باره موضوعاتی چون مقدار پس انداز، میزان سرمایه گذاری، مقدار تحصیلات و حجم تحقیق تقسیم میگردد و مقایسه میشود و هزینه ها یا منافع و مصارف این امور مبنای تصمیم گیری است.

پس انداز شرط رسمی رشد اقتصادی است؛ زیرا بدون آن تشکیل سرمایه تحقق نخواهد یافت. در یک اقتصاد بازار تصامیم در مورد پس انداز به وسیله خانوار ها گرفته میشود. هزینه پس انداز فداکردن کالا ها و خدماتی است که یک خانوار اگر پس انداز نمیکرد میتوانست بخرد و لذت ببرد و سود

یا مفاد پس انداز، علاوه بر عاید پس انداز (بهره ای که بآن تعلق میگیرد) کالاها و خدماتی است که او خواهد توانست در آینده

### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

وسیله مؤسسات مالی ربوی به مؤسسات اقتصادی قرض داده میشود و شرکت ها از سرمایه های قرض گرفته شده برای تولید بیشتر استفاده میکنند.

آثار مثبت و منفی رشد: آثار مثبت رشد شامل غلبه بر بیکاری و کاهش بحران و افزایش عرضه به تناسب تقاضا میباشد. اما آثار منفی آن شامل ایجاد حالات بر عکس فوق، از میان رفتن منابع طبیعی چون نفت، خراب شدن محیط زیست و غیره میباشد.

در دهه های 1960 و 1970 دولت ها بدون در نظر داشت عواقب منفی رشد اعم از دول غنی و فقیر در جهت رشد، اتخاذ تدابیر نمودند ولی بعد ها ملاحظه عواقب منفی رشد سبب شد که بجای توجه بشعار «رشد» شعار «کیفیت زندگی» قد علم کند که مسایل عدم خرابی محیط طبیعی و محیط زیست و آلودگی آب و هوا محو منابع ملی دلالت بر توجه به کیفیت زندگی و ارتقای آن مینماید.

### 3- عدالت توزیعی و رفع فقر

نظریه های عدالت توزیعی در نظام سرمایه داری با شعار کمونیستی توزیع عادلانه یعنی: از هر کس بقدر استعدادش و بهر کس بقدر کارش و نیازش، که مداخله مطلق دولتی و مالکیت دولتی را توصیه میکند، فرق دارد.

برخی عدالت توزیعی را عبارت از فراهم ساختن خانه گرم، غذا و امکانات صحی برای همه میدانند.

«فریدریش هیک» عدالت توزیعی را یا در تبارز شایستگی اخلاقی و یا در نقص که در رفتار فرد به دیگران میرساند مضمّر دانسته میگوید: پاداش افراد باید زاده نفعی باشد که به دیگران رسانده است و تدارک شایستگی

نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

ازاد در تضاد میخوانند. (5: 56)

اقتصاد دانان کلاسیک به ویژه مالتوس و ریکاردو که بسیار بدبین بودند با الهام از قوانین طبیعی داروین دستگیری از فقر در امر ازدیاد نفوس را مغایر خواست طبیعت و قوانین تنازع بقا، بقای اصلح و انتخاب طبیعی میدانستند.

با شکست لیبرالیزم و ایجاد بحرانها، دولت ها متوجه امور گردیده از مداخله در اوضاع اقتصادی ناگزیر شدند تا عدالت توزیعی مراعات شده و فقر زدایی و غلبه بر بحرانها و بیکاری حاصل شود.

امروزه اکثر اقتصاد دانان برآنند که در رابطه با رشد و توزیع عواید، در آغاز لازم است بدون وضع عوارض و مالیات زمینه رشد را اگر بقیمت بحران و بیکاری هم بینجامد عملی ساخت. با رسیدن مراحل رشد لازم است دولت مالیات وضع نموده از طریق کمک مالی به مستمندان عدالت توزیعی را برقرار نماید.

اسلام و اقتصاد اسلامی به پیروی از قرآن و احکام الهی، فقرا را در مال اغنیا ذیحق دانسته عدالت توزیعی را از طریق زکوة، عشر، خمس، صدقات و نذور و غیره و اینکه سعادت را در عبادات و توشه عقبی میجوید به نحو احسن آن تأمین و تطبیق خواهد کرد.

#### **4- کار آیی اقتصادی**

کار آیی اقتصادی به این مفهوم میباشد که آیا چه چیز و چگونه تولید شود؟ یعنی یک تعداد مفروض کالا یا خدمت با حد اقل مصارف منابع، میباشد.

در نظام سرمایه داری یکجامه وقتی از کار آیی در تخصیص برخوردار است که آنچه بایست تولید شود رضائیت مصرف کننده را حد اکثر سازد. کار آیی تخصیص یعنی استفاده

#### **نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری**

سازد میباشد.

در نظام اقتصاد سرمایه داری قیمت ها به وسیله عرضه و تقاضا تعیین میشود و تقاضا را کسی میکند که از قدرت خرید لازم برای تأمین خواسته های خود برخوردار است. در نتیجه مردم فاقد توان خرید در امر چه چیز تولید شود و چگونه تولید شود رول نداشته، عرضه کننده و تقاضا کننده و رفع کننده حوایج اشخاص واجد توان خرید بوده میان امر کار آیی اقتصادی و عدالت اقتصادی تضاد واقع میشود و معمولاً در نظام سرمایه داری کار آیی بر عدالت ترجیح داده میشود.

#### **5- اشتغال کامل نیروی کار**

بیکاری از مسایل اصلی جوامع و کاهش آن از اهداف مهم هر نظام اقتصادی است. اهمیت این هدف را هزینه های بیکاری نمایان میسازد. بیکاری هزینه های اقتصادی و اجتماعی بسیار دارد که آثار منفی اش در زندگی فرد و جامعه انکار ناپذیر است. مخارج و مصارف اقتصادی بیکاری در اجتماعات بشری بسیار بوده و چنانچه بیکاری سبب فقر و فقر سبب سوء تغذیه و کاهش انرژی میگردد.

آثار اجتماعی بیکاری شامل ایجاد مفساد اجتماعی، وقوع جرایم و جنایات، خودکشی، مرض و فقر، شیوع اعتیاد به مواد مخدر و هم چنان آثار سیاسی آن شامل وقوع اعتصابات میگردد.

در رابطه به وضع بیکاری در نظام سرمایه داری باید گفت که اگر چه اقتصاد دانان کلاسیک میگفتند که رقابت آزاد سبب وفور کاهش بیکاری خواهد گردید، اما رجوع لشکر

بیکاری در کشورهای توسعه یافته سبب آمیخته گ

نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری
----------------------------------

## 6- ثبات قیمت ها

تثبیت قیمت ها که از اهداف مهم نظامات اقتصادیست در برابر آن افزایش قیمت ها و یا تورم قرار دارد. تورم آثار بزرگ اقتصادی و اجتماعی را بار میآورد که موارد مهم آنرا مختصراً بررسی میکنیم:

الف- توزیع مجدد عاید بین گروههای اقتصادی

باثر تورم توان خرید کاهش یافته و توزیع مجدد عایدات را سبب میگردد، چون قیمت پول کاهش می یابد قرضداران از این وضع سود میبرند. زیرا پول معتبر را می گیرند و پول دارای چلند کمتر را میدهند و بهمین دلیل قرض دهندگان متضرر میشوند و همچنان کسانیکه عاید ثابت دارند چون کارگران و مأمورین از این وضع متضرر میشوند، فقرا فقیرتر میشوند و صاحبان سهام و زمین و خانه دارای ثروت باد آورده میشوند.

ب- آشفتگی ساختار تولیدی جامعه در وضع بحران واسطه گری و فعالیت های خدماتی غیر تولیدی رشد یافته، تولید ملی ایکه در برابر امتعه خارجی حمایه نشود از بین رفته کیفیت اجناس بنابه کاهش عرضه خراب باقی میماند.

ج- کسر موازنه پرداخت ها در حالت تورمی واردات افزایش و صادرات کاهش می یابد. در نتیجه ارزش پول نظر به اسعار خارجی کاهش یافته و موازنه پرداخت ها برهم میخورد.

د- حاکمیت جو عدم اطمینان بر بازار ها افزایش قیمت برای مصرف کننده، تورید کننده و سامانه گزار نقش علامت دهنده بده

نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

می برد.

ه- آثار تورم بر سیاست و بودجه دولتی در این وضع دولت سود می برد زیرا پرداخت مزد ها و حقوق با پول دارای پشتوانه ضعیف صورت گرفته و با نشر پول بی پشتوانه وضع

باز هم بحرانی میشود، ولی قدرت خرید از مردم به دولت انتقال میکند که آنرا مالیات تورمی میخوانند. دولت در اینحال به پلانهای انکشافی خود رسیده نمیتواند؛ زیرا بودجه عادی اش نیز ضعیف میباشد.

و- آثار اجتماعی تورم

در حالت تورم فقیر، فقیرتر و غنی، غنی تر میشود و در نتیجه برخورد ها، افزایش فساد، دزدی و اختلاس، جزء آثار اجتماعی این وضع میباشد.

ز- آثار سیاسی تورم

در حالت تورم اعتماد بالای دولت از میان رفته و مردم به تظاهرات دست میزنند و دولت در کار خود ناکام تلقی میشود.

#### **7- حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی**

مسأله حفظ محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی که در اینجا از نظر اقتصادی مطرح بحث بوده و جزء اهداف انگیزه های هر نوع نظامی بوده و با بقای بشریت و کره خاکی رابطه دارد ابعاد گسترده سیاسی، علمی، اجتماعی و فلسفی دارد.

در حال حاضر که نابودی جنگلات، انباشت گازهای گلخانه ای، شکاف لایه ازن (O<sub>3</sub>) بر فراز قطب جنوب و پروبلم انرژی و مهار ساختن منابع نایاب و کمیاب طبیعی بستر زیست طبیعی را برای انسان ها و شاید

محمديات از میان بردارند مسأله اهمیت نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

#### **8- آموزش و سلامتی**

اتخاذ تدابیر مبنی بر تربیه کادر های تحصیل کرده و نیز کوشش دولت ها در جهت حفظ سلامت بدنی و روحی افراد نیروی کار آینده ساز را بار آورده و در امر ترقی اقتصادی و تأمین اهداف نظام های اقتصادی رول اساسی دارد و ضامن رشد و تأمین رفاه همگانی میباشد. از اینرو است که دولت ها بغرض دسترسی به اهداف اقتصادی در سکتور های تعلیم و تربیت و صحت سرمایه گذاری نموده و برای آن اولویت قایل میشوند تا به اهداف اقتصادی خویش در درازمدت و قصیرالمدت نایل گردند (6: 39-43)

### **نظام انگیزی**

انگیزه مردم در رفتار های اقتصادی (مصرف، تولید، سرمایه گذاری، معامله و غیره) چیست؟

در نظام سرمایه داری مردم به دو گروه خانوار ها و مؤسسات و شرکت ها یا بنگاه ها تقسیم میشود.

نهاد اول در بازار عوامل، عرضه کننده عوامل تولید و کار، سرمایه، زمین و در بازار کالا و خدمات، تقاضاکننده و نهاد دومی عرضه کننده کالا و خدمات و تقاضا کننده عوامل است. در این پروسه هر دو نهاد هدف بدست آوردن حد اکثر مطلوبیت اند. مطلوبیت و سود جویی امر غریزی بوده، در هر نظامی مطرح است، ولی به اثر تربیه و اصلاح اجتماعی و عقلانی ساختن و توسعه ایدیولوژی و عقیده اسلام منفعت اخروی و مطلوبیت های معنوی ارجحیت می یابد.



اهداف نظام ها نظر به اینکه چه تفسیری

از اهداف دارند به کدام اهداف اکتفا می‌کنند

### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

چگونه است از هم فرق میکند. این اختلاف از مبانی فلسفی انسانشناسی آنان و معنای سعادت فرد و جامعه از دیدگاه آنان ناشی میشود.

اهدافی را که از نظام سرمایه داری شرح نمودیم در یک رتبه قرار ندارد. رفاه با مفهوم خاص خود در این نظام هدف غایی است. رشد و عدالت توزیعی تحت شرایط خاص جزء اهداف میانی و متوسط آن میباشد. اهداف بقیه یعنی کارآیی، اشتغال کامل نیروی کار، ثبات قیمت ها، حفظ محیط زیست و آموزش و سلامت مردم، اهداف قریب اقتصادی اند که مستقیماً هدف سیاست های اقتصادی قرار میگیرند و صرفنظر از آثار اجتماعی و سیاسی شان، از آن جهت که بر رشد و عدالت توزیعی مؤثر اند مطلوب اند.

پنج هدف فوق اگر با هم تزاخم نمایند، مثلاً اشتغال باعث کارآیی کمتر شود یا حفظ محیط زیست سبب شیوع بیکاری گردد، در این حال با زدن این اهداف به محک هدف میانی یعنی عدالت توزیعی رشد و هدف غایی رفاه و تلقی خاص سودگرایان یا اوتالیتاریانیستها از سعادت فرد و جامعه نظام انگیزشی سرمایه داری را میتوان تفسیر نمود که همانا فرد گرایی بر مبنای انسانشناسی نظام اقتصاد سرمایه داری میباشد.

## ارزیابی نهایی نظام سرمایه داری (نتیجه گیری)

در اقتصاد سرمایه داری، مالکیت خصوصی یک نهاد اساسی است. نفع شخصی، میکانیزم بازار و آزادی اقتصادی از دیگر نهاد های اصلی آن نظام هستند.

نظام اقتصادی سرمایه داری که هدف غایی آن «دستیابی بیشترین افراد به بیشترین لذت مادی» بوده و ماهیت آنرا توسعه اقتصادی تشکیل داده نظم سیاسی، اخلاقی و

### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

و با نظام اقتصادی اسلامی در تقابل قرار دارد. بدینوجه که هدف غایی در نظام اقتصادی اسلام «دستیابی بیشترین افراد به بالاترین مرتبه عبودیت و تقرب خداوند (ج)» میباشد.

اهداف غیر اقتصادی سرمایه داری مانند اهداف اقتصادی آن از ماده و جهان خاکی به افلاک برتر از وهم بشری ره نمیبرد، ولی اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی اسلامی انسان را از جهان خاکی و افلاک پران نموده و پیش از دانستن قیمت پول و کالا، قیمت خود را می نمایاند و خود شناسی و خداشناسی را امر مستولی بر اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی قرار میدهد.

رفاه و سعادت در اقتصاد سرمایه داری به رفاه و سعادت مادی خلاصه گردیده رفاه جمع حاصل میخانیک رفاه مجموع افراد است. ولی در اقتصاد اسلامی رفاه فرد و جامعه تابع

مصالح شرعی و عقلانی وابسته باندازه توفیقی است که فرد و جامعه را در اوامر و نواهی الهی حاصل مینماید.

رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی سرمایه داری بیشتر به محک رشد و توسعه و تأمین عدالت از لحاظ مادی و اوامر گذرا و مقطعی سنجیده میشود. در حالیکه عدل برتر در نظام اسلامی و اقتصاد اسلامی از عدل الهی ناشی شده و توسعه و ترقی و رشد تابع مشیت و توفیق خداوندی بوده، تدابیر وسیله و هدف نهایی رشد و عدل تأمین رضای خداوند (ج) میباشد.

نظام سرمایه داری که زاده انقلابات صنعتی هالند و انگلستان بوده انقلاب فرانسه و انقلابات (1848) اروپا و پیشتر از آن رنسانس در اروپا در پیریزی مبانی فکری آن

#### نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

مولدیت از طریق آن دانست. از نظر نظام و اقتصاد اسلامی، سرمایه داری دارای اهداف وانگیزه هایی دانسته میشود که با آئین فطرت متناقض میباشد؛ چنانکه پیش از این گفته آمد بعد از ذکر مبنای فکری و اهداف غایی نظام سرمایه داری که واضعین آن بیشتر فلاسفه انگلیس از قبیل جان لاک، استوارت میل، هابس و غیره و فلاسفه فرانسه چون روسو، مونتسکیو و ولتر و انقلابیون فرانسه بودند منشآت فکری و نظریه های اقتصادی اقتصاد دانان و

سیاسیون غربی نیز باعث پیریزی مبانی این نظام گردید.

در یونان باستان افلاطون مهمترین دانشمندیست که در زمینه سیاست و اقتصاد طرح و برنامه داده، او از ظلم و بیعدالتی در جامعه ایکه شخصی مانند سقراط حکیم را بیگناه محکوم به مرگ کرده بود به تنگ آمد و نظرات خود را در کتاب (جمهوریت) در مورد نظام سیاسی و اقتصادی جامعه تشریح کرد.

حقیقت اینست که فلاسفه و دانشمندان با همه تلاش های پیگیری که برای حل مشکلات اقتصادی بکار بردند هرگز نتوانستند از نظر علمی و تیوریک یک نظام اقتصادی کامل و قابل قبول برای جامعه بشری را برای انسانها عرضه کنند. چنانچه از نظر عملی نیز قادر به حل مشکلات اقتصادی و برقراری یک اقتصاد عادلانه و بدون عیب در هیچ نقطه جهان نشدند.

دانشمندان عصر اخیر با فورمول ها و تیوری های علم اقتصاد سر انجام در کانال های اقتصاد سرمایه داری و کمونیستی به بن بست رسیدند و حیران و سرگردان در مقام عمل از حل مسایل جاری خود عاجز و ناتوان ماندند.

سر انجام آنان در قطب کاپیتالیزم (سرمایه داری) عملاً به ثروت جهانخواران غرب مانند (راکفلر) ها و (روچیلد) ها افزوده و توده های ملیونی آسیا و اروپا را بزنجیر برده گی صهیونیزم کشیدند و

بانک ها و بورس های امریکا را بقیمت گرسنگی و محرومیت ملیونها افریقایی و فلسطینی انباشته و لبریز کردند. آری! اینچنین اقتصاد دانان قطب سرمایه داری در خدمت زر و زور، جنایات گذشته قدرتمندان و زراندوزان را ادامه میدهند. سرمایه داری را باید در دو مقطع لیبرال و مقرراتی به نقد کشید. سرمایه داری لیبرال از ویژگی مثبت بالا بردن شدید تولید برخوردار بود و در مقابل از دو عارضه بحران های ادواری و توزیع غیر عادلانه در آمد رنج می برد. بیعدالتی هایی هم که در این نظام به وجود آمد و احساسات سوسیالیست ها را تحریک کرد تقریباً منکری نداشته و همه وجود آنها را تأیید میکنند و همین بیعدالتی ها بود که از این نظام چهره یک مکتب ضد انسانی را ترسیم میکرد. در سرمایه داری مقرراتی ضمن آنکه رشد تولید مثل گذشته و یا با روندی سریعتر ادامه پیدا کرد آن اشکالات هم تدریجاً بر طرف شد. بحرانهای ادواری حالا با فاصله زمانی بیشتری پیش می آیند. آن فقر و فاقه شدید کارگران امروزه جای خود را بیک رفاه نسبی داده است. امروزه برای کسانی که با هدف حد اکثر رفاه کار و زندگی میکنند نظام سرمایه داری در حالت مقرراتی یک وضعیت ایده آل و حد اقل کم اشکال است. البته از دیدگاه ارزش های اسلامی این مکتب بویژه در بنیان های فکری اشکالات

بسیاری دارد که چون مباحثی اقتصادی نیستند از آنها صرفنظر میشود.

نظری بر سیستم اقتصاد سرمایه داری

مآخذ:

- 1- گلپایگانی، محمود، سید محمد، سیری در اقتصاد اسلام و مارکسیسم، انتشارات آزادی قم 1357.
- 2- رزمی، سید علی اکبر، نظامهای اقتصادی، انتشارات موحّد، مشهد سال 1372.
- 3- اصفهانی، رضا، اقتصاد مقایسه ای، چاپخانه پیام 1357.
- 4- میر معزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها) - دفتر دوم، انتشارات اسلامی، سال 1378.
- 5- مظاهری، حسین، مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی، جلد سوم، انتشارات مؤسسه در راه حق، قم، 1357.
- 6- نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها).

## خشونت علیه زن ، ریشه یابی و انواع آن در افغانستان

### چکیده :

خشونت یکی از آسیب ها یا کجروی های اجتماعی عمده در جهان امروز، منجمله افغانستان است که معمولاً توسط کنشگران فردی یا جمعی علیه خود یا علیه دیگران به ابعاد و انواع گوناگون اعمال می شود . شدت و وسعت این پدیده اسف بار نظر به روابط، مناسبات و ساختار های اجتماعی و فرهنگی هر جامعه متفاوت بوده و در نتیجه امنیت اجتماعی افراد، خاصاً زنان و گروه ها مورد تهدید قرار می گیرد. در این مقاله، معانی و تعریف خشونت ، انواع آن و حمایت قانونی در امر مبارزه علیه خشونت ، شرح می گردد.

**کلید واژه ها :** معنای خشونت ، تعریف خشونت ، انواع خشونت.

### **مقدمه :**

پدیده خشونت علیه زنان در افغانستان پیشینه و زمینه های فرهنگی و اجتماعی گسترده ای دارد و به این ترتیب

نمی توان نقطه آغاز را برای خشونت علیه زنان پیدا کرد. اما با تغییرات اجتماعی، خشونت در هر دوره ای مصادیق و مظاهر متفاوتی یافته و کماکان در مناسبات و روابط اجتماعی پایدار مانده است. هر چند در روابط جمعی به صورت آشکار، خشونت امر سنتی نیست، به این ترتیب، این محباب

**خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...**

محکوم می شود، اما، رسم و رواج ها، فرهنگ های عامیانه و عنعنات ناپسند، خشونت و اعمال خشن را به انواع گوناگون به شکل وسیع آن بالای زنان تحمیل می کنند. تا جائیکه مطالعات تاریخی نشان می دهد خشونت یک پدیده نو ظهور نیست، بلکه بشکل مداوم و پایدار به انواع گوناگون در جامعه افغانستان وجود داشته است. بناً تحقیق ریشه یابی خشونت و چگونگی اعمال آن علیه زنان در افغانستان که عواقب و پیامد های ناگوار و جبران ناپذیر را بجا می گذارد، از اهمیت زیاد برخوردار می باشد. خشونت در لغت به معنای « درشتی، تندخویی و وحشی گری است ». (1)

در اصطلاح، « خشونت عبارت از هرگونه عمل خشونت آمیز است که منجر به آسیب شود و فرد یا افراد در نتیجه آن تهدید به ایجاد محرومیت و محدود ساختن آزادی فردی و اجتماعی در محیط زندگی گردند. (2)

در دایرة المعارف آریانا، خشونت چنین معنی گردیده است:



« خشونت کلمه عربی بوده و در لغت درشت شدن ، درشتی کردن ، زبری، ناهمواری ، درشت خویی ، تندخویی و یا رفتار همراه با تندی و درشتی را گویند و در اصطلاح هر فعالیت با استفاده از نیروی مادی و معنوی که حقوق جمعی یا فردی را از بین ببرد و یا به آن حقوق آسیب برساند و یا آن را محدود نماید خشونت (Violence) گویند و یا به عبارت دیگر حالتی است که در آن خشم و دشمنی علیه شخص یا اشخاص به مسئله فشار

**خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...**

و آشکار غیر قابل قبول است.» (3 : 632)  
تعاریفی زیادی از خشونت ارائه گردیده است که هر کدام بر پایه های نظری و تیئوریک خاص استوار است . از نظر مشروعیت گران ، خشونت چنین تعریف گردیده است : « استفاده نا مشروع از زور» . ولی ساختار گرایان عواملی ساختاری را در تعریف خشونت دخیل دانسته و گفته اند که خشونت عبارت است از : « هر نوع بی عدالتی که توسط افراد ، مؤسسات و نهادهای اجتماعی انجام می شود ، چه فیزیکی و چه روانی . (4 : 6)  
به صورت کل ، خشونت در مورد زنان شامل تمام محرومیت ها و تبعیض های است که به شکل فیزیکی و غیر فیزیکی بر زنان اعمال می شود .

امروزه خشونت علیه زنان در افغانستان در مرکز معضلات اجتماعی قرار داده شده است . مادامی که مرد سالاری به عنوان فرهنگ مسلط و ارزش همه پذیر دریک

جامعه تلقی شود ، خشونت و خشونت گرایی جز لاینفک چنین فرهنگ و روابط ارزشی به حساب می آید . در واقع خشونت و اعمال خشونت آمیز جلوه های عریانی است که از قدرت طلبی وسلطه گری فرد آزاررسان سرچشمه گرفته و تمام زندگی زن خشونت پذیر را دربر می گیرد .

سنن و رواج های حاکم در افغانستان ، یکی از قوی ترین منابع خشونت به حساب می آید . از آنجائیکه عرف و عنعنات ناپسند رایج در افغانستان سبب شده تا زنان وضعیت نابرابر را در درون خانواده و جامعه یک وضعیت طبیعی و تغییر ناپذیر تلقی کنند و این باور سبب شده تا زنان کمتر با رفتارهای خشونت آمیز مواجه شوند .

خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...

دلیل اعمال خشونت مکتوم باقی می ماند . به منظور ریشه یابی خشونت ، بایک نگاه اجمالی به تاریخ افغانستان درمی یابیم که تاریخ افغانستان در واقع تاریخ خشونت است . رفتار و زندگی خصوصی شاهان و رهبران سیاسی گواه این ادعا است . سران قبایل و گروه های قومی در گوشه های از تاریخ به منظور ایجاد روابط حسنه و قرابت با شاهان ، از زنان به مثابه برده های جنسی و مایملک که از طریق آنها بتوان معاملات و پیوند های سیاسی را انجام داد ، استفاده کرده اند . نگاه به زنان حرمسرا ، نه به عنوان انسان آزاد و واجد کرامت ، بلکه به مثابه متاع جنسی و موضوع معاملات

سیاسی نگریسته شده که علاوه بر توجه شاهانه به آنها ، بسیاری از آنها به گونه تحفه و متاع تقدیم می شده اند . نمونه های زیادی از خشونت مستقیم علیه زنان ثبت تاریخ افغانستان گردیده است . بطور مثال :

1- گرفتن زن از طریق نیروی غالب در جنگ ها به عنوان غنیمت جنگی.

2- پیشکش کردن زنان از طرف نیروهای مغلوب به نشانه اطاعت و مصالحه .

3- بهره برداری رؤسای قبایل از قدرت در بار به وسیله ای دادن دختران به حکمروایان .

4- گرفتن زنان از خانواده بزرگان و خوانین از سوی حکمروایان به منظور جلب حمایت آنها.

5- بدو بدل دادن زنان و دختران در منازعات و قتل های صورت گرفته میان دو قبیله . (5 : 7)

با گسترش دامنه ای خشونت علیه زنان در افغانستان ، این پدیده بیشتر در بین افراد جوان ، بیسواد ، کمسواد ، بیکار ، کم در آمد و معتاد اتفاق می افتد . البته نمی توان خشونت علیه زنان را در بین اقشار و طبقات بالایی جامعه نادیده گرفت ، مگر خشونت آنها به دلایل گوناگون غیر منطقی پرده پوشی میشود . اعمال خشونت علیه زنان و دختران توسط افراد ذکور خانواده مانند پدر ، برادر ، ماما ، کاکا به یک امر معمول مبدل گشته است و گویا سنن و عرف به آنها اجازه می دهد

که دست به چنین اعمال بزنند و این امر ریشه ای هزار ساله دارد و به پیروی از این رسم و رواج ها ، زنان و ادار به اطاعت مردان می شوند و هر نوع خشونت علیه خود را متحمل می شوند.

مثلاً می گویند : « دختر با لباس سفید به خانه شوهر می رود و با کفن سفید از خانه شوهرش بیرون می رود.» بدین معنی که زن باید هر نوع خشونت و شرایط سخت زندگی را در فامیل شوهر بپذیرد و به گسیختن پیوند زناشویی کوچکترین اقدام نکند.

به اساس این رسم و رواج ها ، مردها همیشه حاکم مطلق خانه بوده و آزادی زن تهدیدی در برابر مرد است و مرد گویا برای حفظ هویت خود در اندک ترین موضوع متوسل به خشونت می شود . زنان هم به دلایل متعدد چون شرم و خجالت ، ترس از جدا شدن ، نگرانی از آینده فرزندان و غیره خشونت شوهر را طبیعی تصور می کنند و کمتر در برابر خشونت عکس العمل نشان می دهند.

خشونت به هر طریقی که اعمال شود، پیامد های منفی جدی را در قبال دارد . مانند مرگ، جراحت ، معلولیت فیزیکی ، اقدام به خودکشی ، خودسوزی، شکستگی اعضای بدن ، مبتلا شدن به ایدز، رو آوردن به فحشاً ، تفریق ، گدایی ، اعتیاد و ده ها موارد دیگر . این پیامد ها سبب می شود تا کانون گرم خانواده ها ، متزلزل و از هم پاشیده ، آرامش و آسایش از میان برود.

خلاصه اینکه خشونت علیه زنان ، پدیده درهم تنیده و پیچیده ای است که به صورت کل از عوامل مختلف اجتماعی ، فرهنگی ؛ تربیتی ، روانی ، اقتصادی و بسا عوامل دیگر ناشی می شود و در افغانستان به اشکال و انواع مختلف اتفاق می افتد. شایع ترین انواع خشونت عبارتند از خشونت فیزیکی ، جنسی ، اقتصادی و کلامی - روانی که زنان افغان رنج و عذاب آنها را می کشند. در ذیل به توضیح مختصر آنها می پردازیم :

1- خشونت فیزیکی: این نوع خشونت شامل گونه های مختلفی از خشونت نظیر لت و کوب ، جراحت ، سوزاندن ، مسموم کردن ، قطع اعضای بدن ، قطع موها و دها مورد دیگر که بشکل گسترده علیه زنان اتفاق می افتد.

2- خشونت جنسی: خشونت جنسی علیه زنان نوع دیگری است که عمدتاً برای زنان جوان کشور اتفاق می افتد. این شکل از خشونت دربرگیرنده اجبار به فحشاً ، مقاربت جنسی اجباری ، در خواست افعال نامشروع ، بارداری اجباری، سقط جنین اجباری و غیره که در آن زنان از لحاظ جنسی توهین و تحقیر می شوند.

3- خشونت اقتصادی : در این نوع خشونت زندگی اجتماعی و اقتصادی زنان آسیب دیده و سر انجام آزادی عمل ، اراده و شغل خویش را از دست می دهند. از میان رفتن آزادی عمل زنان در خانواده و جامعه موجب وابستگی آنها به مردان جامعه و خانواده ، مشخصاً شوهران شان شده و به این ترتیب

، آنها را در حالتی قرار می دهد که پیوسته مطیع مردان باشند . عدم تأمین نفقه ، فروش اجناس قیمتی زنان بدون اجازه آنها ، اخذ اجزای معاش و دستمزد

**خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...**

ندادن حق میراث ، عدم داشتن صلاحیت کافی در خانه و موارد مشابه ، دسته های اند که زیر مجموعه خشونت اقتصادی به حساب می آیند .

4- خشونت کلامی - روانی : این نوع خشونت که بشکل فراگیر و گسترده وجود دارد ، کمتر آشکار می گردد . این خشونت را که خشونت سفید نیز می گویند در افغانستان به شکل گسترده روی می دهد . خشونت کلامی - روانی شامل فحش ، دشنام ، سخنان اهانت آمیز ، تمسخر ، تهدید به ازدواج مجدد ، اتهام زدن ، تهدید به بی سرنوشت کردن و غیره می باشد . این نوع خشونت هر چند گسترده ترین نوع خشونت محسوب می گردد ، اما به دلیل ماهیت آن پنهان باقی می ماند .

خشونت علیه زنان در اسناد و کنوانسیون بین المللی حقوق بشر ، خصوصاً قوانین که مربوط به زنان است ، مردود شناخته شده است . بدین ملحوظ کشور ها ملزم گردیده اند تا قوانین داخلی خویش را طوری وضع ، تصویب و یا اصلاح نمایند تا در مغایرت با ارزش های جهانی حقوق بشر و کرامت انسانی زنان قرار نگیرد .

یکی از اسناد بین المللی حقوق بشری ، کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات

علیه زنان است که تبعیض را به مثابه عوامل زمینه ساز خشونت و نقض حقوق بشری زنان تلقی نموده و دولت ها را ملزم کرده است تا مفاد این کنوانسیون را رعایت و به آن احترام قایل شوند. در ماده اول این کنوانسیون چنین مشعر است:

« دولت های عضو ، تبعیض علیه زنان را در تمام اشکال آن محکوم می کنند

خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...

پیگیری می نمایند...» (6 : ماده 2)  
همچنان سازمان ملل متحد اعلامیه محو خشونت علیه زنان را در سال 1993 به تصویب رساند و در آن از خشونت فراگیری که در جامعه و خانواده جاری است هشدار داده است. در این اعلامیه نسبت به خشونت های که عاملان آن منصوبان دولت و نهاد های مسئول دولتی اند نیز هشدار داده می شود. در ماده اول این اعلامیه چنین آمده است:  
برای مقاصد این اعلامیه ، عبارت « خشونت علیه زنان » یعنی هر اقدام خشن متکی به جنسیت است که منجر به آسیب یا رنج جسمی ، جنسی یا روانی نسبت به زنان ، از جمله تهدید انجام چنین اعمالی ، محرومیت اجباری یا خود سرانه ، از آزادی ، چه در زندگی عمومی یا خصوصی می شود ، یا احتمال دارد، منجر شود.»

به منظور تحقق این تعهدات ، خواستگاه ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم ، استبداد ، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی ،

عدالت اجتماعی ، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم ، رعایت منشور ملل متحد ، معاهدات بین الدول ، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر ، در مقدمه و ماده هفتم قانون اساسی افغانستان تسجیل یافته است .

علاوتاً در ماده پنجاه و چهارم این قانون اساسی ، دولت مکلف به حمایت از خانواده دانسته شده است. در این ماده چنین آمده است :

« خانواده دکن اساس جامعه را

خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...

دارد.

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده ، بالاخص طفل و مادر ، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.» (7 : ماده 54)

در روشنی احکام این ماده و ماده بیست و چهارم قانون اساسی ، قانون منع خشونت علیه زنان در سال 1388 با اهداف ذیل وضع گردیده است :

1- تأمین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.

2- حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم ، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.



- 3- حمایت مجنی علیهای خشونت ( زن متضرر) یا معروض به خشونت .
- 4- جلوگیری از خشونت علیه زن.
- 5- تأمین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
- 6- تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن. (8 : ماده 2)

این قانون مواردی زیادی از اعمال خشونت آمیز علیه زنان را تعریف و مجازات آن را در خود پیش بینی کرده است. چنانچه به موجب احکام ماده چهارم آن : « خشونت جرم بوده ، هیچ کسی حق ندارد در محلی سکونت ، اداره دولتی یا غیر دولتی ، موسسات ، محلات عامه ؛ وسایط نقلیه یا سایر محلات ، مرتکب آن گردد . در صورت تطبیق احکام این قانون مجازات می گردد» . البته در صورت تطبیق احکام این قانون و پیگرد عدلی و به مجازات کشانیدن عاملان خشونت ، زمینه های اعمال خشونت تا حد

خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...

### نتیجه گیری :

مبارزه پیگیر و دوامدار علیه خشونت نیازمند یک جنبش و حرکت سراسری است که عرصه های مختلف زندگی جمعی و خصوصی را شامل می شود . خشونت علیه زنان صرف یک موضوع حقوق بشری نیست ، بلکه یک معضله بزرگ اجتماعی است که دامنگیر جامعه و فرهنگ ما شده است . بنأ به منظور غلبه بر این پدیده زشت ، نه تنها ضرورت به تلاش

های پیگیر نهاد ها و فعالین حقوق بشر و جامعه مدنی است ، بلکه اتخاذ سیاست های بزرگ ملی را در سطح کشور می طلبد. پیشنهادات:

- دولت باید از طریق راهکارهای عدلی ، قضایی و قانونی از قربانیان خشونت حمایت کند ، عاملان آن را مجازات کند و به فرهنگ معافیت خاتمه ببخشد.
- رسانه های دولتی و غیر دولتی ، نهاد های جامعه مدنی و ملا امامان مساجد در مورد عواقب و پیامد های ناگوار و جبران نا پذیر خشونت علیه زنان ناشی از سنن و عنعنات نا پسند ، پیوسته آگاهی بدهند.
- خشونت پرهیزی و نفی خشونت باید در نصاب تعلیمی مکاتب بحیث یک موضوع تعلیمی و تربیتی گنجانیده شود.
- دولت باید زمینه مشارکت فعال زنان را در عهده های مدیریتی ، اجتماعی و سیاسی و تصمیم گیری های بزرگ ، مساعد

خشونت علیه زن، ریشه یابی و ...

را اتحاد ، ممکن ، معدور و عملی سازد.

**مآخذ:**

- 1- انصاف پور ، غلام رضا ، فرهنگ فارسی کامل، تهران : انتشارات زوار، 1373
- 2- علاسوند، فریبا ، زنان و حقوق برابر ، تهران : انتشارات شورای فرهنگی و اجتماعی زنان ، 1382.

- 3- آريانا دايره المعارف ، جلد سوم ،  
 كابل : اكادمي علوم افغانستان ،  
 1389.
- 4- تحقيقي در باره خشونت خانوادگي عليه  
 زنان ، مؤسسه تحقيقات اجتماعي ، كابل  
 : كميسيون مستقل حقوق بشر افغانستان  
 ، 1383.
- 5- حسرت ، محمد حسين ، خشونت عليه زنان ( )  
 عوامل ، زمينه ها و وضعيت خشونت عليه  
 زنان در افغانستان (1390) ، كابل :  
 كميسيون مستقل حقوق بشر افغانستان ،  
 1391.
- 6- كنوانسيون رفع كليہ تبعيضات عليه  
 زنان ، مصوب دسمبر 1979 مجمع عمومي  
 سازمان ملل متحد ، كابل : كميسيون  
 مستقل حقوق بشر افغانستان ، 1383.
- 7- قانون اساسي افغانستان ، كابل :  
 كميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون  
 اساسي ، 1391.
- 8- قانون منع خشونت عليه زن ، وزارت  
 عدليه ، جريده رسمي شماره 989،1388.

معاون سر محقق عبدالصمد عزيزي

## حق تملک و حدود استفاده و استعمال ملکیت

### چکیده :

حق تملک یکی از حقوق اساسی فردی بوده که توسط اکثر قوانین اساسی کشورها تسجیل شده و در اسناد بین المللی نیز انعکاس یافته است. بر اساس این حق، ملکیت از تعرض مصئون شناخته شده و طبق حکم ماده (40) قانون اساسی 1382 افغانستان، هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود مگر در حدود احکام قانون، بناءً محدودۀ استفاده و استعمال ملکیت توسط اسناد تقنینی هر کشور نظر به سیاست اقتصادی و مالی آن معین می‌گردد.

### واژگان کلیدی:

حق تملک، محدودیت های قانونی، منشاء ملکیت، مالکیت و نظام حقوقی، ملکیت مجاز، ملکیت نامشروع.

### مقدمه :

در شرایط موجود افغانستان، مسئله ملکیت و حگمگ تصدق در آن، یک از معضلات **حق تملک و حدود استفاده و ...**

نهادهای حاکمیت را بخود جلب کرده و یکی از دغدغه های اساسی فرا راه انکشاف اقتصادی و رفاهیت اجتماعی را ، مالکیت و چگونگی حق استفاده از آن تشحیر میدهد.

طرح تیوریک و حقوقی این مسئله درین برهه زمانی که حساس ترین مرحله برای تعیین سیاست اقتصادی و گذار کشور از نظام

اقتصادی عقب مانده بسوی انکشاف و مدرنیزم میباشد، از مبرمیت خاصی برخوردار است. زیرا روشنی انداختن به ابعاد ایدیولوژیکی و سیاسی- حقوقی مسئله به سیاست گذاران کشور در امر گزینش نظام اقتصادی متناسب به شرایط اجتماعی و درجه تکامل جامعه افغانستان، کمک خواهد کرد تا سیاست عقلانی را درین عرصه انتخاب و مورد اجراء قرار دهند.

حق تملک، نظام مالکیت و حدود استفاده از ملکیت در نظام های مختلف اقتصادی- اجتماعی یکسان نیست. چنانچه در نظام اقتصادی لیبرال به عدم تعیین حدود ملکیت و عدم تعیین شروط استقاده از ملکیت تأکید میگردد، زیرا از لحاظ ایدیولوژیکی، اساس نظام آنها را اصل ملکیت خصوصی تشکیل میدهد. در حالیکه در نظام جمع گرا یا سوسیالیزم بر اصل ملکیت اجتماعی و زدودن مالکیت خصوصی اتکاء میشود.

اما احکام دین اسلام بیشتر گرایش به اقتصاد مختلط دارد، در عین اینکه نظر به شرایط و حالات خاص جامعه میتوان این یا آن نظام اقتصادی و یا این یا آن نوع ملکیت (مالکیت اجتماعی یا مالکیت خصوصی) را ترجیح داده و یا همزمان از هر دو طوری استفاده نمود که منافع جمعی (عامه) در آن بیشتر ملاحظه نظر باشد تا منافع فردی.

حق تملک و حدود استفاده و ...

متن:

از آنجائیکه هر نوع دولت حافظ یکنوع مالکیت متناسب با ماهیت اجتماعی خود میباشد، از اینرو تغییر در نوع دولت باعث تغییراتی در سیستم مالکیت نیز میشود. اساساً موجودیت دولت بستگی به وجود یک سیستم مالکیت دارد و علت وجود حقوق مالکیت اینست که دولت آنرا به رسمیت میشناسد و از آن حمایت میکند.

طوریکه مشاهده میشود قسمت بزرگی از قوانین دولت ها مختص به تعریف و بیان مناسبات میان مالکان و شرایط انتقال مالکیت و وظایف ملازم با مالکیت و استفاده از اموال و امثال آنست.

حق مالکیت را فقط مرجعی میتواند بوجود آورد که حق نهائی مالکیت را برای خود محفوظ میدارد. این مرجع دولت است. این حق در اصلی که به موجب آن، دولت حق دارد مالکیت خصوصی را برای هدفها و مقاصد عمومی، از افراد سلب کند، تا حدی متجلی است.

به هر اندازه ایکه ملکیت شخص در عقار، در اموال منقول، در وسایل، بانک ها و تصدی ها آزاد شناخته میشود یا محدود میگردد و یا منع قرار داده میشود، بهمان اندازه نظام اقتصادی یک دولت یا جامعه تغییر نموده و شکل خاص به خود میگیرد لذا میتوان گفت که ملکیت اساس نظام اقتصادی یک جامعه سیاسی است.

البته مالکیت همچنانیکه اساس نظام اقتصادی است اساس نظام اجتماعی نیز

میباشد<sup>(1)</sup> و نظام اجتماعی تاحد زیادی توسط نظام حقوقی معین میگردد. از انرو یکنوع هماهنگی و همسنگی متقابل میان نظام **حق تملك و حدود استفاده و ...**

سیاسی از طرف دیگر موجود است. پس جای این سوال باقی نمی ماند که چرا ملکیت بحیث وسیله حقوقی در محراق مبارزات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از زمانه های قدیم تاکنون قرار داشته و تضاد های سیاسی ایدیولوژیک و حتی عقیده وی را بار میآورده است.

همچنان نحوه استفاده از ملکیت در نزد بسیاری از دانشمندان حایز مفهوم اجتماعی بزرگی است زیرا حق ملکیت، کاملترین حق عینی است که شخص اعم از حکمی و حقیقی میتواند نسبت به مال داشته و بقیه حقوق عینی اجزای حق ملکیت میباشد<sup>(2)</sup>. بعبارة دیگر حق ملکیت د راکثر نظام های حقوقی مختلف مبنای سایر حقوق عینی است<sup>(3)</sup>.

بدین ترتیب دیده میشود که ملکیت مرکز ثقل مفاهیم حقوق اقتصادی را تشکیل میدهد.

مطابق احکام قانون اساسی 1382 افغانستان ملکیت از تعرض مصئون شناخته شده و هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود مگر در حدود احکام قانون همچنان هیچ قانون نمیتواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد<sup>(4)</sup>.

بنابر این احکام، پذیریش حق ملکیت بطور کل و بر محور این حق، آزادی فعالیت های اقتصادی به اشکال گوناگون و در عرصه های

مختلف حیات فردی و اجتماعی، در سایر مواد قانون اساسی و قوانین منسلک به آن روشن میگردد.

زمانیکه از حق ملکیت و آزادی استفاده و استعمال آن به مثابه اساس فعالیت های اقتصادی صحبت بعمل میآید این بدان معنی است که افراد آزاد اند ملکیت را بصورت خصوصی و فردی استعمال کنند یا بصورت مشترک

#### حق تملك و حدود استفاده و ...

گردانیم در آنصورت ناگفته پیداست که آزادی انسان ها نیز درین عرصه محدود میگردد، زیرا عرصه عمل انسان که میتواند به اشکال مختلف و متنوع تبارز کند، محدود و منحصر به یک یا چند شکل مشخص میگردد.

به هر اندازه که اشکال ملکیت متعدد و متنوع و طرز استعمال و استفاده از آنها بتواند گوناگون باشد (تا آن حدیکه اضرار فردی و اجتماعی آن به ظهور نرسیده و ثابت نشده باشد) هم برای انسان ها از لحاظ رعایت آزادی و وسعت میدان انتخاب و عمل و جستجوی منافع مادی و تبارز استعداد ها و ذوق ها بشری مفید است و هم برای جامعه پوتانسیل فعالیت اقتصادی بیشتری را مهیا و ممکن ساخته و به امر انکشاف عمومی کمک میرساند.

ازینکه قانون اساسی افغانستان تاسیس نظام متکی بر دموکراسی را هدف قرار داده است، نظام دموکراسی پلورالیزم را در عرصه سیاسی و ایدیدولوژیک می پذیرد پس نمیتواند



از سیاست پلورالیستی در عرصه اقتصادی نیز چشم پوشد، زیرا یکی از علل تنوع و تعدد ایدئولوژی‌ها و عقاید و اختلاف بین آنها از نحوه موضعگیری آنها نسبت به سیاست‌های اقتصادی و چگونگی آزادی عمل در تملک و استفاده از آن می‌باشد. چنانچه در حقوق کشور های لیبرال ملکیت را چنین تعریف مینمایند:

"ملکیت، داشتن چیزی است بطوریکه صاحب حق بتواند بدون هر نوع قیود در آن تصرف نموده و از آن استفاده نماید"<sup>(5)</sup>.

درین تعریف به وضاحت دیده میشود که در استفاده از ملکیت، مالک اختیار مطلق داشته و "بدون هر نوع قیود" میتواند در آن تصرف و از آن استفاده دلخواه نموده و یا حتی بی لزوم آنرا تلف و ضایع سازد.

اما این دیدگاه در اسلام چگونه معنی

<b>حق تملك و حدود استفاده و ...</b>
-------------------------------------

قدرت و اختیار انسانی محدود است و هیچکس نمیتواند خود را مالک مطلق و متصرف تام الاختیار بداند. ازینرو مالکیت در اسلام نسبی و محدود است.

از جانب دیگر چون بنابر آیات قرآن مجید خلافت روی زمین برای همه است (لیستحلهم فی الارض) و یا (جعلکم خلائف فی الارض) فرد وکیل و نایب جمع میباشد و تصرفاتش باید در حد خیر و مصلحت عموم باشد<sup>(6)</sup>.

این قاعده در مورد تصرفات دولت (خلیفه یا زعیم) نیز صدق میکند و مداخله در امور اقتصادی و اجتماعی در همین حدود مجاز

خواهد بود. لذا ازین نقطه نظر نیز مالکیت در اسلام محدود، مقید، عاریتی و تفویضی است (7).

براین اساس فقها ملکیت را قرار ذیل تعریف کرده اند:

"ملکیت عبارت از ارتباط شرعی میباشد بین انسان و یک شئی مملوک بصورتیکه بتواند به وجه خاص در آن تصرف نماید." (8)

قانون مدنی 1355 افغانستان که تاکنون نافذ است از ادغام دو تعریف فوق الذکر چنین تعریفی را از ملکیت ارائه نموده است:

"ملکیت حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار میگیرد و تنها مالک میتواند در حدود احکام قانون به استعمال، بھر برداری و هر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد." (9)

درین تعریف هر گاه روی جمله " تنها مالک میتواند" تکیه بعمل آید چنان معنی میدهد که نفوذ دیگران را نسبت به ملکیت شخص منتفی میسازد و به مالک امکان دفاع در مقابل مداخله دیگران در ملکیتش را میدهد و یا بعباره دیگر هر کس را مکلف میسازد تا به حق مالکیت دیگران احترام نماید.

#### حق تملك و حدود استفاده و ...

مقید به زمان نیست، دائمی بودن ملکیت را ثابت میسازد.

البته "تصرف مالکانه" در حقوقو لیبرال معنی در تصرف داشتن، استفاده کردن، استعمال نمودن و حتی تلف نمودن و از بین

بردن ملکیت را می‌دهد بدون اینکه پابند  
تعلق اقتصادی باشد.

ولی قانون مدنی افغانستان که بر احکام  
قانون اساسی و دین اسلام استوار است با  
بکار بردن جمله "در حدود احکام قانون"،  
"تصرفانه مالکانه" را مقید و محدود می‌سازد  
و از مطلقیت آن می‌کاهد. زیرا در دین اسلام  
حق ملکیت، مطلق نمی‌باشد (مالک اصلی  
خداوند (ج) است و همه چیز در تحت اداره  
مطلق او تعالی قرار دارد) لذا کسب و  
استفاده و استعمال ملکیت بصورت غیر مشروع،  
مجاز نبوده و به مالک صلاحیت از بین بردن و  
تخریب بیهوده مالش داده نشده است.

به تعبیر دیگر هر ملکیت خواه انفرادی و  
خواه مشترک باشد، پهلوی اجتماعی بودن آن  
که همه اعضای جامعه و حتی بشریت به آن  
شریک اند نیز باید در نظر گرفته شود که به  
اساس آن فرد یا گروه یا دولت بر ملکیت شان  
نباید تصرف بی چون و چرا و مطلق برقرار  
سازند.

آیه مبارکه «لا تأکلو اموالکم بینکم با  
الباطل» این مطلب را واضح می‌سازد. تفسیر  
آیه: اموال خود تانرا در میان خود تان به  
باطل نخورید (باطل، بیهوده و بی نتیجه و  
بدون عمل مثمر. کلمه "بینکم" و تکرار  
ضمیر "کم" گویا اشاره به این است که  
اموال از جهتی مورد تعلق عمومی در میان  
باید باشد<sup>(10)</sup>.

(تا هر کس در حد حق و استحقاق به آن  
دسترسی داشته باشد)

همچنان آیه «كَلِمَاتٍ مَّا تَلَّهَا لَتَنفَحَنَّهُ رُوحُ بَرٍّ» و آیه  
حق تملك و حدود استفاده و ...

مورد میباشند.

معمرالقدافی رهبر سابقه دولت لیبیا نوشته بود: هدف مشروع افراد در فعالیت های اقتصادی، فقط باید تامین نیاز مندی های شان باشد زیرا ثروت عالم حداقل در هر مرحله و نیز ثروت هر جامعه بطور جداگانه محدود است و ازین رو هیچکس حق ندارد به یک فعالیت اقتصادی به منظور به دست آوردن ثروتی مازاد بر احتیاجش دست بزند، زیرا این مازاد در واقع حق افراد دیگر است. اگر منظور این باشد که انسان بیش از نیاز خود در آمدی بدست آورد دیگران را از به دست آوردن آن محروم میسازد و حق آنها را ضایع میکند. پس اند از بیش از احتیاج، در واقع پس اند از احتیاج انسان دیگری از ثروت جامعه است.<sup>(11)</sup> و مصرف بیش از نیاز امر بیهوده و باطل است.

پس مشروعیت ملکیت در آن خواهد بود که از یکطرف بطور نا مشروع چون رشوت، اختلاس، غصب، احتکار، سرقت، قمار، قاچاق، آدم ربائی و از فروش اشیاء حرام و ممنوعه چون شراب، تریاک، چرس، تن فروشی و سایر اعمال غیر اخلاقی و غیر شرعی، کسب نشده باشد و از جانب دیگر استفاده از آن در حدود احکام قانون که جهت اجتماعی آن ملحوظ نظر باشد، صورت گیرد. علاوه بر آن خصلت انحصاری را هم در عرصه تولید و هم فروش (چه رشتوی و چه ساحوی) نداشته تا همچون سدی در راه فعالیت

های سالم رقابتی که محرک خوبی استعداد ها و ابتکارات اعضای جامعه است، واقع نشده و بالاخره منجر به محرومیت سایر افراد بشر از دسترسی به نعمت ها و ثروت های خدا داد سر زمین خدا نگردد.

**نتیجه گیری:** داشتن ملکیت يك حق مطلق نبوده بلکه يك حق مجاز است که در قوانین ملي اکثر کشور های معاصر و اسناد بين المللي انعکاس یافته و سنگ بنای حقوق عینی بشمار

**حق تملك و حدود استفاده و ...**

به شهر و بدان یه حق داشتن مالکیت خصوصی هم بر وسایل تولید و هم بر اموال مصرفی را اجازه میدهند یا آنکه حق مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را جواز نداده و صرف در اموال مصرفی چنین حقی را به رسمیت میشناسند و یا هم از لحاظ کمیت بر حق مالکیت ، محدودیت های را وضع می نمایند.

قوانین افغانستان که با احکام شریعت اسلامی عین میباشد از لحاظ اندازه کمی ملکیت ، حدودی پیشبینی نشده ولی از لحاظ ماهیت و کیفیت ، برخی شرایط را برای کسب ملکیت پیشبینی نموده و آن اینکه ملکیت از طرق نا مشروع و غیر مجاز چون فروش اشیا حرام ، مضر و ممنوعه و اعمال مجرمانه کسب نشده باشد. نظر به سطح رشد عمومی و شرایط اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی موجود افغانستان ضرور است تا نظام اقتصادی مختلط که در آن هم ملکیت عامه ( سکتور دولتی ) و هم ملکیت خصوصی متناسب به رشد و تحول جامعه و نظر به مؤثریت و مفیدیت و قابلیت انطباق یکی

از سكتور ها در يك رشته يا ساحه معين اقتصادي ، طوري مورد اجرا قرار گيرد كه ضمن كنترول عمومي دولت بر هر دو عرصه ، به جنبه هاي منافع عمومي و ملي آنها رجحان داده شود.

حق تملك و حدود استفاده و ...

#### مآخذ:

- 1 - دكتور محمد طاهر بورگي، حقوق عيني مقاييسوي، كابل، مطبعه پوهنتون كابل، چاپ گستنر، \_\_ ص 17
- 2 - همان اثر ص 23.
- 3 - ن. آر. پولانزاس، واقعيت حقوق، ترجمه نجاد علي الماس، تهران، انتشارات دانشگاه ملي ايران، 1354، ص 188.
- 4 - قانون اساسي 1382 افغانستان، جريده رسمي، شماره مسلسل (818)، مواد 40 و 3.
- 5 - سر محقق محمد صديق سيلاني، حقوق اسلام، كابل، مطبعه انستيتوت علوم اجتماعي، 1369، ص 11.
- 6 - سيد محمود طالقاني، اسلام و مالكييت، چاپ چهارم، تهران، شركت سهامی انتشارات، 1344، ص 343
- 7 - همان اثر، ص 146

- 8 - سر محقق محمد صدیق سیلانی، حقوق اسلام، کابل، مطبعه انستیتوت علوم اجتماعی، 1369، ص 11
- 9 - قانون مدنی 1355 افغانستان، جریده رسمی، جلد چهارم، ماده (1900).
- 10 - آیه 88 سوره بقره، اقتباس از سید محمود طالقانی، اسلام و مالکیت، ص 147.
- 11 - معمر القذافی، کتاب سبز، ص 91

یوهنمل نجیب آقا فهیم

## وضعیت حقوقی بهره برداری از آب رودخانه هریرود

### چکیده

هریرود از رودهای پر آب حوضه آبی غرب کشور می باشد که از ارتفاعات تقریباً 4000 متری دامنه های غربی کوه بابا در ولایت غور سرچشمه می گیرد. این رودخانه 850 کیلومتر طول داشته که ازین میان 560 کیلومتر آن در داخل افغانستان جاری است. (354): حدود 130 کیلومتر مرز مشترک میان دوکشور ایران و افغانستان و 110 کیلومتر، مرز مشترک میان ایران و ترکمنستان را همین رود تشکیل

میده. (3506: تغییرات اقلیمی در اواخر قرن 20 و اوایل قرن حاضر و خشکسالی های متناوب سال های اخیر از یکسو و روند تصاعدی رشد نفوس و نیاز به غذا و مصرف آب بیشتر از سوی دیگر، کشور های منطقه را برآن داشت تا وضعیت آبی خود را بازنگری نموده و مدیریت منابع و بهره برداری درست ازین منابع را در دستور کار خود قرار دهند.

برمبنای همین ارزیابی ها دولت ایران بی ثباتی، جنگ و نبود یک دولت موثر و کار آمد در افغانستان را در دوره حکومت طالبان فرصت خوبی دانسته و طرح احداث "سد دوستی

#### وضعیت حقوقی بهره برداری از

گرفت و بر اساس منابع سرمایه گذاری شده روی این پروژه و ایجاد وابستگی به منابع آن، ادعای حقا به از آب هریرود را می نماید، که درین مقاله پیامد های اینگونه اقدامات جهت بهره برداری آب هریرود و بخصوص احداث بند آبگردان "دوستی" برای افغانستان را در آتیه و جوانب حقوقی این اقدام یک جانبه دولت ایران را در روشنی قواعد حقوق بین الملل و عرف بین المللی موجود در مورد بهره برداری از آبهای مشترک بررسی می نمایم.

**واژه های کلیدی:** هریرود، بند سلما، سد دوستی، وضعیت حقوقی رودخانه ها، رودخانه های بین المللی، حقا به، کنوانسیون 1997 نیویارک.



## مقدمه

در تقسیمات هیدرولوژیکی کشور ما هریرود بخشی از حوضه آبریز هریرود و مرغاب می باشد که رودخانه های دیگر شامل درین حوضه عبارت می باشند از: هریرود، کاشان، کشک رود و مرغاب .

مساحت این حوضه آبریز در مجموع به 77604 کیلومترمربع میرسد. حوضه دریایی هریرود و مرغاب با داشتن 3 میلیارد و 60 میلیون مترمکعب آب 4 % ظرفیت آبی، آبهای سطحی کشور را تشکیل میدهد. هدف ما درین مقاله بررسی وضعیت آبی و ابعاد حقوقی بهره برداری از آب رودخانه هریرود می باشد که یکی از پرآب ترین رودهای این حوضه بوده و ظرفیت آبدی سالانه آن تقریباً 1 میلیارد و 250 میلیون مترمکعب آب محاسبه شده است. ( 6215: )

وضعیت حقوقی بهره برداری از...

### 1- وضعیت آبی و جغرافیایی هریرود

هریرود از رودهای مهم و بزرگ حوضه آبی غرب کشور می باشد که از ارتفاعات تقریباً 4000 متری دامنه های غربی کوه بابا در ولایت غور سرچشمه می گیرد. دوشاخه فرعی این رود بنام های سنگل آب و سرجنگل در منطقه "دولت یار" با هم یکجا شده و از شرق به غرب در میان دو رشته کوه های سفید و سیاه کوه، جریان پیدا می نماید. ( 623: ) هریرود مسافت طولانی ای را در داخل ولایت غور طی نموده و

از شهر چغچران مرکز آن ولایت عبور می نماید. منار جام که جزء آثار باستانی و با عظمت کشور ما بوده و در جهان هم نظیرش دیده نشده است در کنار همین رود ساخته شده و وجود این منار در کنار هریرود شاهد آن می باشد که در ساخت یکی از تمدن های کهن تاریخی منطقه هم هریرود نقشی داشته است. هریرود باگذر از ولایت غور وارد چشت و اوبه ولایت هرات می شود. در قسمت غربی اوبه رود دیگری که بنام تگاو ایشان یاد می شود از دامنه های جنوبی سیاه کوه سرچشمه گرفته و تقریباً به طول 260 کیلومتر بصورت موازی با هریرود حرکت نموده و در منطقه ماروه، با آن یکجا می شود. هریرود پس از عبور از مناطق کوهستانی وارد دشت های هموار ولسوالی های پشتون زرغون وگذره شده و با عبور از جنوب شهر هرات نیازهای آبی ولسوالی های زنده جان و غوریان را تأمین نموده و به ولسوالی کهسان می رسد. پس از آن این رود بعد از طی مسافتی در ولسوالی های کهسان واسلم قلعه، در منطقه کمانه و بنیاد به نقطه مرزی رسیده و تا دهنه ذوالفقار مرز کشور ما را با جمهوری اسلامی ایران مشخص می نماید. هریرود 850 کیلومتر طول داشته که ازین میان 560 کیلومتر آن در داخل افغانستان جاری است.) 4:35 (حدود 130 کیلومتر مرز مشترک میان دوکشور ایران و افغانستان و 110 کیلومتر، مرز مشترک میان ایران و ترکمنستان را همین رود تشکیل میدهد.) 6:350 (هریرود که حوضه آبریز آن در

داخل کشور 39300 کیلومتر مربع می باشد، سرانجام وارد ترکمنستان شده که در آنجا بنام تجن یاد می شود. هریرود در ریگزارهای قراقرم به پایان میرسد. نام های هری و هریوا که نام های باستانی هرات می باشند از همین رود گرفته شده اند.



پل ملان یکی از پل های باستانی کشور بالای هریرود (عکاسی بصیر سیرت)

### **1-1- استفاده از آب هریرود**

بند سلما که پس از بهره برداری به بند دوستی افغان- هند مسمی شد در روستای سلما واقع در 176 کیلومتری شهر هرات ساخته شده است. (8) این بند یکی از پروژه های بزرگ زیربنایی تاریخ افغانستان می باشد که در زمان ریاست جمهوری محمد داود خان رویدست گرفته شد. کارهای عملیاتی احداث این بند در سال 1355 هجری خورشیدی با حمایت مالی عربستان سعودی و کمک تخنیکی یک کمپنی هندی آغاز و 20 فیصد کار آن پیشرفته بود که

بعلت وقوع کودتای ثور 1357 و درگیر شدن افغانستان در جنگ های خونین طولانی متوقف گردید.

هدف ساخت این بند که ظرفیت ذخیره سازی 633 میلیون مترمکعب آب برای آن پیش بینی شده است، آن بود که آب های فصلی و اضافی هریرود را مهار نموده و امکان استفاده ازین ذخایرآبی را در تولید برق و زراعت برای منطقه فراهم بسازد. مکان ساخت بند در منطقه سلمای ولسوالی چشت ولایت هرات انتخاب شده است. این بند در صورت تکمیل مراحل ساخت این قابلیت را دارد که علوه بر تولید 42 میگاوات برق مورد نیاز هرات و ولایات همجوار آن، 80 هزار هکتار زمین قابل کشت را که در 9 ولسوالی مسیر هریرود قرار دارد نیز آبیاری نماید.) 10

دولت افغانستان دوباره کار ادامه ساخت بند سلما را در اوایل سال 1385 با استفاده از کمک های بلعوض دولت هند آغاز نمود. کمپنی های SSJV و BHEL هندی قرارداد امور ساختمانی و برق پروژه ساخت بند را بعهده گرفته و کمپنی وپکاس هندی ازکار آن نظارت می نمودند. سفیر هندوستان راکش سود در مراسم افتتاحیه کار بند سلما دلیل علقمندی کشورش را در جمع مردم ولسوالی چشت چنین بیان نمود: "من خیلی خوش هستم که درین ولسوالی هستم، همانطورکه شما میدانید سلسه چشتیه ازینجا به هندوستان رفته، بنابراین ارتباط میان شما و مردم هند سابقه طولانی دارد و به همین سبب دولت ما تصمیم گرفت که

این بند را اعمار کند من امیدوارم که با این کار سطح زندگی شما بلند برود". قرار بود که کار ساخت بند تا آخر سال 1387 به پایان برسد، اما به دلیل نا امنی هایی که به عوامل فرامرزی نسبت داده می شود، این کار با تأخیر مواجه شده. (9) و بالآخره در 4

#### وضعیت حقوقی بهره برداری از...

آخرین گزارش منتشر شده از سوی وزارت انرژی و آب، حجم آب ذخیره شده در پشت بند تا تاریخ 2016/5/30 مصادف با 1395/2/10 به 460 میلیون متر مکعب رسیده است. (8)

مضافاً یک رشته پروژه هایی در سال 2007 توسط مؤسسات خارجی بخاطر بهره برداری از آب حوضه آبی هریرود - مرغاب بخصوص هریرود به ارزش 90 میلیون دالر دیزاین و طراحی شده اند.

این پروژه ها که تمویل آنها را بانک توسعه آسیایی، اداره توسعه بین المللی کانادا و صندوق ابوظبی بعهدہ گرفته اند اهداف ذیل را دنبال می نمایند:

- توسعه منابع آب.
- آبیاری 52000 هکتار زمین زراعتی.
- بهبود مدیریت استحصال و توزیع آب در منطقه.
- تقویت مالداري و اقتصاد زراعتی و کمک به توسعه روستاها.

قرار بود که این پروژه های ظرف 7 سال الی سال 2014 بصورت کامل به بهره برداری سپرده شوند. (2) که علی الرغم زمانبندی پیش بینی

شده در برنامه ها اجرای عملی پروژه های پیش بینی شده بدلیل نا امنی و عدم تمویل میسر نشد.

## **1-2- استفاده از آب هریرود در ایران و ترکمنستان**

درسالهای اخیردوکشور همسایه ایران و ترکمنستان بدون توجه به نیازهای مردم افغانستان به این آب ها و بدون نگرانی ازین خطرکه اگر روزی دولت افغانستان در راه توسعه گام نهاده و مهار آبهای سطحی خود را با آغاز دوباره کار احداث بند سلما و پروژه های مشابه ،در دستورکار قراردهد، دیگرآب اضافی ای در هریرود باقی نخواهد ماند تا در ریگستانها هدر رفته ویا "سدمست" یا "سد آب نماد" یا هم چنین

**وضعیت حقوقی بهره برداری از...**

از آن احداث نمودند.

ایرانی ها سابقه مذاکرات احداث بند روی هریرود را درگفتگو های صورت گرفته میان آن کشور و اتحاد شوروی وقت، در مورد لزوم تقسیم آب هریرود در سال 1921 میلدی مرتبط دانسته و مدعی آن می باشند که پس از انجام گفتگوهای مقدماتی در سال 1926 میلدی احداث یک بند مخزنی بالای هریرود مورد تایید هردوکشور قرار گرفت و در نهایت در سال 1958 میلدی بر لزوم انجام مطالعات احداث بند تأکید شد .

بدنبال آن کار مطالعات احداث بند در سال 1354 شمسی توسط مؤسسه "سرخوزپرم اکسپورت" شوروی شروع و نتایج آن در سال 1358 به

دولت‌های هردو کشور تسلیم شد. در سال 1362 مجدداً در مورد مطالعات تکمیلی به منظور انتخاب محل احداث بند، توافقی بین نمایندگان دو کشور صورت گرفت.

در همان زمان هم نگرانی در مورد ساخت بند سلما در بالادست هریرود توسط افغانستان وجود داشت و برخی هم به همین علت سرمایه‌گذاری ایران در مورد ساخت "سد دوستی" را بدون توجیه می‌دانستند، همین نگرانی‌ها سبب تأخیر 10 تا 12 ساله در کار سد شده و نتیجه آن شد که 30 میلیارد مترمکعب آب از دست برود. دلیل دیگر ایران برای احداث "سد دوستی" آنست که دانشمندان ایرانی معتقد هستند که وضعیت هیدرولوژیکی هریرود به شدت طغیانی بوده و آبدهی آن در سالهای مختلف بین 100 میلیون متر مکعب تا 4 میلیارد متر مکعب در نوسان می‌باشد، به همین دلیل اگر بند سلما هم به بهره‌برداری برسد باز هم 60 تا 70 فیصد آب هریرود باقی می‌ماند که برای تأمین آب مورد ضرورت سالانه "سد دوستی" کافی به نظر می‌رسد. هم‌چنین "سد دوستی" از لحاظ فنی طراحی و ساخته شده است که قدرت

وضعیت حقوقی بهره‌برداری از...
-------------------------------

دارد. (10)

پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشور ترکمنستان، مطالعات تکمیلی مرحله اول کار توسط "انستیتوت ترکمن گیپرو تخوز" ترکمنستان و با همکاری شرکت مهندسی مشاور "طوس آب" از ایران شروع و در سال 1378 به

تأیید وزارت آب ترکمنستان و وزارت نیروی ایران رسید .

عملیات اجرایی بدنه اصلی "سد دوستی" از اواخر سال 1379 شروع و قرار بود که طی 60 ماه کار آن به پایان برسد. اما بر اساس توافقات به عمل آمده و پروتوکول های امضا شده بعدی بین دو کشور، مقرر شد عملیات اجرایی بند 14 ماه زود تر از زمان پیش بینی شده در 10 جدی 1383 به پایان رسانیده شود.

### **3-1- اهداف عمده "سد دوستی"**

برای احداث "سد دوستی" دو کشور ایران و ترکمنستان هدف هایی را به شرح ذیل پیش بینی نموده اند:

- 1- تنظیم، مهار و بهره برداری از 820 میلیون مترمکعب آب برای دو کشور ایران و ترکمنستان.
- 2- تأمین آب 50 هزار هکتار از اراضی زراعتی دو کشور بصورت مساوی.
- 3- تأمین آب آشامیدنی و آب مورد نیاز در صنایع دوکشور.
- 4- تولید 14 میگاوات برق. (7)
- 5- جلوگیری از فرسایش سواحل رود خانه هریرود و جابجایی خط مرزی.
- 6- مهار سیل و جلوگیری از خسارات سیل. این بند که درهفتاد و پنج کیلومتری سرخس (یکی از شهرهای مرزی ایران با ترکمنستان) احداث شده است، علوه بر تحقق هدفهای فوق 150 میلیون مترمکعب آب آشامیدنی شهرسه



مبایمن نفعی مشهودی که با کمبود حای آب  
وضعیت حقوقی بهره برداری از...

وجود ندارد، نیز تأمین می نماید. دریاچه پشت "سد دوستی" که 37/6 کیلومتر طول و 1/3 کیلومتر عرض دارد، یک میلیارد و 250 میلیون مترمکعب آب را ذخیره کرده میتواند که این ذخیره آبی معادل کل آبدهی سالانه هریرود که حدود یک میلیارد و یکصد میلیون مترمکعب آب محاسبه شده است، میباشد.

برای اجرای این پروژه 168 میلیون دالربه مصرف رسید که منابع آن به صورت مشترک توسط هر دو کشور و بصورت مساوی تأمین شده است. (10)

#### **4-1- موافقتنامه احداث سد و ضعف های آن**

موافقتنامه ساخت بند دوستی میان دو کشور ایران و ترکمنستان زیر عنوان موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان در مورد احداث و بهره برداری از سد مخزنی دوستی (در یک مقدمه و شانزده ماده در 1387/7/28 در شهر عشق آباد به امضای رسید است که اصول عمده آن قرار ذیل می باشد:

1- افزایش سهم ایران جهت استفاده از آب هریرود در پایین دست از 20 فیصد به 50 فیصد. (7)

2- همکاری در شرایط مساوی در امر احداث و بهره برداری از تأسیسات آبی سد دوستی که از آن بنام پل خاتون نیز نام برده شده است.

3- تأمین اعتبار و بودجه مساوی برای تمویل پروژه احداث سد.

4- بعهده گرفتن مخارج و هزینه های حفاظت و نگهداری سد بطور مساویانه.

5- پذیرش اصل مالکیت مشترک بر ساختمان سد

تأسیسات مربوط به آن، امتناء از انتناء وضعیست حقوقی بهره برداری از... دولت های دیگر.

6- پذیرش حق مساوی برای بهره برداری تمام انرژی و منابع رودخانه مرزی هریرود- تجن و تأسیسات مربوط به آن در محل سد.

7- تغییرنا پذیری خطوط مرزی با احداث سد.

8- جلوگیری از اقداماتی که باعث آلودگی آب مخزن سد و تخریب محیط زیست آن شود.

9- پذیرش اصل جبران خساره و اقدام به رفع آلودگی در صورت آلودگی آب مخزن سد و تخریب محیط زیست آن. (14)

دقت در مفاد موافقتنامه ضعف های ذیل را در آن برجسته می سازد:

- این موافقتنامه میان دو کشور پایین دست هریرود) ایران و ترکمنستان ( به امضای رسیده و نقض حقوق آب کشور سومی ( افغانستان ( که منبع و سرچشمه اصلی آب آن می باشد، شمرده می شود.

- در موافقتنامه تمرکز اصلی روی بهره برداری از آبی صورت گرفته که سرچشمه و منبع آن خارج از محدوده حاکمیت دو کشور

امضاً کننده، قرار دارد و مصداق تصرف در حقوق غیر شمرده می شود.

- در ماده نهم موافقتنامه، حق مساوی بهره برداری « از تمام منابع آب و انرژی رودخانه (مرزی (هریرود) (تجن) و تأسیسات مربوط به آن در محل سد مخزنی دوستی» پیش بینی شده ولی در همین ماده طرف ایرانی «استفاده از آب سرریز پایینتر از محل پل خاتون را باعث کاهش سهم هیچ یک از طرفین از آب مخزن سد دوستی، ندانسته» و استفاده یکجانبه از آن را برای خود محفوظ داشته است. این در حالی است که پل خاتون که پایین تر از محل احداث سد دوستی قرار دارد محل تقاطع آن بخشی از شاخه های فرعی هریرود می باشد که از داخل خاک ایران سرچشمه گرفته اند و در گذشته تقسیمات آب میان دو کشور در همین محل صورت می گرفت. اینگونه سهمیه بندی از یکطرف مخالف اصل استفاده مساوی از آب هریرود در پایان دست میان دو کشور بوده و از طرف دیگر به ایران این امکان را میدهد که از انشعابات فرعی حوضه هریرود که در داخل آن کشور قرار دارد مانند کشف رود، جام رود و غیره استفاده یک جانبه نموده و 50 فیصد سهمیه ترکمنستان را که در موافقتنامه پیش بینی شده است، به مصداق ضرب المثل (بخشیدن از کیسه خلیفه) از منابع آب افغانستان تأمین نماید. شاید شادمانی ایران نیز پس از امضای موافقتنامه، در مورد افزایش سهمیه آب آن

کشور در هریرود، از 20 فیصد به 50 فیصد، نیز بر همین محاسبه و مبنی استوار باشد.

- هم چنین ایران روی استفاده مساوی از منابع آب و انرژی در محل سد دوستی، در مقدمه و ماده نهم موافقتنامه تأکید نموده و حق استفاده از شاخه های فرعی هریرود را که در حوضه آبریز آن قرار دارند، بصورت یکجانبه برای خود حفظ نموده که مغایر پذیرش اصل تساوی در استفاده از منابع آب و انرژی رودخانه هریرود میان دو کشور می باشد.

- درمقدمه و ماده نهم موافقتنامه، از هریرود بعنوان رودخانه مرزی نام برده شده است، در حالیکه هریرود رودخانه فصلی بوده و به اعتبار آب، آن را نمیتوان مرزی توصیف نمود. تابع اصول رودخانه های مرزی ساختن هریرود نیز مغایر عرف و حقیقت بین المللی است.

**وضعیت حقوقی بهره برداری از...**

بودن و داشتن قابلیت اتصال کشورهای هم جوار به دریای آزاد از خصوصیات رودخانه های مرزی می باشد که هیچ یک از خصوصیات فوق در مورد هریرود مصداق پیدا نمی کند.

## **2- وضعیت حقوقی هریرود**

با آن که هریرود بطول 130 کیلومتر سرحد مشترک میان ایران و افغانستان را تشکیل می دهد، اما تا بحال هیچگونه سندی در مورد بهره برداری از آب آن میان دو کشور به امضأ نرسیده است که دلیل آنرا در عوامل ذیل می توان جستجو نمود:

- افغانستان بعنوان کشوری که در بالادست هریرود قرار داشت، به دلیل توسعه نیافتگی وسال ها جنگ تا بحال نتوانسته یک برنامه مشخصی برای مدیریت و بهره برداری از منابع آب خود تعریف نماید. بناءً آب های آن بدون استفاده از کشور خارج شده و بصورت رایگان در اختیار کشورهای همسایه قرار گرفته اند و همسایه ها اینگونه آشفتگی ها، ضعف و درماندگی ما را غنیمتی دانسته و بصورت یک جانبه و دلخواه ازین آبها استفاده نموده و ضرورتی برای مذاکره در مورد آنرا احساس نمی نمودند.

- از آنجایی که هریرود یک رودخانه فصلی بوده و تقریباً تمام آب آن از افغانستان تأمین می شود، بناءً دلیلی وجود ندارد که همسایه ها خود را شریک آن بدانند.

- در گذشته ها تصور غالب آن بود که آب فراوان بوده و برای تأمین نیازهای تمامی نسل ها و در همه عصرها کافی بوده و هیچگاهی آب به عرصه تقابل منافع میان کشورها تبدیل نخواهد شد.

اما تغییرات اقلیمی در اواخر قرن 20 و اوایل قرن حاضر و خشکسالی های متناوب سال های اخیر از یکسو و روند تصاعدی رشد نفوس و نیاز به غذا و مصرف آب بیشتر از سوی دیگر، کشور های منطقه را برآن داشت تا وضعیت آبی خود را بازنگری نموده و مدیریت منابع و بهره برداری درست ازین منابع را در دستور کار خود قرار دهند. ایران هم که در کمربند خشک جهان موقعیت دارد در

### وضعیت حقوقی بهره برداری از...

ارزیابی های خود به این نتیجه رسید که: "موقعیت جغرافیایی گرم و خشک ایران، تقاضا برای آب از طریق رودخانه ها و دریاچه ها را افزایش داده است. در بررسی های اولیه، نیازآبی بخش کشاورزی به تنهایی تا سال 1400، به حدود 150 میلیارد مترمکعب خواهد رسید. ازین رو، ایران در دو دهه آینده با چالش هایی در بخش آب مواجه خواهد شد. میزان استحصال آب در کشور 113 میلیارد مترمکعب آن در سال به عنوان آب های تجدید پذیر از طریق آب های سطحی) 92 میلیارد مترمکعب) و آب های زیر زمینی) 38 میلیارد مترمکعب) می توان مورد بهره برداری قرار گیرد. ایران کشور نیمه خشک در منطقه خاورمیانه است. منطقه ای که طی دهه های آینده، خشکسالی و کمبود آب را بطور جدی تجربه خواهد کرد. بارندگی در ایران از پراکنش مکانی یکسانی برخوردار نیست به گونه ای که در 28% از سطح کشور مقدار بارش متوسط سالانه کمتر از 100 میلی متر بوده این مقدار در 96% از سطح کشور از 200 میلی متر نیز کمتر می باشد. بالا بودن تبخیر و تعریق نیز محدودیتی مضاعف حساب می شود. ایران به رغم آنکه حدود 1/1 % از خشکی های جهان را به خود اختصاص داده است، صرفاً 0%/34 از آب های جهان را در اختیار دارد." (3446)

درین ارزیابی کلی در مرحله بعد به ارزیابی وضعیت آبی شرق ایران (مناطق هم جوار با افغانستان) پرداخته شده و چنین آمده است: "

با توجه به بررسی ها و آزمایش های انجام شده در نقاط مختلف شهر مشهد، کیفیت آب آبیاری را می توان از آب های شیرین و سبک

**وضعیت حقوقی بهره برداری از...**

کرد. مهمترین منابع آب سطحی شهرستان مشهد، توسط 24 رشته رودخانه تأمین می شود... کل روان آب 24 رشته رودخانه مشهد 382/94 میلیون مترمکعب است... منابع آبی مذکور با توجه به روند رشد جمعیت سه میلیون نفری شهر مشهد و سالانه 12 تا 13 میلیون زیر تکافوی نیاز شهر را ندارد. آب درین شهر در طول چند سال اخیر چندین بار جیره بندی شد. به همین علت یکی از اهداف "سد دوستی" انتقال 150 میلیون مترمکعب آب به این شهر بوده است".

(350:6)

برمبنای همین ارزیابی ها دولت ایران بی ثباتی، جنگ و نبود یک دولت موثر و کار آمد در افغانستان را در دوره حکومت طالبان فرصت خوبی دانسته و طرح احداث "سد دوستی" بالای هریرود را بصورت مشترک رویدست گرفت که درین قسمت پیامد های احداث این بند آبگردان برای افغانستان در آتیه و جوانب حقوقی این اقدام یک جانبه دولت ایران را در روشنی قواعد حقوق بین الملل و عرف بین المللی موجود در مورد بهره برداری از آبهای مشترک بررسی می نمایم .

### **3- تعریف رود بین المللی**

ماده 33 قرارداد ورسای 1919، رودخانه بین المللی را رودی میداند که قابل کشتیرانی

بوده و بیش از یک کشور را به آب آزاد، مرتبط می نماید. (5:5)  
شارل روسو رود بین المللی را چنین تعریف می کند:

"در علم و در عمل، هر آب جاری عظیم را که قابل کشتیرانی "باشد و از سرزمین چند کشور عبور کند" رودیابی،" و با سرزمین

وضعیت حقوقی بهره برداری از...

طور عام رود بین المللی می نامند" (5:5)  
موافقت نامه بارسلون 1921 که به منزله قانون اساسی رودهای بین المللی است، وجه تسمیه "رودهای بین المللی" را به "آبراهه های مورد استفاده بین المللی" تغییر داد. مؤسسه حقوق بین الملل در کنفرانس هلسنکی به سال 1966 که قواعدی بنام "مقررات هلسنکی" را تدوین نمود، عبارت "حوضه آبی بین المللی" را به کار گرفت. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح کنوانسیون استفاده های غیر کشتیرانی از آبراهه های بین المللی، تعبیر "آبراهه های بین المللی" را بکار برده است. (1:12)

هم چنین بانک جهانی در پالیسی قابل تطبیق خود (International water way) آبراهه بین المللی را طوری تعریف نموده است که دارای خصوصیات ذیل باشد: هر رودخانه ای که در مرزهای دو کشور جریان داشته و یا اینکه از دو ویا بیشتر از دو کشور عبور نماید و هم چنین شاخه ها و اجزای فرعی اینگونه رودخانه ها که به رودخانه اصلی منتهی می شوند آبراهه های بین المللی شمرده می شوند.



OPERATIONAL)policy of world bank available on this page:  
<http://go.worldbank>.

باتوسعه روز افزون بهره برداری از منابع آب آبراه های بین المللی و افزایش اختلافات میان کشورها، که می تواند زمینه ساز منازعات و تهدیدی برای صلح بین المللی باشد نیاز به تدوین و توسعه حقوق بین الملل در این زمینه در سطح جهانی در دهه های اخیر ملموس تر گردید و ازین رو مجمع عمومی سازمان ملل متحد در 18 دسامبر 1970 بررسی این موضوع را به کمیته ششم (کمیته حقوقی مجمع عمومی) ارجاع کرد و متعاقب آن با قطعنامه 8 دسامبر 1970 کمیسیون حقوق بین الملل مامور بررسی و تدوین حقوق بهره برداری های غیرکشتریانی از آبراه های بین

#### وضعیت حقوقی بهره برداری از...

کنوانسیون درین زمینه در کمیسیون حقوق بین الملل علیرغم تلاش های فراوان بخاطر اختلاف نظر وسیع کشورها تا سال 1994 یعنی قریب 24 سال به طول انجامید.

باالآخره در اجلاس چهل و ششم کمیسیون حقوق بین الملل به سال 1994 متن طرح کنوانسیون به تصویب رسیده و به مجمع عمومی تقدیم گردید. نهایتا کنوانسیون متذکره در 21 ماه می 1997 با 103 رای مثبت، 3 رای منفی و 27 رای ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و پس از تسلیمی سند تصویب والحقا سی و پنجمین کشور که در ماده 36 آن پیش بینی شده بود در 19 می 2014 لازم الاجرا گردید.

این کنوانسیون روی اصول کلی ای تاکید دارد که کشورها می توانند با در نظر داشت آنها راه حل های مشخص را با توجه نیازها، توانایی ها و خصوصیات ویژه ای که هر حوضه رودخانه ای دارد برای مشکل خاص خود جستجو نمایند که ازین اصول کلی و عام ذیل نام برده می شوند:

- اصل بهره برداری معقول و منصفانه؛
- اصل تعهد به جلوگیری از ورود زیان قابل ملحظه به کشور پائین دست؛
- اصل اطلاع رسانی به کشورهای آبراهی در اجرای پروژه های جدید؛
- اصل رعایت مسایل مربوط به محیط زیست؛
- اصل همکاری بین المللی در حل اختلافات.

### نتیجه گیری

اگر نحوه استفاده از آب رودخانه هریرود را، توسط دو کشور همسایه ما ایران و ترکمنستان، در روشنی رویه بین المللی، اسناد و معاهدات بین المللی ناظر بر استفاده از آب های مشترک و بخصوص

### وضعیت حقوقی بهره برداری از...

بررسی نماییم به مواردی برمی خوریم که نقض صریح مقررات بین المللی در مورد حقوق آب افغانستان شمرده می شود که برای جلوگیری از آن باید تدابیری سنجیده شود که ذیل به آنها اشاره می نماییم:

- هریرود، بعلت آنکه منبع و سرچشمه اصلی آب آن افغانستان بوده و بخش اعظم جریان آن هم در داخل خاک کشور ما جاری می باشد، جزء

رودهای داخلی شمرده شده و بدون توافق افغانستان هیچ کشوری حق استفاده از آب آن را با تمسک به کنوانسیون بهره برداری های غیر کشتیرانی از آبراه های بین المللی 1997 و دیگر کنوانسیون های بین المللی، ندارد.

- در کنوانسیون 1997 حوضه رودخانه ای، بجای رودخانه بکار رفته است که مفهوم وسیع تر از رودخانه را افاده می کند که با در نظر داشت آن حوزه رودخانه ای هریرود شامل شاخه های فرعی متعددی در هر سه کشور می شود. کشورهای هم جوار رودخانه هریرود انشعابات هریرود در داخل خاک خود را رودخانه های داخلی تلقی نموده و از آنها استفاده یک جانبه و دلخواه نموده اند اما رودهایی را که در خاک افغانستان موقعیت داشته و به دلیل سالها جنگ و حاکم بودن وضعیت جنگی در کشور از آنها هیچگونه استفاده ای برای تأمین نیازهای اساسی مردم صورت نگرفته است، رودخانه های مشترک فرض نموده و طرح تقسیم آن را میان خود ریخته اند. اینگونه طرز تلقی هیچگونه انطباقی با مفاد کنوانسیون متذکره نداشته و یک عمل خارج از عرف و حقوق بین الملل شمرده می شود.

- اجرا و تطبیق پروژه های بهره برداری از آب رود هریرود، توسط ایران و ترکمنستان بصورت یکجانبه و "بدون اطلاع رسانی به دولت افغانستان" صورت گرفته و مطابق عرف بین

## وضعیت حقوقی بهره برداری از...

افغانستان ایجاد نمی نماید.

- در صورتی که صدها هزار خانوار ساکن در سواحل این رودخانه در ولایت های غور و هرات از کمبود آب سالم و پاکیزه که براساس قطعنامه مصوب 28 جون 2010 مجمع عمومی سازمان ملل متحد، جزء "حقوق بشری آنها که برای برخورداری از حق حیات ضروریست" (13) دانسته شده است، محروم می باشند و زمین های زراعتی شان بعلت دردسترس نبودن آب غیر قابل کشت می باشد، "منصفانه بودن" و "معقولیت" پروژه هایی که در پایین دست این رودخانه توسط کشورهای همسایه اجرا شده است بصورت جدی با سوال مواجه می باشد.
- جنگ و بی ثباتی ناشی از تجاوزات و دخالت های بیگانه افغانستان را در وضعیت اضطرار قرار داده بود، که به همین علت توان بهره برداری از منابع طبیعی خود را نداشت. بناء بهره برداری یک جانبه همسایگان ازین منابع، سوء استفاده از وضعیت اضطرار و مصداق تحمیل "زیان قابل ملحظه" برای افغانستان شمرده شده و هیچ توجیه منطقی و معقول حقوقی ندارد.
- در بالادست هریرود اقدامات اولیه برای احداث بند سلما در سال 1354 آغاز شده بود و کار بررسی چندین پروژه دیگر هم جهت بهره برداری از آب آن در دست اجرا بود که بعلت اشغال خارجی و جنگ در سالهای بعد به حالت تعلیق در آمدند، ولی دولت های ترکمنستان و ایران با آگاهی از همین موضوع، سی سال

بعد، "سد دوستی" را احداث نمودند  
بناء کشورما در تطبیق پروژه های فوق الذکر  
از حق اولویت برخوردار بوده و کشورهای  
همسایه نمی توانند، به بهانه کم شدن و  
اختلال جریان آب، هیدرو مانع احداث آن  
وضعیت حقوقی بهره برداری از...

### منابع:

- 1- ابراهیم صفی نژاد، نظام حقوقی رود  
هیرومند، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته  
حقوق بین الملل دانشگاه تهران، سال 1377.
- 2- باب روت (جون 2008)، مدیریت آب، مالداري  
واققتصاد تریاک، واحد تحقیق و ارزیابی  
افغانستان، سلسه نشرات موضوعی.
- 3- جغرافیه صنف دوازدهم، کتاب  
درسی، مولف: ریاست تالیف و ترجمه وزارت  
معارف، سال طبع 1383.
- 4- عارض، غلم جیلنی (1383)، دریا های  
افغانستان، نشر: اداره کتابخانه های  
سیاراریک.
- 5- فرشادگهر، نظام حقوقی رودهای بین المللی  
و اروند رود، ایران، تهران: نشر  
دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، چاپ دوم.
- 6- کاویانی راد، مراد، (مناسبات  
هیدروپولیتیک ایران و افغانستان)، فصلنامه  
مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات  
راهبردی، سال دوم، شماره هشتم، شماره  
مسلسل 28، تهران، ایران، تابستان 1384.
- 7- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای  
اسلمی، مشروح مذاکرات، دوره 5، جلسه 377،

شماره روزنامه رسمی: 16083، رئیس جلسه: علی اکبر ناطق نوری، 1379/2/13.

8- تاریخچه بند دوستی افغان هند، سایت اینترنتی رسمی وزارت انرژی و آب، صفحه اصلی وضعیت حقوقی بهره برداری از...

9- روز نامه انیس، شماره 20488، 1385/1/8.

10- سایت اینترنتی فارسی ویکی پدیا، دانشنامه آزاد سیاسی، پروژه بند سلما، ایجاد نامی، 2010/7/11.

11- آبگیری سد دوستی ایران ترکمنستان آغاز شد، بی بی سی فارسی 1383/1/22،

12- آبگیری بند سلما در ولایت هرات افغانستان آغاز شد، حسین سیرت، سایت اینترنتی دویچه ویله، دری، 2015/7/27.

13- دسترسی به آب سالم حق اساسی بشر اعلم شد، بی بی سی فارسی، جهان، بهداشت و درمان، پنجشنبه 29 جون 2010 / مصادف به 1389/4/7.

14- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، قوانین، قوانین و مقررات، قانون موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان در مورد احداث و بهره برداری از سد مخزنی دوستی، روزنامه شمار ه: 16095، دوره 5، ج 1، ص 1787، 1379/3/10.

15- Watershed Atlas of Afghanistan, Raphy Favre, Watershed Consultant, Gola MonowarKamal, AIMS Filed Coordinator, January 2004, Kabul.

## اصول تربیت از دیدگاه برخی از مربیان مغرب زمین

### چکیده :

در این مقاله دیدگاه های برخی مربیان متبحر غربی راجع به اصول تعلیم و تربیت کودکان و شاگردان مکاتب به بررسی گرفته شده است. بعد از ارائه مقدمه، معنای لغوی اصول مورد مطالعه قرار گرفته و از اهمیت اصول تعلیم و تربیه نیز در این بحث تذکراتی بعمل آمده است. دانشمندان نظریات و تفکر منطقی خویش را در مورد اصول تعلیم و تربیت ارائه نموده اند، که میتوان از مربیان قبل از میلاد مانند: افلاطون و سقراط و مربیان بعد از میلاد مانند: جانلاک، جان دیویی، ژان ژاک روسو، ژان پیازه، ژرژ کرشن شتاینر و ... نامبرد، همچنان در این بحث اصول از دیدگاه دانشمندان به خاطر مورد

تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است تا ممد خوبی برای تدریس معلمان و تربیت و یادگیری بهتر شاگردان مکاتب باشد. در اخیر نتیجه گیری پیشنهادات و منابع نیز ارائه گردیده است.

**واژه های کلیدی:** ، سعادت، عدالت،  
اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

### مقدمه:

در طول ادوار ریخ رایة نظریات مربیان بزرگ راجع به صول تربیت نقش نور افکن را داشته و در بهبود پروسه تدریس و یادگیری ممد شایانی واقع شده است. نظریات این دانشمندان روند تعلیم و تربیت را از بسیاری سردرگمی و ابهامات بیرون آورده و به مسیر روشن تر و مشخص تر نسبت به گذشته رهنمون کرده و این پروسه رو به رشد و تکامل است. یکی از منابع کشف اصول، دیدگاههای مربیان و صاحب نظران بزرگ تربیتی در خصوص مسایل تعلیم و تربیت است. بی تردید نظریات آنها، نه تنها در عصر خود نافذ و غالب به شمار آمده، بلکه در طول سالهای پس از عمر آنها و تا اکنون در روند فعالیت‌های تربیتی نیز تأثیرات خود را داشته است. اصول تربیتی مبتنی بر تغییرات، رشد و انکشاف علوم و تکنالوژی در حالت دگرگونی و نوشدن تدریجی قرار داشته و این روند به همین منوال تداوم پیدا کرده است. اگر پروسه تربیت کودک انسان دارای هدف،



محتوا و روش تربیتی باشد اما چارچوب عمل و اقدامات تربیتی روشن نباشد، حدود و ثغور فعالیت‌های معلم و شاگرد معلوم و مشخص نباشد نوعی هرج و مرج رفتاری در این پروسه محتمل خواهد بود. اصول تربیتی مجموعه‌ای باید ها و نبایدهایی است که در جاده تربیت مطرح شده و دست اندرکاران تربیت را هدایت و راهنمایی می‌کند. منظور از اصول تربیتی، جستجوی آنگونه مبانی عقلانی و مقیاس‌هاست که به وسیله آن می‌توان در هر مورد با کمال سهولت، رفتار پرورشی مطلوب انجام داد. رفتاری که به وسیله آن می‌توان هر طفل را از موقف مخصوص به هدف مطلوب رساند. هنگامی که صحبت از رعایت قضاوت‌های فردی یا فرصت‌های آزاد تربیتی یا ایجاد عادات مطلوب رفتاری می‌شود فی الواقع تأکید بر اصولی است که راهنمای فکری معلمان و شاگردان قرار گرفته و طوری که بعضی از دانشمندان اهل نظر گفته اند که اصول، چارچوب و تکیه گاه‌های عقلانی تربیت تلقی می‌شود، مثلاً وقتی ما با واقعیتی به نام تدریجی بودن رشد کودک مواجه هستیم نمی‌توانیم در تربیت وی شتابزدگی را پیشه کنیم. رعایت اصل تدریجی بودن در تربیت، یک راهنمای عمل است که بر واقعیت روان‌شناختی کودک و شاگردان استوار می‌باشد. یا وقتی می‌گوئیم کودک باید آزاد باشد تا جایی که به حقوق و حریم دیگران لطمه نزند و کنجکاو‌های خود را در محیط زندگی اش ارضا نماید، به این مفهوم است که قائل به اصل

آزادی و کنترل اجتماعی هستیم، اصلی که سر منشاء عمل و رفتار کودک و بزرگسال بوده و برواقعیت جامعه شناختی استوار است. راجع به مصدر و سرچشمه اصول، باید به سراغ بنیادها و عوامل اساسی تأثیرگذار بر زندگی انسان رفت. منابعی که عوامل موجود در زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار داده و می دهند این منابع به عنوان تهداب و عوامل بنیادی تربیتی را تشکیل داده و مشتمل بر نظریات اعتقادی، فلسفی و نظریات علمی هستند. منابعی که از مطالعه زندگی فردی و اجتماعی نوع انسان، فرهنگ جامعه، هدف های تربیتی و انتظارات مردم از معلم و نظام تربیتی، نیازهای انسان و نظایر اینها به دست می آیند و خاصیت دگرگونی و متحول شدن را داشته، یعنی اصول بر مبنای تجربه، انکشافات، شرایط و جو تربیتی- اجتماعی و ... قابلیت انعطاف پذیری و تعدیل را دارند.

**متن:**

اصول کلمه عربی بوده به معنای «ریشه ها، بنیادها و بیخها تلقی شده است». (4: ص294)

واژه اصول که مفرد آن اصل بوده و کلمه عربی است به معنای «آنچه از طریق تکرار و

پذیرش جامعه به صورت سنت یا رسم یا قاعده  
مبدل شده افاده مفهوم می کند». ( 1 : 444 )  
اصل در لغت به معنای ریشه درخت و نیز  
به معنای مبنا است، یعنی مبنای چیزی است  
که چیزی دیگری بر آن مبتنی می باشد. فلاسفه  
و علمای تعلیم و تربیت آن را برابر با  
معنای خاستگاه و مصدر به کار برده اند.  
بر مبنای همین دلیل، منشاء و سرچشمه رفتار  
یا فعالیت انسان را نشان می دهد. منظور از  
اصول تربیت، ملاک و مبنای کار، عمل شاگرد و  
معلم می باشد که در ضمن عمل، هنگام تدریس  
و یادگیری و هدایت کردن و پرورش یافتن، هم  
شامل حال معلم و هم شامل حال شاگرد می  
باشد. هدف از اصول تربیت، جستجوی آنگونه  
مبنای عقلانی و آنگونه مقیاس هاست که به  
وسیله آن می توان در هر مورد با کمال  
سهولت رفتار پرورشی مطلوب ایجاد کرد،  
رفتاری که به وسیله آن می توان هر وضع خاص  
تربیتی هر شاگرد را از وضع مخصوص و موجود  
خودش به هدف و وضع مطلوب رساند. اصول بر  
دو نوع است:

1- اصول متعارفه: قضایایی که در خود علم  
اثبات می شوند و به صورت قواعد کلی یا  
قوانین درمی آیند مانند اصل امکانیک که

اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

بقای نیرو است که در فیزیک ثابت می گردند.  
2 - اصول موضوعه: مجموعه قضایا و احکام  
تیوریک هستند که بدون استدلال و برهان در  
علم پذیرفته می شوند و مسائل آن علم، بر  
اساس آن اصول اثبات می شوند مانند اصل

تربیت پذیر بودن انسان که این اصل در علم تعلیم و تربیت و انسان شناسی به اثبات رسیده است. (2: 34)

اصل به مبنای «ریشه، خاستگاه و بنیاد است. اصل گاهی به معنای خاستگاه و بنیاد چیز هاست، گاهی بنیاد اندیشه ها و گاهی بنیاد کردارها مد نظر است». (5: 137-138)

بنابراین، ارائه ای دیدگاهها و نظریات اصول تعلیمی و تربیتی برخی از دانشمندان و فلاسفه شهیر مغرب زمین به گونه انتخابی تعیین و ذیلاً به بررسی گرفته شده است:

#### **اصول تربیت از نظر افلاطون (Platoon 427-347م):**

افلاطون شاگرد سقراط و استاد ارسطو، دیدگاههای تربیتی خود را در کتابهای «جمهور»، «نوامیس و منون» به رشته تحریر درآورده است. او نخستین متفکری است که به تأثیر متقابل جامعه و سیاست در تعلیم و تربیت پرداخته است. به باور وی جامعه در صورتی به سعادت خواهد رسید که زمام داران آن افرادی دانا و دادگر باشند و این وضع در صورتی جامعه عمل خواهد پوشید که آنها در پرتو تربیت مناسب پرورش یابند. به زعم افلاطون برای اینکه بتوان یک جامعه مطلوب یا مدینه فاضله را ایجاد کرد باید به اصول پایبند بود. این اصول به عنوان قوانین بنیادی در قالب مسائل فلسفی بیان شده و جهت گیری تربیت افراد جامعه را مشخص می کند. اصول عمده فلسفه افلاطونی که مبنای

نظریه تربیتی او را تشکیل می دهد ذیلاً

### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

- جامعه و تأمین عدالت در آن.
- اصل هماهنگی ساختار جامعه و وجود نفسانی فرد. همان طوری که جامعه به سه طبقه پیشه وران، سپاهیان و زمامداران ضعیف و متوسط تقسیم می شود، قوای نفسانی فرد نیز شامل سه قوه شهویه، غضبیه و عاقله است.
- اصل شناختن مستعدترین افراد و تربیت آنها برای زمامداری، به عنوان مهمترین کار جامعه.
- حذف عوامل فساد در جامعه برای تضمین تعلیم و تربیت مفید و مؤثر.
- دستگاه تعلیم و تربیت باید به دنبال پرورش انسانهای دانا و دادگر باشد.
- تربیت کودکان باید پیش از به دنیا آمدن آنها با تمرین و ورزشهای مادران و کسب زندگانی با آرامش آنها آغاز گردد.
- بازی باید در جریان رشد و پرورش کودک جایگاه خاصی داشته باشد.
- تربیت معنوی کودکان باید با موسیقی و داستانهای آموزنده آغاز شود.
- باید هنرهای بنیادی اخلاقی یعنی دانایی، دادگری، جرأت و خویشتن داری در پرتو تربیت کودکان به وجود آید.
- باید برنامه مکاتب در آغاز، خواندن و نوشتن و پس از آن حساب، هندسه، ستاره شناسی و موسیقی باشد.

- دیالکتیک روشی است که افلاطون برای شناسایی حقیقت پدیده‌ها در جریان تعلیم و تربیت توجیه می‌کند و آن روشی است که به مدد آن انسان می‌آموزد که چگونه از آنچه به حس درمی‌آید آغاز کند و به سوی جهان معنوی یعنی جهانی که به حس در نمی‌آید بلکه

اصول تربیت از دیدگاه مرییان ...

شناخت است.

- درجریان تربیت باید رابطه بین معلم و شاگرد، رابطه بسیار معنوی، نزدیک و مرید و مرشد باشد. (5: 155-157)

#### اصول تربیت از نظر ارسطو (384-322 ق م):

ارسطو یکی از نامداران فلسفه عقلی و اخلاقی و نخستین تدوین کننده کتاب منطق، و معلم اسکندر مقدونی است. اگرچه ارسطو به شدت تحت تأثیر استاد خود افلاطون قرار داشت و بسیاری از دیدگاههای او را در خصوص مسائل گوناگون منجمله تعلیم و تربیت پذیرفت. اما وی در برخی موضوعات با استادش اختلاف نظر داشت. اصول تربیتی ارسطو در دو اثر مهمش یعنی «علم سیاست» و کتاب «اخلاق و نیکوماخس» (Ethique and Nicomaque) مطرح شده است. تعلیم و تربیت از نظر ارسطو دارای دو هدف مهم است:

اول) هدف فردی یا طبیعی.

دوم) هدف سیاسی یا اجتماعی. ضمناً ارسطو برای بهتر شدن پروسه تعلیم و تربیه اصول ذیل را ارائه داده است:

- هدف تربیت باید ایجاد فضیلت در انسان باشد و مقصود از فضیلت در انسان کمال «فعالیت عقلی» اوست.

- تربیت انسان باید از جسم شروع و به پرورش عقل یا نفس ناطق بی انجامد.

- طبیعت انسان دارای سه نوع نفس است نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی. جریان تربیت باید به سمت تعالی هر سه نوع نفس و غلبه نفس انسانی باشد.

- تعلیم و تربیت رسمی باید از پنج سالگی آغاز شود بنابراین خانم ماده تا ( 5 )

#### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

بپردازد.

- باید در برنامه های تربیتی از تأثیر تلقین و تکرار برای ایجاد عادت های نیکو در طبیعت ثانوی کودک استفاده کرد.

- سه عامل یعنی سرشت، خو(عادت) و خرد در انسان تأثیر گذار است. تربیت باید هماهنگی لازم را میان این سه عامل سرشت ایجاد کند و رهبری آنها را به عهده خرد انسان قرار دهد.

- از آنجا که خرد انسان در دوره های بعدی زندگانی وی بروز می کند باید با توجه به سرشت کودک، عادتهای پسندیده را به وسیله تمرین و تکرار در شاگرد به وجود آورد.

- باید در جریان تربیت انسان، به دنبال میانگین ویژه گی هایی که با تأثیرات سروکار دارند بود. شاگردان باید اعتدال گرا تربیت شوند و از افراط و تفریط بپرهیزند.

**اصول با توجه به هدفهای صحیح تربیتی از  
نظر جان دیوی John Dewey (1859-1952) دانشمند  
و فیلسوف امریکایی:**

1- هدفهای تربیتی باید با توجه به معنای رشد و ترقی بیان شود. از اینکه هدفهای تربیتی از یک لحاظ جهت های مختلف رشد هستند، یعنی رشد همه جانبه شخصیت کودکان را در ابعاد مختلف تسریع می نمایند، بنابراین باید این هدفها رشد دهنده و تکامل دهنده باشند.

2- هدفهای تربیتی باید با توجه به افکار، عقاید، عادات، تمایلات و اعمال کودکان و شاگردان تهیه و تنظیم گردد. قبلاً هدفهای تربیتی بیشتر متمرکز بر این بود که ذهن شاگردان را از معلومات پراکنده مملو سازند در صورتی که مربیان جدید معتقد اند که هدف تربیت باید متمرکز به ایجاد تغذیه در

**اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...**

شاگردان باشد.

3- هدفهای تربیتی باید موافق با ایدآلهای اجتماعی جامعه باشند. در جامعه یی که ایدآلهای دموکراتیک به عنوان ایدآلهای اجتماعی پذیرفته شده اند هدفهای تربیتی نیز باید شاگردان را به سوی این ایدآلهای سوق دهد.

4- هدفهای تربیتی باید مؤید یکدیگر باشند. اگر قرار است هدفها با ایدآلهای دموکراتیک سازش داشته باشند نمی توان بعضی از هدفها را موافق با این ایدآلهای و برخی را مخالف آنها انتخاب نمود.



5- هدف‌های تربیتی اجرایی باشند. در گزینش اهداف لازم است تا عملی بودن آنها را در نظر گرفت و روشهایی که برای نیل به اهداف تربیتی لازم هستند باید ارائه داد.

6- هدف‌های تربیتی جامع باشند. هدف‌های تربیتی باید جنبه‌های مختلف رشد انسان از قبیل رشد و تکامل معنوی، اجتماعی، عاطفی، بدنی و عقلانی را شامل باشد.

8- هدف‌های تربیتی باید قابل فهم باشند. اهداف تربیتی باید برای تمام کودکان و شاگردانی که در فعالیت‌های تربیتی شرکت دارند قابل فهم باشد. اهداف مبهم و غیر قابل ادراک نمی‌تواند فعالیت‌های شاگردان را رهبری کند.

8- اهداف تربیتی باید متغیر باشند. نظر به اینکه نیازمندی‌های جامعه و شهروندان و مبانی تربیتی در تغییر هستند بنابراین هدف‌های تربیتی نیز باید متغیر بوده و با احتیاجات جامعه و افراد سازش داشته باشند.

(3: 32-34)

ببینید اصولی را که افلاطون در زمان خود مطرح ساخته برخی از آنها مانند: اصل تربیت عدالت خواهی و دادگری، آغوش مادر به مثابه بستر تربیتی خوبی برای کودک، اصل نقش بازی و هنرها در آموزش و رابطه معنوی بین معلم و شاگرد حکم فرما باشد که اصلاً

اصول تربیت از دیدگاه مریبان ...

فراوان دارد.

به همین گونه جان دیوی فیلسوف امریکایی اصول تربیتی را مطرح کرده مانند: اهداف

رشد دهنده و تکامل دهنده تربیت، اصل اهداف تربیتی متناسب با تمایلات کودکان، اهداف تربیتی جوابگو به نیاز مندی های جامعه، اصل اهداف تربیتی قابل فهم برای شاگردان و اهداف تربیتی بر مبنای تغییرات و تحولات جامعه متغیر باشد. همچنان اصولی که از دیدگاه جان دیوی ارائه شده است امروز نیز در پروسه تعلیم و تربیت از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

### **اصول تربیت از نظر جانلاک (John Locke 1632-)**

**(1704) فیلسوف انگلیسی:** جانلاک فیلسوف و مربی بزرگ مغرب زمین که پس از رنسانس در قرن هفدهم فعالیت علمی خود را شروع کرد. تحت تأثیر ظهور و شرایط سیاسی - اجتماعی به طرح مبانی و اصول در تعلیم و تربیت نوین پرداخت. به اعتقاد جان لاک تربیت، زمینه ساز برای ایجاد ضمیر و روان سالم در تن سالم است که سعادت فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. هدف تربیت از نظر وی رفاه و خوشبختی فرد و جامعه است. برخی از اصول تربیتی جانلاک عبارتند از:

- از آنجا که جامعه از دو طبقه اشراف و کارگر متشکل است باید دوزخ تربیت گوناگون برای فرزندان آنها در نظر گرفت.

- باید کودک را با بهداشت، غذا و تربیت بدنی مناسب و همچنین استفاده از هوای آزاد، خواب کافی، پوشش آزاد از نظر جسمانی تربیت کرد.

- باید با ایجاد عادت‌ها و خصلت‌های مطلوب به تربیت ذهنی کودک که اساسی‌ترین بخش

تعلیم است. تربیت استقامت و استقلال نمودن  
**اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...**

تحمل سختی‌هاست.

- کودکان تا رسیدن به دوره بلوغ که آزادی و استقلال به دست می‌آورند، باید مطیع و فرمانبردار والدین باشند.

- جانلاک معتقد به تربیت خصوصی، زیر نظر والدین و توسط معلم خصوصی است، بنابراین باید برای متخلق ساختن طفل به اخلاق و سجایای پسندیده به صورت تربیت خصوصی خانگی بیش از تربیت رسمی اهمیت قایل است.

- در تنظیم محتوای برنامه‌های تربیتی باید ویژگی‌های سنی و استعدادها و قابلیت‌های کودکان را در نظر گرفت.

- در تربیت کودک باید از تنبیه بدنی پرهیز کرد. آنچه در تنبیه اهمیت دارد ایجاد شرم و خجالت است نه درد و ناراحتی.

- تشویق و تنبیه لازم‌اند، البته نباید جسمانی باشند زیرا نامناسب و بی‌دوام‌اند. قدردانی و سرزنش یا بی‌مهری پاینده‌تر است.

- در آموزش باید از حفظ کردن قواعد و قوانین خودداری کرد. آنچه مهم است تمرین و ممارست و مَلَکة است.

- ذهن آدمی همچون لوح سفید یا کاغذ نانوشته‌ای است که هر نوع تجرّیه حسی بر آن نقش می‌بندد از این رو باید در تربیت

اولیة کودک برای بار آوردن و شکل دادن شخصیت کودک حساسیت بیشتری به خرج داد. - یک انسان فرهیخته باید در طول تربیت خود چهار ویژگی را کسب نماید: فضیلت و تقوا، خردمندی، ادب و علم و دانش.

- باید در جریان آموزش کودکان دلایل اقامه کذب و نیکوکاری را به دست دلایل که مانع از

#### اصول تربیت از دیدگاه مرییان ...

و توضیح باید ساده و روشن باشد. - از آنجا که اهمیت تأثیر کردار یا عمل بسا بیش از گفتار است، بنابراین باید مؤثرترین راه برای تربیت کودک را تعلیم از روی نمونه ها یا الگوهای عملی توجیه کرد.

- برای دست یافتن به هنر اخلاقی باید تصور خدا (ع) را در آغاز کودکی، برترین باشنده و آفریننده در ذهن و روان کودک جای دهیم.

- باید بر تفاوت های فردی کودکان تأکید کرد و با هر شاگرد همچون فرد متمایز از دیگران رفتار کرد و روش مناسب برای تعلیم او انتخاب نمود.

- هرگز نباید به بهانه لذت بخش کردن زندگی کودک، او را چاپلوس و چرب زبان بار آوریم. سعادت مند واقعی کسی است که خود را به تبعیت از نظم و تربیت عادت دهد.

- کار اساسی معلم این است که ضمن آموزش خواندن، فن انتقادگری را بیاموزاند طوری که شاگردان بتوانند نوشته ها را، با دیده انتقاد بنگرند. (6: 157-160)

قابل به ذکر است که ارسطو اصولی را در تعلیم و تربیت مانند: اصل به کمال رسیدن

انسان، اصل رعایت عقلانیت، اصل تمرین و تکرار، اصل جلوگیری از افراط و تفریط و پرورش اعتدال در پروسه آموزش ارائه داده که در عصر امروز برای معلمان و شاگردان نیز در خور اهمیت است.

همچنان جانلاک در رابطه به اصول تربیت مفاهمی را مانند: اصل سعادت فردی و اجتماعی، اصل تأمین نیازهای اولیه کودک، اصل احترام به والدین، اصل در نظر داشتن ویژگی های سنی و استعداد های شاگردان، اصل تشویق و تنبیه، اصل ممارست و ملکه، اصل عقلانیت خالص است.

اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

و تفاوت های فردی در آموزش را مطرح ساخته که در روند آموزش در نظر گرفته شود. اصول متذکره در نصاب درسی مکاتب امروزی برای شاگردان از اهمیت ویژه برخوردار است.

**اصول تربیت از نظر ژان ژاک روسو jean.jeaques Rousseau ( 1712-1778 ) :**

ژان ژاک روسو بعد از افلاطون بی تردید یکی از بزرگترین متفکران غربی در زمینه تعلیم و تربیت به حساب می آید. دلیل عظمت او آثار وسیع، منسجم و کامل او نسبت به متقدمین و همچنین تازگی دیدگاه های اوست که در نظریه های تربیتی متأخرین خود نیز تأثیر چشمگیری گذاشته است. مهمترین اثر او «امیل» یا در باره تربیت است. اصول تربیتی روسو در این کتاب و کتاب قرار داد اجتماعی ارائه شده است. اساس تعلیم و تربیت از

نظر روسو مبتنی بر اصولی است که در آموزش شاگردان رعایت گردد:

- طبیعت انسان نیک است زیرا منشاء الهی دارد، یعنی تربیت عقیدتی.

- جامعه بد و فاسد است.

- آزادی عبارت از اطاعت کامل از قانون مدینه فاضله یا جامعه آرمانی است.

- تربیت باید زمینه ای مناسب برای بازسازی انسانی باشد که بتواند در جامعه بازسازی شده زندگی کنند. این کار نیز باید برطبق قوانین طبیعی (نظم و عقل) صورت گیرد.

- سه عامل یعنی طبیعت، آدمیان و اشیاء سه استاد تربیت بوده و باید میان آنها وفاق لازم به وجود آید.

- برخلاف نظر جانلاک هیچگونه تبعیضی را در تربیت نباید ایجاد نمود.

نوع تربیت افراد نیز باید متناسب با استعداد آنها باشد.

#### اصول تربیت از دیدگاه مریان ...

آنها باید یکسان صورت گیرد.

- نباید گذاشت تا کودکان تنها و برای خود بازی کنند، بازی باید گروهی، یعنی چنان باشد که همگان را به سوی هدف یگانه بکشاند و کوشش و رقابت را در آنها برانگیزد.

- چون هرچیز از دست آفریننده جهان بیرون می آید نیک است وقتی به دست بشر افتد تباه می گردد. لذا چگونگی تربیت را باید تا آنجا که ممکن باشد از تأثیر جامعه به دور داشت.

- کار تربیت باز داشتن و واداشتن فعالیت های طبیعی کودک نیست، بلکه برانگیختن فعالیت های آزاد اوست.

- نخستین کار معلم باید شناختن کودک و قانون های طبیعی رشد باشد.

- آنچه یک کودک برای تعلیم و تربیت تا سن (12 سالگی نیاز دارد نه از روی کتاب درسی، بلکه با رفتن و مطالعه در طبیعت و پرورش حواس و تحمل تأثیرات محیطی به دست می آید.

- نباید به پرسش های کودک پاسخ قاطع داد. زیرا این کار او را از اندیشیدن بیشتر باز می دارد. بلکه با پاسخ های هدایت کننده او را راهنمایی کرد تا خود مشکل را بگشاید.

- معلم خوب کسی نیست که در کمترین زمان، بیشترین چیزها را آموزش بدهد. بلکه شوق به آموختن و فهمیدن را در شاگرد برانگیزد. زیرا هدف آموزش و پرورش انباشت اطلاعات نیست، بلکه ایجاد کردن توانایی اندیشیدن و فهمیدن است.

- هوش، برترین جنبه شخصیتی انسان نیست.

#### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

یعنی توانایی تشخیص نیک از شر و گرایش به نیکی است. از این رو باید زمینه های تربیتی برای بیدار سازی و جدان اخلاقی انسان فراهم شود.

- تربیت دینی را نباید تنها آموختن آداب و احکام دانست. بلکه باید با بیدار کردن محبت و ستایش خدا در انسان به تربیت دینی افراد پرداخت.

- هرکس به تناسب میزان هوش خود کم و بیش پیشرفت می کند. بنابراین باید از طریق

تربیت وی تمام امکانات موجود انسانی از قوه به فعل در آید.

### **اصول تربیت از نظر ژان پیاژه (1896-1980):**

ژان پیاژه، به عنوان یکی از بزرگترین و پرآوازه ترین روان شناسان و معرفت شناسان قرن بیستم به شمار می رود. یکی از مهم ترین کتابهایی که پیاژه، دیدگاههای خود را در زمینه تربیت مطرح کرده کتابی است به نام «روانشناسی و دانش آموزش و پرورش». وی تربیت را سازگار کردن کودک با محیط اجتماعی، یعنی تغییر دادن زمینه روانشناختی، زیست شناختی فرد به تبعیت از مجموعه واقعاتی های جمعی می داند. اصول تربیت از نظر پیاژه عبارتند از:

الف - تأکید بر مسائل این جهانی، پیاژه هدفهای تربیت را منحصرأ در زندگی اجتماعی و گاه بهبود زندگی خود و دیگران می پندارد. تعلیم و تربیت باید با روشهای علمی، نیازها و ارزشهای اجتماعی را تشخیص داده و کودکان و نوجوانان را از لحاظ قدرت یادگیری (شناخت) بشناسد و با روشهای مناسب آنها را به هدفهای مذکور نزدیک کند.

ب - اهمیت دوران کودکی در رشد همیشگی  
**اصول تربیت از دیدگاه مریان ...**

دوران کودکی را دوران مهم رشد هوش و شخصیت انسان می داند، این دوران را نه تنها دوره «شر» نمی داند بلکه بر تأثیر گذاری آن در طول زندگی بسیار تأکید می کند.

پ - تأکید بر فعالیت کودک در جریان تربیت، پیاژه کودک را موجودی فعال می داند که



باید در جریان تربیت او از کوشش و تجربه شخصی وی برای تربیت عقلی و اخلاقی اش سود جست.

ت - تأکید بر اجتماعی کردن کودک. به عقیده پیاژه، رشد عقلی و اخلاقی کودک معلول کنش و واکنش متقابل او و محیط مادی و به ویژه محیط اجتماعی است. بنابراین هدف عمده تربیت، باید از راه زندگی اجتماعی (بازی و کار) و برای زندگی اجتماعی صورت گیرد.

ث - تأکید بر علائق و رغبت‌های کودک، از اینکه علاقه یا رغبت یگانه محوری است که کل نظام تربیتی باید پیرامون آن در حرکت باشد، بنابراین در تعیین برنامه‌ها و اتخاذ روش‌های تعلیم و تربیت همواره باید به علاقه‌های واقعی کودکان و نوجوانان توجه داشت.

ج - تأکید بر رشد جنبه حسی و عملی بیش و پیش از جنبه عقلی و نظری، چون فعالیت‌های حسی و حرکتی قبل از اعمال منطقی عینی و اعمال مذکور قبل از اعمال منطقی صوری ظاهر می‌شود. بنابراین در برگزیدن روش‌های تعلیم و تربیت باید به جنبه حسی و عملی بیش از جنبه نظری و لفظی و پیش از آن، اهمیت داده شود.

چ - تأکید بر همکاری و تعاون جمعی در جریان تربیت، از اینکه تحول اجتماعی کودک به تدریج از خود مداری یا خود مرکزی به درک روابط متقابل و از جذب ناخودآگاه دیگران در «من» به درک متقابل آن سوق می‌یابد. باید در کار تعلیم و تربیت برای همکاری

### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

قابل شد. زیرا این همکاری، کودک را به سوی انضباط اختیاری و تعاون و مشارکت داوطلبانه هدایت می کند. به اعتقاد پیاز، همکاری به منزله اخلاق عملی یا اخلاق بالفعل است و هر فرد را به مجموعه ای از ارزشهای خاص مانند عدالت و همبستگی سازمانیافته رهنمون می سازد.

ح - ارائه مطالب اساس رشد ساختار ذهنی کودکان است، باید مواد آموزشی را طوری به کودکان سنین مختلف عرضه کرد که برای ساختار ذهنی در مراحل رشد قابل جذب باشد و کودکان بتوانند در عین درک، آنها به نیروی ابداع و آفرینندگی که لازمه حیات علمی و صنعتی کنونی است دست یابند.

### اصول تربیت از نظر ژرژ کرشن شتاینر Georg Kerschen Steiner (1854-1932) آلمانی:

نظریات کرشن شتاینر به عنوان یکی از مربیان بزرگ معاصر، نتیجه مستقیم عمل و تجربه است. کرشن شتاینر بیش از همه، استعدادش را در زمینه مکتب حرفه ای (مکتب فعال) به کار گرفت. او نظریه تربیتی خود را در هفت اصل خلاصه می کند:

الف - اصل فعالیت، طبق این اصل باید کودک را به فعالیت آزاد واگذاشت و اجازه داشته باشد انتخاب کند، امتحان کند و ارزش اشیاء و امور را شخصاً ادراک نماید. فرصت لازم را برای پرداختن به علائق خود داشته باشد و تلاش نماید توانائی ها و استعداد های بالقوه خود را به فعلیت تبدیل کند.

ب - اصل کمال، طبق این اصل ارزش شناسی شخصی نباید مقیاس مطلق ارزش شناسی سایر اعضاء جامعه باشد. باید شاگردان را در جهت سیر تمدن سوق داد و اعتبارات تمدنی را در آنها نهادیم. مسأله ساختن محتوای آنها هم

#### اصول تربیت از دیدگاه مرییان ...

صرف نظر کرد و او را در جهت زندگی حاضر و آینده وی آماده ساخت. بنابراین اصل فعالیت کودک باید در جهت مناسب هدایت شود و رفته رفته به سمت «هدف معینی» سوق یابد.

پ - اصل حریت و آزادی: برای نیل به پرورش واقعی باید طفل امروز و آدم بالغ فردا بتواند به آنچه آنها خوب و پسندیده می داند تحقق دهد و از قوه به فعل درآورد. باید هرچه زودتر به طفل اختیار و آزادی داد تا بر پرورش نیروهای طبیعی خود اعم از جسمانی و نفسانی همت گمارد و هوش و ذکاوت خود را بیدار نماید. به زعم اشتاینر آزاد گذاشتن شاگرد به نحوی که بتواند درباره رفتارش تصمیم بگیرد و در شرایط متعدد دست به انتخاب عاقلانه بزند اصل ضروری برای تربیت مطلوب است.

ت - اصل اقتدار و اطاعت، از آنجا که آزادی کودک بدون کنترل وی ممکن است سبب هرج و مرج شود و زمام امور را از معلم بگیرد و خطر بُلّهوسی را به وجود آورد. لذا بدون آنکه شاگرد متوجه شود وی را مراقبت کرد تا رفتارش بر اثر عوامل غیر طبیعی منحرف نشود این چهار چوب اصل اقتدار و اطاعت را نشان

می دهد. در این راستا مطابق این اصل، سه قاعده اساسی زیر باید رعایت شود:

- مفهوم اقتدار و اطاعت را با نهادینه شدن پرورش و توسعه حس احترام و ترس نسبت به منافع عینی در شخصیت شاگرد پرورش داد.
- طوری که نمی شود تا عمل تربیتی همیشه برمبنای اطاعت مطبوع (پیروی خود خواسته) طراحی کرد، بلکه در مواردی در امر تربیت از جبر و تحمیل نیز استفاده شود.
- هرچه زودتر شاگرد را در محور ارزشهای اجتماعی وارد ساخت و موجبات رشد احساس

#### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

را از گهواره با نوعی فرمانروایی آمیخته با لطف و محبت و در عین حال بی چون و چرا آشنا کرد. کافی نیست که اطاعت کردن را به کودک تعلیم دهیم، بلکه عوامل طوری فراهم شود که کودک فرمانبرداری را دوست بدارد. باید او به تجربه دریابد که افراد بزرگ و کوچک از قوانین خاصی اطاعت می کنند زیرا اطاعت کردن امری پسندیده است.

ث- اصل تناسب عمل و وضع موجود، طبق این اصل عمل تربیتی طوری تنظیم شود که نظام ارزشی و غایی هر مرحله ای از رشد، باید نظام بالقوه آینده را ارضاء کند، زیرا بهترین طریق آماده کردن کودک برای آینده آنست که در ارضاء نیازهای کنونی رشدش توجه شده که بدین منظور:

- آموزش باید با درجه توانمندی ذهنی شاگرد متناسب باشد.

- آموزش باید به نحوی با احتیاجات اساسی و نیازهای واقعی کنونی کودک مربوط باشد و علایق وی را ارضاء کند.

- معلم باید ضمن تمایل کودک به فعالیت در زمان حال و در وضع موجود سیر آینده نیازها و علایق و حول امکانات وی را در نظر بگیرد و از زندانی کردن او در موقعیت های گذرای کنونی بپرهیزد.

چ - اصل تفرد: مطابق این اصل باید مکانیزم شباهت روانی کامل یا لاقط جزئی بین مورد تربیت و سرمایه فرهنگی، موجود باشد تا این سرمایه واقعاً در تربیتش مؤثر افتد. باید دانست که هر طفلی برای خود فردی است غیر قابل تقسیم و متشخص، و به اموری می پردازد که در مسدودت‌های فردی، مطلقاً قابل

#### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

راه وظایف حیاتی « خود » مصروف می دارد.

چ - اصل اجتماع، اصل اجتماع از نظر اشتاینر نیز بیشتر ارزش تربیتی دارد و طبق این اصل شاگرد باید مواظبت شود که نه فقط استقلال اخلاقی کسب کند بلکه علاوه بر آن با فعالیت آزادی که آنرا به ظرافت طبع در ضبط آورده است، به پیشرفت اخلاقی جامعه کمک کند. به نظر اشتاینر، هدف تربیت یعنی رشد موجود روحانی و انسانی مستلزم یک رکن فیزیولوژیک یعنی جسم و یک رکن اجتماعی مجموعه ارزشها یا وجود روحانی جمعی است، تعلیم و تربیت و پرورش ارزشها فقط در اجتماع که هریک از افراد آن باید به سهم

خود برای حفظ آن همکاری کنند میسر است.  
(6: 160-165)

طوری که مشاهده می شود اصولی را که ژان ژاک روسو برای تربیت شاگردان وضع کرده مانند: اصل آزادی شاگردان، اصل پروسه تربیت بدون هیچ نوع تبعیض، اصل بازی یه گونه جمعی، اصل شناخت کودک و رشد طبیعی وی، اصل اینکه نه جواب قاطع به پرسش های شاگرد بلکه جواب هدایت کننده، اصل برانگیختن رغبت شاگرد برای یادگیری، اصل بیدار ساختن وجدان اخلاقی و اصل تربیت همه جانبه در جریان آموزش می باشد که مکاتب کنونی جهان چنین اصول را در فرایند تدریس و یادگیر رعایت نموده و تاهنوز این اصول به مثابه اصول جدید و کاربردی به مشاهده می رسد.

همچنان ژان پیازه اصولی را در روند تربیت شاگردان ارائه داده مانند: اصل رفاه و بهبود اقتصاد فردی و اجتماعی، اصل اینکه کودک بالفعل فعال است و فعال بودن آن هدایت مطلوبی شد.

اصول تربیت از دیدگاه مرییان ...

ای تعاون و همکاری، اصل رشد مهارتهای ابداع و آفرینندگی در آموزش شاگردان که در نصاب تعلیمی امروزی دنیا از ویژگی خاصی برخوردار است.

ژرژ کرشن اشتاینر اصولی را در پروسه تربیت ارائه داده مانند: اصل آزادی برای کودک تا اشیا را تجربه کند، اصل سوق شاگردان در جهت سیر تمدنی، اصل اقتدار و

اطاعت، اصل رعایت فردیت غیر قابل تقسیم شاگرد و اصل تربیت ارزشهای اجتماعی می باشند که در پروسه تعلیم و تربیت امروز مکاتب دنیا این اصول را در نصاب درسی در نظر دارند.

مربیان مغرب زمین اگرچه در برخی موارد دیدگاههای جداگانه ای را مطرح کرده اند که امروز کاربرد ندارد ولی در موارد دیگر، از اصول بیان شده توسط آنها می توان به این جمع بندی رسید که مربیان بزرگ تربیتی مغرب زمین عمدتاً بر اصول تعلیم و تربیت زیر به طور مشترک تأکید نموده اند که کاربرد آن در فرایند آموزش کنونی شاگردان مکاتب مثمر ثمر می باشد:

- اصل تربیت جسم توأم با تربیت روح، تربیت مادی و معنوی، دنیوی و اخروی.
- اصل در نظر گرفتن توانائی ها و قابلیت های شاگردان در جریان تربیت.
- اصل کسب معارف و فضائل بشری.
- اصل رعایت تفاوت های فردی شاگردان.
- اصل دموکراسی و آزادی شاگرد.
- اصل توجه به فعالیت و تلاش شاگردان در جریان یادگیری.
- اصل توجه به علائق و رغبت های شاگردان.
- اصل هدایت فعالیت ها به سمت

#### اصول تربیت از دیدگاه مربیان ...

سازگاری اجتماعی و جامعه پذیری شاگردان.

#### نتیجه:

آنچه اهمیت دارد توجه و دیدگاهها و اندیشه های مربیان بزرگ تعلیم و تربیت است

که مبانی تعلیمی و تربیتی را به طور تدریجی ایجاد کرده و برای جامعه انسانی مبنای تربیتی را طراحی و تصویر سازی می نمایند، نفوذ نظریات این بزرگان در ساختار فکری و مفهومی کارگذاران تربیتی اثرگذار بوده و به تصمیم گیری های بنیادین تربیتی منجر شده و در حال توسعه یافتن است. به همین منوال نظریات مربیان بزرگ، به عنوان یکی از مبانی اساسی تعلیم و تربیت برای سیاستگذاران، طراحان و برنامه ریزان و مجریان نظام تعلیمی و تربیتی همواره باید مورد توجه و مطمح نظر قرار گرفته تا دانشی را که شاگردان مکاتب به دست می آورند دانش کاربردی و در عمل به خیر و بهبود رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منجر به رفاه جامعه باشد، برای استفاده بهتر از اصولی که دانشمندان برای آموزش و تربیت شاگردان مکاتب استخراج نموده اند ذیلاً پیشنهاد می گردد:

1- ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت محترم معارف دیدگاههای دانشمندان را در محتوای کتب درسی هرچه دقیق تر و بهتر در نظر داشته باشد.

2- معلمان مکاتب در پروسه تدریس خود اصولی را که دانشمندان ارائه نموده اند برای آموزش بهتر شاگردان رعایت نمایند.



**منابع:**

- 1- انوری حسن ، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ج1، 1381.
- 2- دینا روند جعفر ، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، اهواز، ترآوا، 1388.
- 3- شریعت مداری علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سپهر، چاپ بیست و پنجم، 1383.
- 4- معین محمد، فرهنگ فارسی، تهران، سپهر، ج1، 1362.
- 5- ملکی قاسم حسن، مبانی و اصول تربیت، زنجان، سعادت، چاپ دوم، 1385.
- 6- مهدیان محمد جعفر ، مبانی و اصول تعلیم و تربیت، تهران، ساوالان، چاپ اول، 1385.

## ناسازگاری کودکان و شیوه های اصلاح آن

### خلاصه

این مطالعه با هدف بررسی تشخیص رفتارهای ناسازگار و شیوه های اصلاح آن در کودکان طرح و اجرا شد، که با استفاده از روش تحقیق کتابخانه یی به این سوال، که ملاک ها و عوامل ناسازگاری در کودکان چیست؟ و چگونه می توان آنرا اصلاح نمود؟ پاسخ ارایه گردیده است.

یافته های این بررسی نشان میدهد که کودکان ناسازگار افرادی هستند که نمی توانند رفتارهای خود را با محیط زندگی شان و با دیگران وفق و سازش دهند و در نهایت قادر به حفظ رابطه با دیگران باشند. همچنان، ناسازگاری کودکان تحت تاثیر مجموع از عوامل فردی، خانوادگی و محیطی قرار دارد. بناءً این یافته ها نشان میدهد که برای اصلاح و تغییر این رفتارها والدین و نحوه برخورد آنها با کودکان ناسازگار نقش بسزایی دارد. ضمن موثر دانستن مدیریت و اداره سالم خانواده، این یافته ها نشان میدهد که برخی از والدین با رفتارهای نادرست و غیر منطقی خویش باعث تشدید رفتارهای ناسازگارانه در کودکان می گردند.

**کلید واژه ها:** ناسازگاری، شیوه های اصلاح، رفتار، عوامل اجتماعی، ویژه گی ها.

### مقدمه

ناسازگاری کودکان درسالهای نخست زندگی امری رایج و طبیعی است مانند ناسازگاری در رویارویی با والدین، خواهر و برادر در منزل و خارج از منزل یا در کودکانستان ها و مکتب با معلمان و سایر مسؤلان مکتب یا در خارج از مکتب با افراد محیط اجتماع مانند دوستان، همبازی ها، همسایگان، و کلیه افرادی که به طریقی در تعامل و یا در برخورد با کودک قرار می گیرند، تظاهر می کند. از چند دهه بدینسو توجه مسؤلان آموزشی کشورهای سراسرجهان به ناسازگاری کودکان جلب شده است. زیرا، کودکان ناسازگار با داشتن رفتارهای تهاجمی و پرخاشگرانه و رفتارهای افسرده گونه و گوشه گیرانه مشکل نه تنها برای خویشان ، بلکه برای سایرین آفرین هستند.

برخی از روانشناسان معاصر ناسازگاری را نشانه ای از آسیب یا اختلال در فرد می دانند، درحالی که بعضی دیگر ناسازگاری را به عنوان عکس العمل دفاعی در مقابل نظام اجتماعی ناسازگار می دانند. به هر حال حرکت بین این دو قطب مجموعه ای از گرایش های مختلف را بوجود می آورد. بنابراین، در این مقاله سعی گردیده است به مسله ناسازگاری از جهات مختلف آن پرداخته شود. زیرا، در ناسازگاری تنها مشکل فرد نه، بلکه مسله خانواده و جامعه نیز در نظر گرفته می شود.

بنابر آنچه تذکر رفت، هدف اساسی از تحریر این مقاله تشخیص رفتار های ناسازگار و شیوه های اصلاح آن در کودکان میباشد، که براساس هدف متذکره در این مطالعه سوال اساسی چنین طرح گردیده است؛ ملاک ها و عواملی که باعث ناسازگاری در کودکان می

### ناسازگاری کودکان و ...

های ناسازگار کودکان را اصلاح نمود؟. برای تحقق اهداف و دریافت پاسخ به سوالات، از روش تحقیق کتابخانه یی استفاده گردیده است و سعی به عمل آمده است تا از متون و منابع معتبر علمی که در ارتباط به موضوع چاپ و نشر گردیده است با حفظ امانت داری و رعایت اصول اخلاقی در تحقیق استفاده صورت گیرد.

عناوین کلیدی: ناسازگاری، ملاک های ناسازگاری کودکان، عوامل ناسازگاری کودکان و شیوه های اصلاح رفتار کودکان ناسازگار.

### ناسازگاری چیست؟

دانشمندان در مورد ناسازگاری عقاید گوناگونی دارند بعضی از آنها ناسازگاری را نشانه ای از موجودیت یک عامل وارد کننده آسیب در وجود فرد می دانند درحالی که بعضی دیگر ناسازگاری را به عنوان عکس العمل دفاعی در مقابل نظام اجتماعی ناسازگار می دانند. به هر حال حرکت بین این دو قطب مجموعه ای از گرایش های مختلف را بوجود می آورد.

ناسازگار به کودکانی اطلاق می شود که از هوش عادی یا حتی بهره هوش بالای

برخوردار اند ولی رفتار غیر عادی و نابهنجار دارند و به طور عادی قادر به حفظ رابطه با افراد دیگر نیستند (9: 25). کودک ناسازگار فردی است که رفتارهای طبیعی و عادی ندارد لذا نمی تواند در شرایط گوناگون خود را با افرادی که در محیط زندگی او هستند هم آهنگ سازند. کودک ناسازگار معمولاً از مقررات

اجتماعی سرپیچی می کند و ناسازگاری کودک را می توان به ناسازگاری کودکان و ...

است.

با توجه به تعریف انجمن روان شناسان امریکا در سال 1987 کودکان ناسازگار افرادی هستند که دارای عقب مانده گی ذهنی نباشند و رفتارهای ضد اجتماعی در اجتماع به طور مداوم و تکرار شونده داشته که ناشی از تخطی از معیارها و ضوابط اجتماعی متناسب با سن و تجاوز به حقوق دیگران، سایر همسالان و مخل نظم و آرامش محیط بوده و باعث مشکلات جدی برای خود، معلمین و همصنفی ها در کودکی شود (3 : 52).

مواردی وجود دارد که رفتار سازگار ممکن است در زمان وقوع الزاماً رفتاری پسندیده برداشت نشود و همین طور رفتار ناسازگار لزوماً مشکلی عاطفی و رفتاری ناپسند به شمار نیاید پس رفتار سازگار وناسازگار عبارتند از:

1- رفتار سازگار، آن است که دیگران آن را ببینند و مطلوب بدانند.

2- رفتار ناسازگار، آن است که به نظر نامطلوب و غیر دلخواه باشد. ناسازگاری و انحطاط اخلاقی درجهان گسترده شده است و تنوع آن در جوامع گوناگون با هم متفاوت. این دستگاه های تربیتی و آموزشی کشورها هستند که باید با کار و تلاش متخصصان خود قبل از اینکه رفتارهای ناسازگار به طور فراگیر در جامعه گسترده گردد به فکر مبارزه های علمی و منطقی آن باشند (6: 63).

### ملاک های ناسازگاری در کودکان

هیچ جامعه ای نیست که در آن کودکان ناسازگار نباشد. بعضاً این ناسازگاری ناشی از شرایط بدنی و رشد فزیولوژیکی میباشد، اما شیوه های تربیتی متنوع نیز باعث بوجود آمدن ناسازگاری های گوناگونی می شود که ممکن است در جوامع گوناگون به اشکال

#### ناسازگاری کودکان و ...

ناسازگاری به شکل مختصر توضیح می گردد:

- **هوش:** در تحقیقاتی که یکی از دانشمندان انگلیسی به نام برت Bert درمورد کودکان ناسازگار انجام داده است، متوجه شد که حدود 70 درصد از این کودکان کسانی هستند که از هوش پائین تر از میانگین گروه خود برخوردار اند.

- **جنس:** در بسیاری از تحقیقات نسبت ناسازگاری های پسران بیشتر از دختران ذکر شده است. این درحالی است که در خانواده ها پسران و دختران از آموزش ها و تربیت های تقریباً یکسانی برخوردار اند. در این باره

بیشتر به جنبه های وراثتی مسئله که مانند، حالات عاطفی و احساسی شدیدی که در آنان وجود دارد توجه دانشمندان را جلب نموده است.

• **سن:** بیشتر ناسازگاری های مطرح شده در گروه سنی کودکان قرار دارد، چون اطفال در اثر عدم آگاهی نسبت به مسایل زندگی دست به اعمالی می زند که شاید به نظر بینندگان ناسازگاری تلقی شود. اما، این اعمال بر اثر حس کنجکاوی و تجسس قوی که در کودکان وجود دارد انجام می شود و بیشتر این فعالیت ها جنبه احساسی دارند (5: 64).

• **نشانه های رفتاری:** شمار زیادی از کودکان سالم دچار بیماری های ترس، دروغگویی و دزدی هستند. هنگامی که کودک لبریز از ترس است، هنوز یکی از ترس هایش رفع نشده دیگری بوجود او سایه می افکند. یا هنگامی که مدت ها پس از آنکه اکثر کودکان تشخیص بین واقعیت و خیال را یاد می گیرند، اما بالای کودکی خاص، باید به وجود اختلال عاطفی در او شک نمود مثلاً ناخن

ناسازگاری کودکان و ...

فرد تا چه حد شدت دارد.

• **پیشینه خانوادگی:** شواهد زیاد از کارهای بالینی، جامعه شناختی و روانشناسی حکایت از این دارد که بسیاری از ناسازگاری های عاطفی، با محیط خانواده یا محیط آموزشی نامطلوب مرتبط است. برای شناخت ناسازگاری ضرورت دارد خصایص افراد سازگار معرفی شوند زیرا دانستن مشخصه های فردی سازگاری می تواند در شناخت رفتارهای

ناسازگار کمک کند. از این جهت عموماً فرد سازگار به کسی اطلاق می شود که بتواند خود را با اهداف، اندیشه، حیات، ضوابط و مقرراتی که جهت وصول به آن تدوین گردیده خود را تطبیق دهد (10: 124).

### **ویژگیهای کودکان ناسازگار**

کودکان با ویژگیهای روانی متفاوتی رشد می یابند. بعضی از کودکان با ویژگی ها و صفات سازگارانه و گروهی از آنها با صفات و ویژگیهای ناسازگار رشد می کنند. علائم زیادی وجود دارند که هرکدام به تنهایی نشان دهنده ناسازگاری هستند. این علائم را در سه حیطه میتوان تقسیم نمود:

**1- فردی:** از مسایل و نشانه های بسیاری را می توان نام برد که اهم آنها عبارتند از: اضطراب، ترس، عدم تمرکز حواس، خیالبافی، برداشت غلط، سرگرمی بخود، فرار از مشکل، شب ادراری، انگشت میکیدن وغیره.

**2- خانوادگی:** در این زمینه مسایل متعددی که اهم آنها عبارتند از: بی تفاوتی، تسلیم، حیای بی جا، خرابکاری، انحراف جنسی، نافرمانی از والدین،

دشواری در یادگیری، از جمله ...

ناسازگاری کودکان و ...

**3- گروهی:** در این زمینه نیز، نارسایی ها، کمبودها، عدم تعادل هایی از کودک وجود دارد که اهم آن عبارتند از: درگیری و منازعه، تعرض، آزار و اذیت، تقلب،



اعتیاد، ریا، حسادت، دزدی، شرارت، فرار از مسئولیت میباشد (6: 214).  
برخی از نشانه های ناسازگار کودکان عبارتند از:

مسخره کردن مداوم دیگران، ترساندن دیگران، جنگ کردن با سایر کودکان، ریاست طلبی، تمایل شدید بر تسلط بر دیگران برای اثبات برتری خود و دست یافتن به خواسته های خود، کم حوصلگی و بد اخلاقی، عصبانیت سریع، کم تحمل بودن در مورد اجرای مقررات، انتقاد، بدقولی، مخالفت و پرخاشگری نسبت به بزرگترها، از خود راضی بودن، تمایل به خلافکاری، افت شدید تحصیل و تمایل به ترک تحصیل (7: 67 - 68).

#### **عوامل ناسازگاری کودکان**

#### **الف) عوامل فردی ناسازگاری کودکان**

بسیاری از متخصصین نقش عوامل زیستی یا بیولوژیک بر روی رفتار را مورد مطالعه و بررسی قرار داده اند. به نظر آنها اینگونه عوامل عبارتند از:

• **عوامل کروموزومی:** شامل عواملی که قبل همزمان با تشکیل نطفه و یا قبل از آن فعال می شوند. مانند گروه خونی سازگاری، ازدواج های فامیلی، سن والدین مخصوصاً سن مادر که ممکن است پس از ازدواج در اختلالات روانی فرد تأثیر داشته باشد

• **عوامل بیوشیمی:** نوع ترکیبات عناصر و وجود واسطه های شیمیایی رفتار را تحت تأثیر قرار می دهند. مثلاً مطالعاتی که در مورد رفتار کودکان بیش فعال به عمل آمده

مشخص شد که سو نعديه و الودكى محيط ريست خصوصاً در زمينه مسموميت با عنصر سرب معلق در هوا تأثير زيادى درمشكلات رفتارى کودکان داشت.

• **آسيب هاى وارده برسلسله اعصاب:**

درهنگام تولد يا بعد از آن چنانچه آسيب به مغز وارد شود زمينه را براى بروز مشكلات رفتارى يا عصبى کودکان به وجود مى آورد. عوامل ديگرى مانند تغذيه نامناسب و فشارهاى روانى وارد شده به مادر درطول زمان باردارى زايمان را با مشكلاتى روبرو ساخته وگاهى مدت آن را طولانى مى سازد. كه اين عمل در بروز مشكلات روانى و ناسازگارى كودك مؤثر است.

**(ب) علايم فردى ناسازگارى**

اين علائم به صورت هاى مختلف در آنها جلوه گر است كه از نمونه هاى بارز آن عبارتند از:

• **وجود اضطراب:** اضطراب نشاندهنده يك بى قرارى درونى فرد است كه امكان دارد از ترس هاى گوناگون براثر تجربه هاى ناخوشايند قبلى در وجود کودکان به وجود آمده باشد. مانند كودكى كه اعتماد به نفس ضعيفى دارد، از ترس در بازى شركت نمى كند.

• **ترس ها:** ترس معمولاً وقتى به وجود مى آيد كه شخص درمقابل خطرى غير مترقبه وناگهانى اعم از جانى يا تهديد منافع خود كه آمادگى دفاع آن را نداشته باشد، قرار گيرد. با آنكه بعضى از تداعى هاى غلط دوران كودكى در بزرگسالى نيز باقى مى

مانند نظیر ترس های موهوم «تاریکی، مرده،

### ناسازگاری کودکان و ...

بین می رود.

• **عدم تمرکز حواس:** دیده شده کودکانی که دچار اختلالات در حواس می شوند، حتی در هنگام درس معلم حواس شان طرف دیگریا به فکر چیز های دیگر میشوند. این گونه کودکان بدون اینکه متوجه راه حل باشند به ناسازگاری روی می آورند.

• **خیالبافی:** خیالبافی در کودکی جایگاهی دارد. خیالبافی یکی از میکانیزم های دفاعی است که در آن فرد برای مقابله با ناکامی ها به صورت خیال و تصور به امیال و آرزوهای خود واقعیت می بخشد و گاهی هم امیال شکست خورده خود را به تخیلات فریبنده و لذتبخش تبدیل می کند. وی آنچه را که درعالم واقع بدن نرسیده است درعالم خیال برای خود تصور می کند و به وجود می آورد. به همین دلیل خیالبافی ممکن است مانعی برای درک واقعیت ها شود و نتواند به طور مطلوب با محیط خود ارتباط برقرار کند.

• **برداشت غلط:** بسیار اتفاق افتاده کودکان گفته ها و رفتار اولیاء خانه یا مکتب را برخلاف آنچه هست برداشت می کنند. عدم درک از واقعیت آنها را مجبور می سازد آنها به گونه ای غیر از انتظار واکنش نشان دهند که ممکن است از دیدگاه بینندگان نوعی ناسازگاری تلقی شود (10: 145).

• **گستاخی به جای شجاعت:** گاهی کودکان از روی افکار نسنجیده خود دست به گستاخی می زنند و به خیال آنکه فرد شجاعی هستند این قبیل ناسازگاریها را بیشتر جنبه خودنمایی ناسازگاری کودکان و ...

پرخاشگری نمود خود را نشان دهد.

• **فرار از مشکلات:** چون آنها هنوز به شیوه حل مسئله آشنا نیستند لذا درمقابل مشکلات و عدم توانایی حل آنها، ازکنار آن به راحتی می گریزند.

• **انگشت مکیدن:** بعضی از کودکان دارای افکار و رفتار مزاحم هستند که این چنین افکاری از درون آنها را می آزارد. در نتیجه اینگونه افراد به طور ناخودآگاه به انگشت مکیدن، ناخن جویدن مشغول می شوند.

• **شب ادراری:** گاهی وجود بیماری های جسمی یا روانی در کودکان باعث می شود آنها رفتارهای نا بهنجاری از خود بروز دهند. اینگونه رفتارها عبارتند از: اضطراب، دلواپسی و پریشانی که انعکاس آن خصوصاً در دوره کودکی به شب ادراری منجر می شود.

• **کناره گیری:** کناره گیری از اختلالاتی است که از تعرض خطر ناکتر است، زیرا هنگام حمله، به افراد فوراً متوجه ناراحتی فرد حمله کننده می شویم ولی درکناره گیری، کمتر توجه دیگران جلب می شود و ناراحتی فرد در موقع کناره گیری، به دشواری برای دیگران، قابل تشخیص است. مانند کسانی که از سازگاری با اجتماع دچار شکست می شوند و یا ترس از مصاحبت با مردم را دارند.

### ج) عوامل خانوادگی ناسازگاری کودکان:

عده ای معتقد اند علت بروز پیدایش رفتارهای ناسازگار در کودکان بیشتر مربوط به عوامل خانوادگی است. براین اساس محققان و روانشناسان به بررسی رشد عاطفی درکانون خانواده پرداخته اند. چون کودک اولین قدم های اجتماعی شدن را در خانواده برمی دارد و پایه های سازگاری با محیط اجتماعی نیز در همانجا ریخته می شود. عواملی مانند شغل والدین، سطح سواد آنها، کثرت فرزندان،

ناسازگاری کودکان و ...

برخانواده، ویژگیهای شخصیتی والدین، وظیفه اجتماعی، اقتصاد خانواده و میزان آگاهی آنها نسبت به مسائل تربیتی و نحوه ای ارتباط و همکاری آنها با مکتب و ... از جمله عواملی هستند که در بررسی علل ناسازگاری کودکان ناسازگار باید مورد تحقیق قرار گیرند.

خانواده در ایجاد تعادل فردی سهم مؤثری دارد. این تعادل تأثیر پذیر از هویتی است که انسان از دوران کودکی و در زندگی خانوادگی کسب می کند. بسیاری از خانواده ها از اهمیت هویت انسانی کودک نا آگاه اند و با اعمال نظر و سلیقه ای خود، من واقعی کودک را از وی می گیرند. این چنین اعمالی باعث می شود تا درطول سالیانی دراز از کودک انسانی مصنوعی ساخته شود. به جای اعمال سلیقه به وی، شرایط را باید طوری مهیا نموده تا بتواند بفهمد که چه

توانایی هایی دارد و از آن توانایی ها چگونه باید استفاده کند (3: 162).

#### **د) عوامل مؤثر زیستی ناسازگاری کودکان:**

مهمترین عوامل مؤثر در پروسه زیستی ناسازگاری کودکان را می توان به صورت زیر فهرست کرد:

• **سردی در خانواده:** یکی از عوامل ناسازگاری در فرزندان است و بیشتر در خانواده هایی است که مادر شاغل است و وضع غذا و استراحت نامنظم است. امکان بیرون ریختن احساسات به دلیل بی حوصلگی والدین وجود ندارد. درخانه خشونت بیش از مهر است و وظایف خانوادگی به نحو صحیح انجام نمی شود.

#### • **درگیری در خانواده:** کودکان از درگیری

هائمالدین خود شدیداً ناراض هستند و در این ناسازگاری کودکان و ...

خود را از دست می دهند، گاهی نسبت به والدین کینه و نفرت پیدا می کنند و به حرف و دستوراتشان گوش فرا نمی دهند و همیشه به فکر اوقات مناسب برای گرفتن انتقام هستند.

• **بی بند وباری:** بی بند وباری والدین در روابط خود و عدم مراقبت در روابط فرزندان موجب پیدایش عوارض بسیاری است که مهمترین آنها را می توان در لغزش ها و انحراف جنسی پیدا کرد، کودکان آنچه را می بینند مورد تقلید قرار می دهند بدون آنکه از جوانب و ابعاد آن وحتىی از زشتی و قبح آن سر در آورند (2: 83).

• **تبعیض بین فرزندان:** تبعیض به هر صورتی و به هرعلتی که باشد زمینه را برای پیدایش بسیاری از عوارض و ضایعات فراهم می کند و موجب صدماتی در کودک می شود.

• **خشونت و بد رفتاری:** فرزندى که کودکش همراه با خشونت و بد رفتاری بوده درنوجوانی نمی تواند متعادل باشد. خصوصاً اگر این خشونت همراه با صدمات بدنی و تنبیه نیز باشد عوارض زیادی برجای می گذارد.

• **کثرت فرزند و سوء تربیت:** از آنجاییکه والدین به علت تعدد فرزندان فرصت ندارند که به همه نیازهای عاطفی آنها پاسخ گویند در نتیجه کودک خواستار امری است که تنها بخشی از آن برای او قابل تأمین است و این مسئله از جمله مواردی است که زمینه را برای نابسامانی بیشتر خانواده ها فراهم می کند.

• **طلاق و از هم گسیختگی:** یکی از عوامل مهم ناسازگاری طلاق و از هم گسیختگی

ناسازگاری کودکان و ...

متلاشی و از هم گسسته بوده اند.

### **شیوه های اصلاح رفتار کودکان ناسازگار**

در این مقاله سعی گردیده است که راهکار اصلاح رفتار کودکان ناسازگار به دو دسته ذیل تقسیم گردد:

#### **الف) کمک والدین به فرزندان ناسازگار**

برخی از تحقیقات (Hetererington&Martin,1979) بیانگر آن است این قبیل کودکان متعلق به

خانواده هایی هستند که در آن پدر علاوه بر داشتن تمایلات پرخاشگرانه و خصومت آمیز از اعمال تنبیهات بدنی نیز امتناع نمی ورزد و مادر به شدت مشغول امورات منزل است (4: 39).

بنابراین، رفتاری که والدین در دوره کودکی با فرزند خود دارند در دوره نوجوانی موثر نیست، بلکه باید نقش والدین نیز همراه با تغییرات زیستی نوجوان تغییر یابد، زیرا با افزایش سن و تغییر در شرایط زندگی جدید از یک طرف و درگیری والدین با مسایل ومشکلات گوناگون زندگی از طرف دیگر توانایی درک و پذیرش وکنار آمدن با کودکان را کم رنگ می سازد. بسیاری مشکلات والدین باعث می شود یا به کلی کودک را در این سن مهم نادیده بگیرند و یا از انتظارات و توقعات فوق توان از وی توقع داشته باشند که هر دو شیوه مناسب نیست لذا ترکیبی از شرایط نا مطلوب می تواند وضع کودک را دشوار تر کند و زمینه را برای روبرو شدن آن با مشکلات عاطفی مهیا نماید.

چون دوره کودکی یک دوره مهم است لذا کودک در اغلب اوقات دچار ابهام و بی ثباتی می شود، به همین دلیل به شدت به کمک و حمایت بزرگسالان نیاز دارد. هر چند حمایت هایی که کودک از سوی بزرگان دریافت می کند، نه فقط باید شامل پذیرش وی باشد، بلکه نوعی کنترل و اصلاح رفتارهای ناسازگار باشد.



چون ارتباط تنگاتنگی بین عوامل جسمانی، روانی و اجتماعی کودک وجود دارد، والدین باید در ایجاد محیط سالم و امن و بدون تنش تلاش کنند تا ناسازگاری ها کمتر مشکل ساز شود. از جمله مهمترین منابع ناراحتی های عاطفی، تغییر در روابط او با والدین است و چون کودک در جهت کسب استقلال حرکت می کند و والدین درصدد حفظ حمایت او از آسیب های فردی و اجتماعی هستند، باید سعی نمایند به تدریج زمینه های رشد استقلال سالم را متناسب با توانایی ها و قابلیت های او فراهم سازند و او را مانند یک انسان در حال رشد که به سوی بزرگسالی در حرکت است ببینند و با او آنچنان رفتار کنند که شایسته دوران رشد باشد (3: 210)

#### **ب) راه های درمان کودکان ناسازگار**

روانشناسان تربیتی سعی دارند اقدامات لازم برای حل ناسازگاری های رفتاری را طوری طراحی نمایند که به سلامت روانی آنها در خانه و مکتب لطمه وارد نشود. توصیه روانشناسان براین است که چون اولیای خانه در موضع قدرت قرار دارند تصمیمات آنها برای کودکان اثر عمیقی باقی خواهد گذاشت، لذا آنها باید با این نگرش که کودکان در سطح ضعیف تر از آن ها قرار دارند و نیازمند کمک هستند طرح بریزند. یک نوع طرح ریزی درجه بندی شده را گنجی به نقل از جونز به صورت زیر مطرح نموده است که مراحل آن عبارتند از:

• **تماس با والدین:** چنانچه فعالیت ها در گام های اول و دوم به نتیجه نرسد معلم می تواند ضمن تماس با والدین آنها را در جریان رفتار ناسازگار فرزندانشان قرار دهد. قبلاً

ناسازگاری کودکان و ...

وپایان یابد.

• **طلب کمک از روانشناسان:** گاهی نیز خانواده ها خود مستقیم در رابطه با مشکلاتی که فرزندان ناسازگار شان دارند به هسته مشاوره، مراکز مشاوره خانواده و یا کلینیک ها و مکان هایی که مشاوره سازشی، تحصیلی و خانوادگی ارائه می نمایند مراجعه و ازم تخصصینی که در آن جا حضور دارند تقاضای کمک می نمایند. راه کارهای ارائه شده متخصصین در راستای راهکارهای مکتب و مکمل با آن خواهد بود. چنانچه این متخصصین صلاح بدانند شیوه های مختلف تداوی طبی یا توصیه ویا از هردو روش توأم استفاده شود، والدین را در جریان آن قرار خواهند داد (1: 93).

برای کم نمودن میزان ناسازگاری باید در زمینه ای ایجاد شرایط مساعد برای کودک با وضعیت عاطفی متعادل برنامه ریزی نمود. در این زمینه افراد زیر نقش اساسی دارند.

• **نقش مادر:** زنی که به نام مادر تلقی می شود باید بتواند به رشد شخصیت خود بپردازد. بدین وسیله مادر خود را از اضطراب و نگرانی هایش آزاد می سازد و هویت فردی خود را تقویت می کند تا خود را از داشتن یک زندگی توأم با قیومیت آزاد

سازد. تنها در چنین شرایطی است که رابطه عاطفی بین او و فرزندش می تواند معنی دار شود که کودک بیش از همه از آن تأثیر می پذیرد.

• **نقش پدر:** پدر نیز باید بداند که برای کودک خود حقوقی به عهده دارد. در این رابطه افراط و تفریط جایز نیست. به عبارت دیگر

ناسازگاری کودکان و ...

از وی دریغ نکنند.

همچنین پدر باید مهارتی در روابط بین فرد کسب کند تا رشته ای که او را به همسرش پیوند می دهد، به صورت مثبت بفرزندانش تأثیر گذارد. وی باید بتواند تا جایی که امکان دارد الگویی متعادل باشد و برای تعلیم و تربیت فرزندش وقت کافی صرف کند.

رابرت آندری Rabert andery با مطالعه روی 800 کودک به این واقعیت رسید که ناسازگاری های اجتماعی این افراد مولود روابط نامطلوب والدینشان بوده است (8: 230).

به طور کلی برای کاستن از میزان رفتارهای نامطلوب، ناسازگار و بی نظمی که از کودکان سر می زند و هدایت آنها به سوی رفتارهای منظم و مطلوب راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد

• مسئولیت دادن به کودک از همان زمان خردسالی متناسب با سن وی مانند مرتب کردن رخت خواب یا تخت خواب خود، مسواک کردن و نظایر آن، چنانچه کودک نیاموزد، رخت خواب خود را باید مرتب کند اولین گام را در بی نظمی بر می دارد.

• کنترول و پیگیری مسئولیت هایی که به وی داده شده است. درست نیست که از او بخواهیم کاری را انجام دهد ولی بلافاصله خود ما آن را برایش انجام دهیم.

• دادن مسئولیت به کودک نباید طوری باشد که با مسئولیتی که مکتب به وی میدهد مغایرت داشته باشد و یا به آن لطمه وارد نماید.

• دادن مسئولیت ها باید متناسب با شرایط

بسن و توانایی کودک باشد.

#### ناسازگاری کودکان و ...

اگذار شود.

• چون دادن مسئولیت متناسب با سن کودک است لذا در بین فرزندان دختر و پسر نوع مسئولیت ها یک شکل نیست و تفاوت مسئولیت ها با جنسیت و سن آنها باید متفاوت باشد.

• کنترول مسئولیت ها باعث می شود کیفیت کار آنها مد نظر قرار گیرد در صورت انجام درست کار واگذار شده باید بلافاصله کودکان مورد تقویت مثبت قرار گیرند. این تشویق اگر به صورت کلامی باشد تأثیر مثبتی در رفتار آنها خواهد داشت (2: 231).

• برآورده کردن معقول و معتدل خواسته ها، نیازها و آرزوهای کودک.

• ایجاد احساس ارزش در کودک.

• تقویه زمینه اعتماد به نفس در کودک.

• برخورد متناسب با نوع و شدت رفتار کودک.

• عدم ملامت و مهرورزی افراطی.

• سرگرم کردن کودک با کار های مورد علاقه اش.  
خودداری از سرزنش و تنبیه های غیر ضروری (8: 333-334).

### نتیجه گیری

کودکان ناسازگار نمی تواند در شرایط گوناگون خود را با افرادی که در محیط زندگی او هستند هم آهنگ سازند، لذا آنها رفتار های طبیعی و عادی ندارند. هماهنگ سازند. ممکن این کودکان از هوش عادی یا

### ناسازگاری کودکان و ...

حفظ رابطه با افراد دیگر نیستند.  
ناسازگاری کودکان تنها تحت تاثیر یک عامل قرار ندارد، بل که تحت تأثیر عوامل گوناگون شخصی، خانوادگی و اجتماعی قرار دارند و حتی میتوان اذعان نمود، که رفتارهای کودکان از عمل متقابل آنها با محیط نشأت می گیرد.

مدیریت صحیح خانواده، اداره صحیح زندگی درخانه، آشنایی با ویژگی های سنین مختلف و آگاهی داشتن از مسائل اقتصادی و اجتماعی شیوه های موثر هستند که می توانند از بروز این دشواری ها، پیش گیری کنند و در صورت بروز در رفع آن ها مؤثر واقع شوند.

همچنان خانواده درمقابل مشاهده رفتارهای ناسازگار از سوی بعضی از کودکان خود باید بردباری از خود نشان دهند تا بتوانند آنها را تحمل نمایند. دراین صورت

قادر خواهند بود ضمن احترام به آنها متناسب با رفتار ناسازگار وی وارد عمل شوند. ولی شاید تحمل بعضی از اولیاء به این راحتی نباشد، زیرا رفتارهای حاد کودکان باعث ایجاد استرس در اولیاء می شود. درچنین مواقعی انجام بعضی از رفتار های نادرست والدین، زمینه ناسازگاری را تشدید کرده و اوضاع را متشنج تر می سازد. بناءً والدین و اولیا باید برای ایجاد بهبود و اصلاح رفتار کودکان ناسازگار در مقابل کودکان خونسرد بوده و منطقی برخورد نمایند.

#### ناسازگاری کودکان و ...

#### مآخذ

- 1- اخوت، ولی. (1375). روان درمانی. تهران: انتشارات میزان.
- 2- جهانگرد، یدالله. (1373). نحو رفتار والدین. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- 3- سیف، سوسن. (1357). خانواده وناسازگاری کودکان. تهران: انتشارات مدرسه عالی شمیران.
- 4- سیف نراقی و نادری عزت الله. (1379). اختلالات رفتار کودکان و روشهای اصلاح و ترمیم آن. تهران: انتشارات بدر.

- 5- فرجاد، محمد علی (1375). روانشناسی رشد. تهران: انتشارات سرو.
- 6- منصف، گیتونی. (1382). ناسازگاری کودکان و نوجوانان. ترجمه زهرا بازرگان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- 7- مک ناراما، باری و مک نامارا، فرانسیس. (1378). کلید های رویا رویی با پدیده خشونت در کودکان و نوجوانان. ترجمه، مسعود حاجی زاده. تهران: موسسه انتشاراتی صابرین.
- 8- نجاتی، حسین. (1383). روانشناسی کودک. تهران: نشر بیکران.
- 9- نوابی نژاد، شکوه. (1365). رفتارهای بهنجار و نابهنجار. تهران: انتشارات ابتکار.
- 10- ود. پی وارما. (1375). ناسازگاری ومشکلات هیجانی ورفتار کودکان. ترجمه سیمین حسینیان، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

محقق نسریں ترین

## مؤثریت مالیات بر ارزش افزوده در کشور چکیده

در بسیاری از کشور ها بخش عمده ای از عایدات دولت از طریق مالیات تامین میشود. سهم مالیات در مجموع درآمدهای عمومی در

میان کشورها متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آن‌ها دارد.

مالیات بر ارزش افزوده نوع مالیات غیر مستقیم است که مصرف‌کننده (خریدار) آن را همراه با قیمت خرید اجناس و خدمات می‌پردازد و دریافت‌کننده (فروشنده) موظف است مقدار مالیات دریافتی را به دولت پرداخت کند. مالیات بر ارزش افزوده به تمامی خدمات و کالاهایی تعلق می‌گیرد که در برابر پول در داخل کشور داد و ستد می‌شوند، مگر آنکه در قانون برای آن شرایط ویژه، از جمله تخفیف‌هایی در نظر گرفته باشند. اجناسی که صادر می‌شوند از این مالیات معاف هستند. قانون این مالیات سال قبل در کشور مورد تأیید ولسی جرگه قرار گرفت و دولت کوشش میکند تا از این طریق منبع عایداتی خویش را افزایش دهد. بنا براین در این مقاله ابتدا به طور خلاصه در مورد تاریخچه مالیات بر ارزش افزوده بحث شده بعداً واضح شده که مالیات بر ارزش افزوده چیست.

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

مؤثریت مالیات بر ارزش افزوده بیان شده و در بخش اخیر تاثیر مالیات بر ارزش افزوده بر متغیرهای اقتصادی بطور واضح بیان گردیده است.

**واژه های کلیدی:-** مالیه ، ارزش افزوده ، مالیات بر ارزش افزوده ، تورم .

مقدمه



مالیات به‌عنوان یکی از منابع درآمد اصلی دولت‌ها، در تمام کشورهای جهان از جایگاه ویژه برخوردار است، اما در کشور ما، مالیات و چگونگی گرفتن آن از مؤدیان، همواره یکی از معضلات اصلی دولت بوده است به‌گونه‌ای که گاه وضع یک نوع مالیات و گرفتن آن، باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه کاهش تولیدات داخلی می‌شود و گاه باعث فرار مالیاتی آن‌ها می‌شود. به‌راستی چرا چنین است؟ چرا طی سال‌های متمادی هیچ‌گاه نتوانسته‌ایم قانون مالیات را به‌گونه‌ای وضع کنیم که مانند سایر کشورهای پیشرفته‌ی دنیا مردم با دل‌وجان مالیات خود را پرداخت‌کنند و بدانند که این مالیات در جهت آبادانی کشور و رفاه حال همان شهروندان هزینه می‌شود؟

اما متأسفانه همان‌گونه که بیان کردیم یکی از مهمترین مشکلات ساختار اقتصادی کشور، ضعف نظام مالیاتی است. شرایط این نظام به گونه‌ای است که کمتر می‌توان نشانه‌هایی از یک نظام مالیاتی کارآمد را در آن پیدا کرد.

چرا که لازمه دستیابی به وضعیت مطلوب درآمدهای مالیاتی در کشور ارتقاء فرهنگ مالیات است. در نظام مالیاتی کشور ما، مالیات‌به‌موقع وصول نمی‌شود، عدالت چندان تحقق نمی‌یابد و ظرفیت‌های مالیاتی بالفعل با ظرفیت‌های مالیاتی بالقوه تفاوت قابل توجه دارد و هزینه وصول مالیات نیز بالاست. به همین دلیل در این اواخر دولت ما شیوه

## مؤثریت مالیات بر ارزش ...

اختصار (VAT) را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی اجرای صحیح قانون مالیات بر ارزش افزوده در چارچوب یک برنامه‌ی کلان اقتصادی و به دور از بخش‌نگری سبب برقراری عدالت در پرداخت مالیات می‌شود. این نوع پرداخت مالیات، معافیت‌هایی را برای مؤدیان مالیات در نظر گرفته است.

در این بخش مقاله قبل از اینکه راجع به مالیات بر ارزش افزوده صحبت کنیم لازم است که یک معلومات کلی راجع به مالیات ارائه نمایم.

مالیات وجوهی است که مردم یا بنگاه‌های اقتصادی، یعنی اشخاص حقیقی یا حقوقی، بنابر قانون، ملزم به پرداخت آن به دولت اند و معمولاً بدون چشم داشت به خدمت معینی پرداخت می‌شود. این پرداخت می‌تواند از سر میل و رغبت یا با جبر صورت گیرد. هدف از وضع و اخذ مالیات در گذشته، تامین مالی دولت‌ها بود، اما به تدریج با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات به عنوان ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی گردید، (191:1).

مالیات به صورت عموم به دو نوع می‌باشد

- 1- مالیات مستقیم 2- مالیات غیر مستقیم

که هر کدام آن به چند نوع دیگر تقسیم شده است، که در این جا بحث موضوع روی مالیات بر ارزش افزوده که نوع مالیات غیر مستقیم

، است میباشد. مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیاتی است که برای نخستین بار توسط فون زیمنس در سال 1951م به منظور فائق آمدن بر مسایل مالی آلمان طرح ریزی شد که نظر به علاقه و تمایل شدید کشور های نظیر آرژانتین و فرانسه برای آگاهی از چگونه ساختار این نوع مالیات به طور رسمی مؤثریت مالیات بر ارزش ...

نشده بود. از سال 1954 به بعد برازیل، فرانسه، دانمارک و آلمان از جمله کشور های بودند که این نوع مالیات را در نظام مالیاتی کشور خود به کار انداختند و در بین کشور های آسیایی کره جنوبی نخستین کشوری بود که در سال 1997 با کمک صندوق بین المللی پول توانست این مالیات را در نظام مالیات خود پیاده کند و به دنبال آن کشور های ترکیه، پاکستان، بنگلادیش و لبنان هم نسبت به اجرای این مالیات اقدام کردند. امروزه بیش از 120 کشور جهان از این روش استفاده می کنند و تعداد زیادی از کشورها درصد پیاده کردن آن در نظام اقتصادی خود هستند. نکته مهم آنکه چون جمع ارزش افزوده های بنگاه های اقتصادی در يك کشور، برابرتولید ملی همان کشور است، بنابراین مالیات بر ارزش افزوده، برابر مالیات بر تولید ناخالص ملی است، به عبارت دیگر پایه مالیات بر ارزش افزوده، تولید ناخالص ملی است، (5: انترنت).

## 1- مالیات بر ارزش افزوده و چگونه گی پرداخت آن

قبل از اینکه راجع به مالیات بر ارزش افزوده معلومات ارائه گردد لازم است تا ارزش افزوده توضیح شود. اقتصاددانان ارزش افزوده را چنین تعریف می کنند: ارزش افزوده عبارت از تفاوت بین فروش و خرید است یعنی: فروش منفی خرید می باشد. (5: انترنت).

ارزش افزوده در واقع عبارت است از: ثروت اضافه ای که توسط شرکت از طریق فرایند تولید و یا ارائه خدمات ایجاد می شود. محاسبه ارزش افزوده به منظور پرهیز از محاسبه مضاعف صورت می گیرد. به این معنی که ارزش کالاها و خدماتی که به عنوان داده های

### مؤثریت مالیات بر ارزش ...

لازم است از ستانده این فعالیت کسر شود تا ارزش افزوده آن به دست آید. ارزش افزوده ایجاد شده در شرکت بین افرادی که در ایجاد آن سهم بوده اند توزیع می شود به عبارت دیگر ارزش افزوده به صورت دستمزد برای کارکنان، استهلاک تجهیزات برای سرمایه گذاری مجدد ، سود برای شرکت، مالیات به دولت و... تقسیم می شود. (8: انترنت).

پس مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی است که بر فروش یک محصول در هر مرحله ای از تولید و توزیع وضع می شود و یا به عبارت دیگر مالیات بر ارزش افزوده ، نوعی مالیات چند مرحله ای است که در مراحل

مختلف تولید و توزیع بر اساس فیصدی ارزش افزوده کالاهای تولید شده و یا خدمات ارائه شده اخذ می شود.

این مالیات در واقع نوعی مالیات بر فروش چند مرحله ای است که با خرید کالا و خدمات واسطه ای را از پرداخت مالیات معاف میکند. همچنان به عرضه کننده اجازه داده میشود که مالیات بر ارزش افزوده پرداختی بابت خرید عوامل تولید را از میزان قابل پرداخت مالیات بر ارزش افزوده خود کسر کند، (82:2).

شیوه اجرایی مالیات بر ارزش افزوده طوریست که هر فروشنده در هنگام فروش کالا و خدمات، مالیات مورد نظر را در حساب می افزاید و آن را همراه با قیمت کالا و خدمات از مشتری دریافت میکند.

طور مثال:- اگر نرخ مالیات بر ارزش افزوده 10 فیصد باشد و تولید کننده ای مقدار مواد اولیه را به قیمت 1000 افغانی (به اضافه 100 افغانی مالیات بر ارزش افزوده) را خریداری

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

مبلغ 2000 افغانی ( بر علاوه 200 افغانی مالیات بر ارزش افزوده) به فروش برساند آن گاه میتواند وضعیت مالیاتی وی را به صورت زیر نشان داد.

دریافت عاید از بابت فروش کالا  
2000 افغانی

مالیات بر ارزش افزوده وضع شده برای مصرف  
کننده

200 افغانی

هزینه مواد اولیه

1000

افغانی

مالیات بر ارزش افزوده وضع شده توسط عرضه  
کننده

100 افغانی

مالیات بر ارزش افزوده قابل پرداخت به  
اداره مالیات

100 افغانی

قسم که از مثال معلوم میشود مالیات بر  
ارزش افزوده از نوعی مالیات بر مصرف حمایت  
میکند. بنابراین مالیات بر ارزش افزوده  
مالیاتی نیست که به طور مستقیم وضع شود  
بلکه نوعی مالیات بر مصرف است که در  
مراحل مختلف تولید وضع میشود. پس باید  
دانست که این نوع مالیات چه موثریتی دارد.

## 2- مؤثریت مالیات بر ارزش افزوده

مالیات به عنوان یکی از منابع در آمد اصلی  
دولت ها از جایگاه ویژه و اهمیت والای  
برخوردار است. طوریکه هر کشور برای ساختن

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

دارد.

درکشور ما هم اصلاح ساختار اقتصادی  
یکی از اهداف مهم دولت وحدت ملی میباشد.  
در همین چارچوب اصلاح ساختار درآمد دولت و  
چگونگی افزایش آن از اهمیت فوق العاده ای

برخوردار است. یکی از راه کارهای مناسب برای اصلاح ساختار درآمد دولت اجرای قوانین جدید مالیات در چارچوب اصلاح نظام مالیاتی کشور میباشد.

بنابر همین هدف بود که قانون مالیات بر ارزش افزوده، برای اولین بار در نه فصل و سی و پنج ماده، از طرف پارلمان تصویب شد. این قانون بالای 400 شرکت وارد کننده مواد خام که تا 200 میلیون افغانی سرمایه گذاری کرده اند قابل اجراء است که باید 5 درصد مالیات بر ارزش افزوده به دولت پرداخت کنند اما شرکت های واردکننده مواد اولیه، شامل پرداخت مالیات بر ارزش افزوده نمی شوند، (6: انترنت).

استقرار و اجرای کامل مالیات بر ارزش افزوده که یکی از انواع مالیات غیر مستقیم بر پایه مصرف به شمار می آید، در سیستم مالیاتی کشور نقش عمده و بسزایی دارد. مالیات بر ارزش افزوده، از یک طرف به سود دولت است و درآمدهایش به گونه چشم گیری افزایش می یابد و از طرفی هم، با اتکا بر این قانون، میزان سرمایه گذاری ها و ساختن کارخانه های تولیدی در داخل کشور بیشتر می شود. اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده تاثیرات متقابل به توزیع درآمد، تورم و رشد اقتصادی دارد. که هر بخش را طور خلاصه بیان مینمایم.

### **3- تاثیر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد**

بسیاری افراد تصور می‌کنند مالیات بر ارزش

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

اما برای تجزیه و تحلیل دقیق تاثیر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد، باید دید که این مالیات به چه صورتی اجرا می‌شود (یعنی نرخ آن برای کالاهای مختلف چند درصد است و چه کالاهایی از آن مستثنا هستند).

طوری‌که در ماده چهارم قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع شده در کشور دیده می‌شود که باید شرکت های وارد کننده مواد خام 5 درصد مالیات بر ارزش افزوده به دولت پرداخت کنند اما مطابق ماده ششم بند (2) این قانون شرکت های واردکننده مواد اولیه، از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌باشند، (14:4).

یکی از ویژگیهای مالیات بر ارزش افزوده این است که این مالیات دارای پایه مالیاتی گسترده و نرخهای مالیاتی پایین می‌باشد. لذا همانگونه که در مورد مالیاتهای غیر مستقیم انتظار انتقال بار مالیاتی وجود دارد، در خصوص مالیات بر ارزش افزوده نیز می‌توان انتظار داشت که با پدیده انتقال بار مالیاتی روبرو باشیم. لذا می‌توان نتیجه گرفت که این مالیات می‌تواند بر نحوه توزیع درآمد اثر گذار باشد بالاخص در شرایطی که مالیات فوق بر کالاها و خدمات ضروری که عمدتاً دارای کشش قیمت پائین تر و تقاضای بالاتر می‌باشند وضع گردد. در این شرایط پرداخت کنندگان عمده مالیات قشر کم



درآمد جامعه می باشند چرا که سهم این کالاها در بودجه خانواده های کم درآمد در مقایسه با خانواده های با درآمد بالا بیشتر است. از این رو به منظور کاهش چنین فشارهایی کشورها سعی می نمایند تا با استفاده از نرخهای چندگانه مالیات بر ارزش افزوده، اهداف توزیعی در آمد را نیز دنبال نمایند.

#### مؤثریت مالیات بر ارزش ...

1- نرخ صفر: کالاها و خدماتی که مشمول این نوع نرخ مالیات می شوند هیچ مالیاتی تعلق نمیگیرد. ولی تولیدکنندگان ممکن است از نهاد های واسطه ای استفاده نموده باشند که مشمول نرخ صفر نباشد و در این وضعیت، مالیات پرداخت شده بر نهادها، به آنها باز پس داده میشود. بدین ترتیب در مورد کالاها و خدماتی که با این نرخ باشد مشمول مالیات نمی گردد و خریداران مالیات را به صورت افزایش قیمت نمی پذیرند.

2- نرخ استاندارد یا نرخ عمومی: نرخ استاندارد که نرخ عمومی مالیات بر ارزش افزوده نیز گفته میشود، اکثریت کالاها و خدمات بر اساس این نوع نرخ مالیات، مشمول مالیات می گردند. اعمال یک نرخ عمومی بر کلیه کالاها و خدمات، از نظر اهداف توزیع درآمد در جامعه قابل توجیه نیست، زیرا بر خانواده های کم درآمد،

همان فشار مالیاتی وارد می شود که بر خانواده های ثروتمند وارد می گردد.

3- نرخ پائین تر از استاندارد: این نرخ در مواردی که برخی سیاست های حمایتی مورد نظر باشد، اعمال می گردد و فیصدی آن پائین تر از نرخ استاندارد میباشد.

4- نرخ بالاتر از استاندارد: این نرخ در سیستم مالیات برارزش افزوده بر کالاها و خدمات لوکس و تجملی تعلق گرفته و فیصدی آن از نرخ استاندارد بیشتر میباشد، ( 3: 154).

با در نظر داشت انواع نرخ مالیات بر ارزش افزوده در کشور ما تنها دو نوع نرخ مالیاتی در قانون مالیات بر ارزش افزوده در نظر گرفته شده است، که یکی آن نورم صفر

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

سامل آن میسود ذکر کردیده اسد، و یک دیگر نرخ استاندارد است که در فصل دوم بند دوم ماده چهارم واضحاً بیان شده است، (4:14-17).

بناءً تاثیر این گونه مالیات بندی بر توزیع درآمد بستگی به این دارد که قیمت کالاها و خدمات چگونه نسبت به حذف يك مالیه ویا وضع مالیه در برابر کالای های دیگر واکنش نشان می دهند. اغلباً نمی توان متیقین بود که قیمت ها با تغییر مالیات به همان نسبت تغییر کنند. به علاوه شرایط پولی کشور، رفتار قیمت ها را تحت تاثیر قرار می دهد که به نوبه خود، بر توزیع درآمد واقعی تاثیرگذار است.

#### 4- تاثیر مالیات بر ارزش افزوده بر تورم

تاثیری دیگر مالیات بر ارزش افزوده بالای سطح عمومی قیمت ها است، زیرا در اثر اجرای این نوع مالیات امکان افزایش در سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات وجود دارد. حتی در کشورهایی که مالیات بر ارزش افزوده، جانشین سایر مالیات شده است. به همین دلیل برخی کشورها نظیر فرانسه به منظور مقابله با تورم، اقدام به کاهش نرخ مالیات بر ارزش افزوده کرده اند. اما باید در نظر داشت که وضع مالیات بر ارزش افزوده به خودی خود نمی تواند تورم را یا ضد تورم فرض شود. البته این امکان وجود دارد که فروشندگان برای پوشش مالیات اقدام به افزایش قیمت ها به اندازه نرخ مالیات نمایند. این اقدام می تواند منجر به افزایش یکباره در قیمت کالاها شود ولی این افزایش قیمت به تورم (افزایش پیوسته و مداوم در سطح عمومی قیمت ها در طی زمان)، نخواهد انجامید. تجربه کشورهایی که مالیات بر

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

نشان می دهد که دلیلی برای نگرانی درباره تورم در نتیجه مالیات بر ارزش افزوده وجود ندارد و مالیات بر ارزش افزوده تورم را نیست.

در یک تحقیقی که توسط آلن تایت (1988) در ارتباط به اعمال مالیات بر ارزش افزوده و تاثیر آن بر سطح قیمت ها در 35 کشور جهان انجام شده نتایج ذیل بدست آمده است:

در 22 کشور که 63 فیصد را تشکیل می‌داد مالیات بر ارزش افزوده بر شاخص قیمت کالاهای مصرفی اثری نداشته و یا اثر آن ناچیز بوده است. در 7 کشور شاخص قیمت کالاهای مصرفی بعد از اعمال مالیات بر ارزش افزوده افزایشی یکباره داشته است. بنابر این در 28 مورد از کشورهای مصرفی و اعمال مالیات بر ارزش افزوده به افزایش شاخص قیمت کالاهای مصرفی منجر نشده است، در یک مورد به افزایش قیمت کالاها منجر شده و در 6 مورد دیگر در زمان اعمال مالیات بر ارزش افزوده، سیاست‌های اقتصادی انبساطی حاکم بوده است و بنابراین به روشنی نمیتوان نتیجه گرفت که اعمال مالیات بر ارزش افزوده تورم را به دنبال داشته است یا خیر، (2:63) در مجموع میتوان گفت که مالیات بر ارزش افزوده میتواند سطح عمومی قیمت‌ها را برای یک بار افزایش دهد ولی احتمال تغییر نرخ تورم و یا به عبارت دیگر افزایش قیمت‌ها در آینده بعید به نظر می‌رسد.

پس گفته میتوانیم که مالیات بر ارزش افزوده عموماً تورم‌زا نیست، اما باید توجه داشت که زمان اجرای این مالیات بسیار مهم است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد، در زمانی که تورم بالا در کشور وجود دارد، نباید اقدام به وضع مالیات بر ارزش افزوده نمود؛ چرا که این مالیات به طور اشتباه به عنوان عامل تورم شناخته می‌شود و پذیرش آن برای عموم دشوار خواهد بود.

باید در نظر داشت که تغییر یکباره در سطح قیمت‌ها که ناشی از مالیات بر ارزش افزوده باشد، فقط تحت شرایط خاصی می‌تواند اتفاق بیفتد. چرا که معمولاً انتظار می‌رود مالیات بر يك کالا، قیمت آن کالا و قیمت کالاها و خدمات مرتبط با آن را تحت‌تأثیر قرار دهد، اما افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نمی‌تواند ادامه یابد مگر اینکه مقدار حقیقی کالاها و خدمات تقاضا شده نسبت به سطح تولید افزایش پیدا کند که این موضوع منجر به افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود. با فرض اینکه سطح تولید کاهش نیابد، افزایش در مقدار تقاضا شده از کالاها و خدمات نیازمند افزایش حجم پول یا کاهش در حجم پول باشد که افراد نگهداری می‌کنند. اما اگر نه حجم پول افزایش یابد و نه سرعت دست به دست شدن پول بالا رود، خریداران نمی‌توانند همان خریدهای قبلی را در سطح قیمت بالاتر انجام دهند. بنابراین، نتیجه این است که حجم واقعی کالاها و خدمات فروخته شده کاهش می‌یابد، که در این صورت قیمت‌ها تنزل کند و یا تغییر در سطح تولید و اشتغال ایجاد شود. بنابراین می‌توان گفت که اگر افزایش در سطح قیمت‌ها در نتیجه اجرای مالیات بر ارزش افزوده باشد، عمدتاً به یکی از دلایل زیر است:

1. اخذ مالیات بر ارزش افزوده موجب افزایش حجم پول توسط مراجع پولی شده است

2. اخذ مالیات بر ارزش افزوده موجب تمایل افراد به کاهش پس اندازهای پولی (و در نتیجه افزایش پول در جریان) شده

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

بناءً میتوان گفت که اگر در یک کشور اجرای این قانون منجر به افزایش یکباره - و یکبار برای همیشه - در قیمت‌ها شود اما به دلیل اینکه مالیات بر ارزش افزوده فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد و در نتیجه درآمدهای مالیاتی دولت در آینده افزایش می‌یابد، به دولت کمک خواهد کرد تا سیاست‌های مالی انقباضی تری را دنبال کند و حتی ممکن است اثر کاهشی بر تورم داشته باشد - در این حالت مالیات بر ارزش افزوده اثر ضد تورمی خواهد داشت.

### 5- تاثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی

سیستم مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که توان اقتصاد برای دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر را تشویق کند یا حداقل آن را تضعیف ننماید. حال باید دید پیامدهای مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی چیست؟ برای پاسخ به این سوال باید دیده شود که آیا افراد نسبت به اجرای مالیات بر ارزش افزوده با:

1. کاهش مصرف

2. کاهش سرمایه‌گذاری یا

3. افزایش عرضه منابع مولد به بازار  
واکنش نشان می‌دهند، (7: انترنت).

عکس‌العمل سوم به معنی رشد اقتصادی است. اما برای تداوم آن باید بین افزایش تقاضا و افزایش عرضه کالاها مطابقت وجود داشته باشد. کاهش در تقاضا که منجر به انباشت کالاها در انبار می‌شود، به کاهش تولید یا قیمت می‌انجامد. عکس‌العمل‌های احتمالی (1)، (2) و (3) بستگی به این دارد که مالیات بر ارزش افزوده، نحوه استفاده از وجوه و شرایط پولی کشور، چگونه هزینه مصرف فعلی

#### مؤثریت مالیات بر ارزش ...

منابع خود را نگهدارند یا به بازار عرضه‌کننده تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. کاهش در هزینه مصرف آینده (نسبت به مصرف فعلی) در بسیاری شرایط منجر به رشد تولید در اقتصاد می‌شود.

با توجه به مطالبی که تا اینجا ارائه گردید می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که ساختار مالیاتی کشورها بر پایه توجه سیاستگذاران نسبت به اهداف کلی دولت و واقعیات زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور استقرار می‌یابد. تجارب سایر کشورها نیز در این میان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و منشاء تصمیم‌گیری پیرامون سیاست و مدیریت مالیاتی یک کشور واقع شود.

تقویت پایه مالیات بر ارزش افزوده و تحقق مالیات پیش‌بینی شده، ایجاب نرخ‌های معافیتها در نظام مالیات بر ارزش

افزوده را می‌طلبید. اما باید توجه داشت که هر قدر ارقام معافیتهای بیشتر باشد، تولید کنندگان سعی خواهند کرد به نوعی محصولات تولیدی خود را در ردیف این نوع معافیتهای قرار دهند که این امر موجب کاهش شدید پایه مالیاتی می‌شود. بنابراین برای کاهش مشکلات اجرایی مالیات بر ارزش افزوده صاحبان نظران اقتصادی معتقد به معافیتهای اندک هستند. با توجه به تجربه دیگر کشورها بهترین روش اجرای مالیات بر ارزش افزوده اعمال یک نرخ واحد، یک نرخ صفر برای صادرات و معافیتهای اندک است. و در صورت اعمال نرخهای چند گانه، هر چه تعداد نرخها کمتر باشد، کارایی سازمان مالیاتی بهتر خواهد بود البته اگر معافیتهای اندک باشد می‌توان برای کالاها و خدمات لوکس علاوه بر مالیات بر ارزش افزوده مالیات انتخابی هم وضع کرد. نهایتاً اینکه اعمال نرخ صفر با اعطای معافیت در هر کشوری به

مؤثریت مالیات بر ارزش ...
---------------------------

دارد.

بناءً برای اینکه مالیات بر ارزش افزوده در کشور ما بتواند یک نتیجه خوب را بدهد، و مؤثریت آن بصورت درست آشکار گردد در مراحل اول باید پیش بینی یک دوره دو تا پنج ساله با پایه محدود مالیات بطور آزمایشی آن مورد اجرا قرار گیرد. سپس با در نظر گرفتن نتایج بدست آمده و رفع نارسایی های موجود آن اقدامات لازم در راستای اجرای کامل آن به عمل آید تا در



آینده هم قانون مالیاتی در کشور به صورت درست تطبیق گردد و هم موثریت آن بصورت واضح بیان شود و در ضمن هم باعث افزایش درآمد های مالیاتی کشور در آینده گردد.  
**مآخذ:**

ت

.1

وکلی، احمد، مالیه عمومی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت) ، 1384.

2. جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)، 1385.

ز

.3

نجانی، ولیمقدم، علی، دهقانی، مالیه عمومی و خط مشی مالی دولت، تهران: انتشارات ترمه، چاپ دوم، 1388.

4. قانون مالیات بر ارزش افزوده، جریده رسمی وزارت عدلیه، مطبوعه بهیر تاریخ نشر ۲۵ حمل سال ۱۳۹۵ (نمبر مسلسل) ۱۲۰۹

5. آشنایی بامالیات بر ارزش افزوده، تاریخ نشر 1387/7/22، تاریخ برداشت 1395 / 5 / 2

مؤثریت مالیات بر ارزش ...

[\\_http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=76397\\_](http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=76397)

6. طرح تصویب " قانون مالیه بر ارزش افزوده "، توسط اباسین زهیر، تاریخ نشر 2014-04-17، تاریخ برداشت 1395/3/5

<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id>

7. مالیات بر ارزش افزوده و تاثیر آن بر  
متغیرهای کلان اقتصادی

<http://www.daneshju.ir/forum/sitemap/t-121580.html>

8. مهندس فریدون دشتی ، ارزش افزوده  
چیست، تاریخ نشر ۱۳۸۷/۸/۲۵ ، تاریخ برداشت  
1395 / 5 / 4

<http://draker.persianblog.ir/post/451>

محقق سید عمر اعزامی

مکئی بر واژه صلح ؛ عملیه مصالحه و  
نهاد شورای عالی صلح  
چکیده :

درین مقاله نخست واژه (صلح) به استناد نصوص قرآنی تعریف و توضیح گردیده و در ثانی روی ضرورت مصالحه در جامعه بشری و بازتاب آن در ابعاد مختلف زندگی عملی انسان ها مطالبی نگاشته شده است . ادامه جنگ و تبعات منفی چهل ساله آن در کشور ما ، واقعیت ملموسی است که همگان را چشم براه صلح نموده است ، علی رغم مساعی صلحجویانه حلقهات داخلی و جامعه جهانی ، دولت افغانستان نیز از چندین سال به اینطرف تلاش دارد که بحران جاری کشور را نه از راه جنگ ؛ بلکه از طریق مصالحه حل و فصل نماید ، چنانچه تأسیس شورای عالی صلح ، نمونه آشکاری ازین نوع تلاش ها است ؛ این شورا با داشتن فرصت های خوب برای رسیدن به صلح ، چالش های نیز داشته است که درین نبشته به بعضی آن ها مختصراً اشاره گردیده است .

**کلید واژه :** صلح ، ستاداتی صلح ، صلح

مکثی بر واژه صلح ...

صلح .

**مقدمه :** صلح و مسالمت نیاز جامعه بشری بوده و بدون آن کیان جامعه با خطر ویرانی و نابودی مواجه می . همه ادیان آسمانی و مکاتب فکری به پیروان خود تأکید نموده که در تمام ابعاد شؤون حیاتی خویش ، صلح و مسالمت را عملی نمایند ؛ عکس صلح ، جنگ و بحران است که پیامدی جز بدبختی برای بشریت ندارد .

افغانستان طی چهار دهه گذشته ، بیشتر از هر کشور دیگری پدیده جنگ را تجربه کرده و

هنوز هم این اهریمن شوم ، پرو بال خود را در اطراف و اکناف کشور ما گسترانیده و ثبات ، امنیت و رفاه را از کف مردم ما ربوده است .

به همین خاطر است که در کشور ما دولت ، ملت ، احزاب سیاسی ، جامعه مدنی ، نهاد های اجتماعی ، پیر ، جوان ، زن و مرد افغان همه در صدد رسیدن به گمشده دیرین خویش (صلح) اند که شمه ازین تلاش ها درین مقاله انعکاس داده شده است .

مقاله با یک نتیجه گیری نقد گونه ، نکات چندی را بخاطر به بار نشستن پروسه صلح ، به عنوان پیشنهاد به اولیای امور پیشکش نموده است . در تهیه مقاله علاوه از کتب و آثار دست داشته ، با دفتر شورای عالی صلح تماس برقرار گردیده و ضمن گفتگو با مسؤولین بخش تبلیغات و آگاهی عامه آن نهاد ، مطالبی از نشرات و وب سایت آن شورا نیز نقل شده است .

معنی و مفهوم صلح : صلح کلمه عربی بوده و یکی از معانی اسلام به شمار می رود ، زیبایی و عظمت کلمه صلح را از آنجا درک کرده می توانیم که خداوند (ج) آن را در کلام پاکش ((خیر)) خوانده است <sup>(۱)</sup> و مسلمانان را به اصلاح امور ذات البینی امر فرموده است . <sup>(۲)</sup> در هنگام اشتعال جنگ و کشمکش میان مسلمانان ، مصالحه و میانجیگری را رسالت عظیم مسلمانان قرار داده است .  
(۳)

اسلام در میان ادیان الهی، نسبت به هردین و مکتب دیگری، بر صلح و مسالمت تأکید نموده است، چنانکه معنای اسلام نیز عبارت از صلح و مسالمت می باشد و به تاسی از آن از مؤلفه های امنیت، محبت، دوستی، آرامش، وحدت و یکپارچگی مسلمانان پشتیبانی نموده و آنها را از شعار های جاودانه خود قرار داده است. اسلام تبادل (سلام) را وسیله اطمینان و آرامش میان پیروانش گردانیده است. چنانچه این کلمه در یک روز چندین بار در رویا رویی یک مسلمان با مسلمانان دیگر، با لفظ ((السلام علیکم)) رد و بدل می شود. صلح و سلامتی نه تنها در معامله و معاشرت روزمره مسلمانان تکرار می شود، بلکه این کلمه در هنگام عبادت نیز ورد زبان آنها است و مسلمان در پایان هر نمازی با نثار کلمات سلام، رحمت و برکات الله (ج)، برای فرشتگان، بشر و نماز گزاران سلامتی می خواهد. این تأکیدات بیانگر توجه خاص دین اسلام به تعمیم صلح و امنیت، دوستی و محبت و برادری است تا مسلمانان در همه حالات از این نعمت بزرگ غافل نبوده و بدون ضرورت به جنگ و خصومت رو نیاورند. (۴ : ۲۴)

ضرورت مصالحه: صلح نه تنها شعار مسلمان است، بلکه نیاز هر انسان نوع دوست نیز می باشد. انسان در هر شرایطی چه در بعد زندگی فردی و چه در بعد زندگی اجتماعی، در میان خانواده، اجتماع، منطقه و جهان به آن نیاز دارد و بدون صلح انسان به لذت

زندگی پی نبرده و حتی ازان بیزار می شود.

اسلام با نظر وسیع و جامعی که به ابعاد مختلف زندگی انسان دارد، صلح و سازش را در دایره محدودی از شؤون زندگی منحصر نمی سازد ، بلکه بر موجودیت صلح جامع و همه جانبه در تمام ابعاد حیاتی تأکید می دارد و یک پیوند ناگسستنی بین صلح و طرز تفکر انسان نسبت به جهان، زندگی و مخلوق ، برقرار می سازد . بناءً صلحی را

#### مکئی بر واژه صلح ...

دارد ، زیرا صلح مورد نظر اسلام ، دارای معنی عمیقتر و وسیعتری می باشد و آن عبارت از داشتن روحیه همزیستی و سازش که با (نام خدا) رقم می خورد و مصداق آن همانا ((تأمین عدالت اجتماعی و امنیت همگانی (برای جهانیان)) است، صلح مورد نظر اسلام نه آنست که صرف از جنگ خود داری کرد و لو به هر قیمتی که تمام شود ؛ حتی در حالاتیکه اهریمن ظلم و اعوان فساد، بال و پرش را به روی مردم گسترده باشد. (ه : ۶۲)

صلحی که اسلام می خواهد آن را از طریق اعلاى نام خدا در جهان تحقق بخشد، هیچگاه آن را به دایره صلح بین المللی و یا منطقوی محدود نکرده ، بلکه می توان ادعا کرد که صلح بین المللی آخرین حلقه صلح مورد نظر اسلام است و حلقات دیگری از آن جلوتر می باشد . زیرا اسلام قبل از همه می

خواهد که صلح و آرامش در ضمیر و باطن انسان عجین شود ، سپس در محیط خانواده و بعد در محله و اجتماع ، سپس در عرصه منطوقی و در نهایت به مستوای بین المللی میان اقوام و ملل جابجا گردد . لهذا برای تحقق هدف نهایی صلح لازم است که راه دور و درازی پیموده شود. ( ۵ : ۱۳۲ )

در جامعه ای که وجدان و ضمیر افراد از آرامش و اطمینان برخوردار نباشد ، صلح خانوادگی هرگز برقرار نخواهد شد، همچنان فردی که درخانه خود از صلاح و آرامش بهره مند نباشد، به صلح اجتماعی نایل نمی شود ، زیرا خانواده سنگ بنای اجتماع است و خانواده لجوج و جنجالی، جامعه پرتنش و متشنج را بار می آورد و جوامع آکنده از جنگ منشاء به نموده صلح همانند

مکثی بر واژه صلح ...

را فرا می گیرد.

صلح به دولت ها مجال می دهد که پلان های انکشاف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش را به وجه احسن طرح ریزی و تطبیق نموده و با خاطر آرام مدارج ترقی و تکامل را در ابعاد مختلف زندگی طی نمایند. طفل و زن و مرد و جوان و پیر همه به صلح نیاز دارند و در پرتو صلح است که دهقان در مزرعه، کارگر در فابریکه، کارمند در دفتر، تاجر در تجارتخانه، دوکاندار در مغازه ، کودک در کودکانستان، طبیب در بیمارستان، متعلم در مدرسه ، محصل در

دانشگاه و محقق در پژوهشگاه به خاطر آرام بکار می پردازند.

**مساعی صلحجویانه دولت :** دولت افغانستان و جامعه جهانی با توجه به چالش های روز افزون در اوضاع امنیتی کشور و کسب تجربه از پیامد های ناگوار درگیری های چندین ساله نیرو های امنیتی با مخالفین مسلح، بالاخره به این نتیجه رسید که جنگ راه حل بحران کشور نیست ، زیرا جنگ، موجب تباهی مردم و وطن می گردد، معهذا تصمیم اتخاذ نمود که درکنار تدابیر نظامی، باب مذاکره و مصالحه را نیز بر روی مخالفین گشوده و ازین طریق افراد و گروپ های مسلح مخالف دولت را به ترک جنگ و رو آوردن به زندگی مسالمت آمیز تشویق نماید. این پروسه بار اول در جرگه امن منطقوی منعقدۀ سال ۱۳۸۶ میان افغانستان و پاکستان آغاز گردید و گفتگوها با برگزاری کنفرانس ها در کابل و اسلام آباد، در مورد عادی شدن روابط و رفع تشنج میان دو کشور ، ادامه یافت . ولی بنابر موجودیت فضای عدم اعتماد و بی باوری در مناسبات کابل و اسلام آباد، دستاورد این جرگه متأسفانه جز ضیاع وقت و صرف بودجه چیز دیگری نبود.

تأسیس نهاد شورای عالی صلح : وقتیکه دولت افغانستان از عدم همکاری حکومت پاکستان در مورد رفع تشنج فیما بین متیقن شد، با درک ضرورت اعاده صلح و ثبات درکشور، در جوزای سال ۱۳۸۹ شورای مشورتی صلح را در زیر خیمه لویه جرگه دایر نمود



### مکثی بر واژه صلح ...

و هیأت رهبری حکومت، جمع غفیری از سران و بزرگان اقوام شرکت داشتند. این شورا با ابراز پشتیبانی از برنامه صلح حکومت و آغاز مذاکره با مخالفین مسلح دولت، شورای با صلاحیت ۷۰ نفری را بنام (شورای عالی صلح) تحت ریاست شهید استاد برهان الدین ربانی تشکیل داد. شورای عالی صلح بخاطر کسب حمایت کشورهای همسایه، منطقه و جامعه بین المللی، به عنوان اولین اقدام، هیأت های خود را به کشورهای پاکستان، ایران، ترکیه، عربستان سعودی و... فرستاد و با دریافت اطمینان از همکاری دول مذکور به کار آغاز کرد. یکی از کار های شورای عالی صلح در اول وهله، موافقه روی طرح تشکیل کمیسیون مشترک صلح میان دولتین افغانستان و پاکستان بود که در جریان مسافرت سران هر دو کشور به کابل و اسلام آباد به امضا رسید، ولی کمیسیون مذکور در عمل کدام گام مثبتی در جهت اعاده صلح نبرداشت.

عده از دولتمردان از آغاز با برنامه صلح موافق نبودند، بناءً شهادت استاد باعث گردید که آنها حکومت را ازین بابت ملامت کنند و از اولیای امور دولت تقاضا نمایند که بهتر است این پروسه را متوقف کند. این فشار ها از یکسو و بی میلی طالبان و پاکستان به تفاهم و مذاکره از سوی دیگر، موجب گردید که دولت افغانستان در صد آوردن تغییرات در ستراتیژی صلح

شود . تغییر استراتژی در برنامه صلح، پس از سفارشات جرگه عنعنوی ای که به تاریخ ۲۸ عقرب ۱۳۹۰ بخاطر بحث و امضای پیمان استراتژیک با ایالات متحده امریکا تدویر یافته بود، روی دست گرفته شد . اشتراک کنندگان این جرگه عنعنوی طی بحث های طولانی روی مواد پیمان استراتژیک با

#### مکثی بر واژه صلح ...

تسریع روند صلح به دولت و شورای صلح ارائه نمودند . اعضای این جرگه درین خصوص تاکید کردند که لازم است پس ازین شورای صلح تأکید بیشتر را در جلب و جذب مخالفین در ولایات نماید، یعنی با تقویت واحد های ولایتی صلح ، تلاش بیشتر را در جهت دادن آگاهی عامه، تبلیغات و جلب اعتماد فرماندهان مخالف دولت نسبت به پروسه صلح متمرکز سازد . دولت در روشنی این سفارشات لویه جرگه عنعنوی ، عنوانی شورای صلح یادداشتی را صادر نمود که برنامه صلح و اشتهای با فرماندهان گروپ های مخالفین مسلح و بازگشت آنها به زندگی مسالمت آمیز حاوی آن بود. ( ۶ : انترنت )

هدف عمومی برنامه صلح : به نقل از منابع شورای عالی صلح، هدف از برنامه صلح، آشتی ملی و بازگشت مخالفین به زندگی مسالمت آمیز، آوردن صلح عمومی از طریق تفاهم و مذاکره می باشد . این برنامه ، مخالفین مسلح و فرماندهان شان را که عضویت گروپ های افراطی را دارند، تشویق

می نماید که از خشونت و حملات هراس افگانه دست برداشته و با پروسه ملی صلح یکجا شوند و مانند سایر اتباع افغانستان در فضای آشتی و آرامش، همراه با خانواده های شان در وطن حیات بسر برده و در بازسازی و انکشاف اقتصادی کشور سهم بگیرند.

ستراتیژی یا راهبرد برنامه صلح دولت بر سه رکن اساسی ذیل استوار است :

**رکن اول :** تقویت نهاد های امنیتی دولت .

**رکن دوم :** فراهم نمودن شرایط صلح

مکثی بر واژه صلح ...

در کشور .

**رکن سوم :** جلب همکاری های منطقی و بین المللی برای حمایت پروسه صلح این ستراتیژی طی سه مرحله به منصفه اجرا گذاشته می شود:

**مرحله اول :** دادن آگاهی عامه و تبلیغات، بخاطر تشویق و پیوستن مخالفین به پروسه صلح.

**مرحله دوم :** پروسه خلع سلاح و ملکی سازی برای کسانی که به پروسه صلح یکجا می شوند، مانند ثبت نام افراد یکجا شده به پروسه، تشخیص نیازمندی های ایشان، تحویل دادن اسلحه و رفع نیازمندی های تسلیم شدگان.

**مرحله سوم :** تحکیم صلح و اتخاذ تدابیر لازم : ایجاد فرصت های شغلی برای یکجا شدگان، فراهم کردن زمینه های تعلیم و

آموزش ، ایجاد پروژه های انکشافی جهت مشغولیت آنها بکار و غیره . ( ۷ : انترنت )  
تشکیلات شورای صلح : شورای عالی صلح در گذشته دارای یک رئیس، دو معاون و منشی و سخنگو و مشاورین بود، امور استخدای ، اداری و حسابی آن توسط دفتر دارالانشاء صورت می گیرد. این شورا دارای ۶ کمیته کاری می باشد:

۱ - کمیته دعوت و تماس ، ۲ - کمیته تبلیغات و آگاهی عامه ، ۳ - کمیته زندانیان ، ۴ - کمیته امور بین المللی ، ۵ - کمیته حل منازعات ، ۶ - کمیته امور ولایات

رئیس، معاونین ، منشی و سخنگو به اضافه آمرین کمیته های ششگانه، هیأت اجرائیه شورا

مکئی بر واژه صلح ...

یکبار تشکیل جلسه می دهد. ( ۸ : انترنت )  
قابل تذکر اینکه : شورای عالی صلح پس از تبدیلی رئیس قبلی اش (صلاح الدین ربانی) به صفت وزیر امور خارجه، برای مدت بیشتر از یک سال بدون رئیس باقی ماند. بالاخره در برج حوت سال ۱۳۹۴ آقای پیرسید احمدگیلانی رهبر حزب محاذ ملی بحیث رئیس، محمد کریم خلیلی رهبر یک جناح حزب وحدت، بحیث معاون اول و ذواتی دیگری به صفت معاونین و مشاورین آن تعیین گردیدند.

عملکرد های شورای عالی صلح : اقدامات شورای صلح از بدو تأسیس تا اکنون، اغلباً در راستای مسایل تبلیغاتی و اوپراتیفی

در مورد ادغام مجدد مخالفین مسلح ، خلع سلاح و ملکی سازی، بازسازی ولایتی، خلع سلاح گروه های غیر مسؤول، دعوت و تشویق مخالفین جهت پیوستن به دولت، توظیف علما و متنفذین برای جلب و جذب مخالفین دولت، حل مشکلات یکجا شده گان و ایجاد فرصت های شغلی برای ایشان در ولایات می باشد. به همین منظور کمیته های صلح ولایتی در ۳۳ ولایت (بجز ولایت پنجشیر) ایجاد گردید و در بعضی ولایات گروپ های مخالفین مسلح در اثر کار های اوپراتیفی ارگان های امنیتی و تبلیغ و دعوت علما و متنفذین به پروسه صلح پیوستند که تعداد آنها را یک منبع کمیته تبلیغات شورای صلح دوازده هزار نفر تخمین میزند. ( ۹ )

**ملاحظه مخالفین پروسه صلح :** یکعه افراد و حلقات در داخل حاکمیت دولت، در ابتدا با تشکیل نهادی بنام شورای عالی صلح مخالفت ورزیده و از طریق رسانه های آزاد، نهاد شورای عالی صلح را یک پروژه ناکام خواندند. ایشان مصالحه با مخالفین مسلح را به مفهوم اعاده رژیم طالبی دانسته و هدر دادن دستاورد های چندین ساله دولت وانمود کردند ، بناءً بر توقف این پروسه تأکید نمودند. مگر هیئت رهبری شورای صلح با این نظر مخالفت ورزیده و طی کنفرانسی به مخالفین پروسه صلح تحت چتر حاکمیت دولت ، هشدار دادند که اگر با برنامه صلح همکاری نشود ، حملات مخالفین گسترش خواهد یافت . رهبری شورای صلح از

علاقه‌مندی جامعه جهانی و ضرورت افغان‌ها به صلح نیز یاد آوری نموده و همچنان به مخالفین مسلح اطمینان داد ، در صورتیکه به روند مصالحه رو بیاورند، هم جان و مال‌شان در آینده در امان خواهند بود و هم فرصت کار و زندگی مسالمت آمیز را نصیب خواهند شد. ( ۱۰ : ص ۲ )

**دست‌آورد پروسه صلح :** برنامه صلح و آشتی‌توریکه از ستراتیژی و اهداف آن هویداست، بیشتر بر تقویت نهاد های امنیتی ، زمینه سازی برای ادغام مجدد و جذب فرماندهان مخالف دولت و جلب کمک همکاران منطقوی و بین المللی دولت استوار است. چنانچه دولت به همین منظور مبالغی هنگفتی را دریافت و جمع آوری نمود، باوجود آنکه اهداف مهم این شورا تأمین صلح عادلانه و پایدار و مصالحه با مخالفین مسلح بمنظور ختم دایمی جنگ و خون ریزی ذکر گردیده ، ولی در جریان هفت سال کار، این شورا هیچ گام عملی درین راستا نبرداشته است. به گواهی دوست و دشمن، نیرو های مسلح مخالف دولت اکنون به مقایسه هفت سال قبل بمراتب قویتر گردیده اند ، عملیات این نیروها که درگذشته در محدوده جنگ های چریکی و یا انفجار و انتحار خلاصه می شد، ولی امروزه آنها توانایی راه اندازی جنگ جبهه ای و سقوط دادن ولسوالی ها و ولایات را هم بدست آورده اند که نمونه بارز آن سقوط غافل گیرکننده شهر ستراتیژیک کندز و

تهدید های بالقوه بقصد حمله به مراکز سایر ولایات می باشد.

ماموریت شورای عالی صلح برای رسیدن به صلح واقعی و ختم جنگ ، اصولاً باید حول محور مصالحه با رهبری مخالفین و ختم دائمی جنگ می چرخید . انجام موفقانه این ماموریت ایجاب می کرد تا کمیسیون

مکثی بر واژه صلح ...

و صلح صلح و واحد شرایط ، در هر دو طرف قضیه نامزد و پس از توافق جانبین، کمیسیون با کسب صلاحیت اجرایی به کار آغاز می کرد. در حالیکه ایجاد همچو کمیسیونی هیچگاهی از حرف به عمل پیاده نشد، چنانچه همه اطلاع دارند که نه روی اعضای آن توافق بعمل آمد و نه در مورد صلاحیت ها و اجندای کار آن تصمیمی اتخاذ شد ؛ نشست ها و کنفرانس های هیأت های مشترک در کابل و اسلام آباد به شکل تشریفاتی و نمادین دایر شدند، مگر در جهت اعاده صلح کار مؤثری صورت نگرفت. در رابطه به عدم پیشرفت درین محور، هردو طرف بار ملامتی را به شانه طرف مقابل می اندازند ، مزید بر آن ترور رئیس شورای صلح در کابل توسط یک نفر طالب در لباس قاصد صلح ، تمامی توقعات و امید های صلحجویانه را خدشه دار نمود و پس از آن دولت در ستراتیژی صلح خود تجدید نظر کرد .

تغییر در ستراتیژی صلح گزینه دومی پروسه ای است که شورای عالی صلح در پیش گرفته است و این تغییر حاکی از آن است که

از تأکید روی ایجاد کمیسیون مشترک صلح و تلاش برای برقراری تماس با رهبری مخالفین مسلح و حامیان آنها، صرف نظر گردد و بخاطر تضعیف قوت و اراده نیروهای جنگی مخالفین، منبهد صرف با افراد ذی نفوذ و فرماندهان گروه های مخالف در ولایات تماس گرفته شود و از آنها دعوت گردد تا در بدل امتیازات مادی، دست از مکتبی بر واژه صلح ...

**نتیجه گیری :** حاصل تصمیم دولت از اتخاذ استراتیژی جدیدش این شد که بالمقابل مخالفین مسلح جنگ را تشدید بخشیدند و اعلام کردند که بجای گفتگو با شورای عالی صلح، مذاکره با ایالات متحده امریکا و متحدین آن را ترجیح می دهند (۱۱). هرچند شورای صلح نتیجه این استراتیژی را ثمر بخش می خواند و ادعا دارد که بدینوسیله ۱۲ هزار نفر مخالف را بطرف دولت جلب نموده است، ولی واقعیت امر اینست که با گذشت هر روز، تعداد مخالفین مسلح و عملیات های جنگی آنها علیه نیروهای دولتی، بیشتر گردیده و در عوض یکجا شدن یک گروه مخالف به دولت، چند برابر آنها به صف مخالفین پیوسته اند.

بناء استراتیژی جدید صلح که گویا از راه جلب و جذب فرماندهان مخالفین، ماشین جنگی دشمن از کار افتاده و بحران جاری کشور خاتمه می یابد، عملاً ناکام ثابت شده است. زیرا افشای برقراری رابطه و



علاقه‌مندی فرماندهان و افراد مشهور مخالفین به شورای صلح موجب گردید که آنها در پاکستان و یا افغانستان هدف قرار گرفته ، کشته و یا زندانی شوند و یا هم از نظر ها ناپدید شده و به زندگی مخفیانه رو بیاورند. از جانب دیگر چه تضمینی برای صداقت یکجا شدگان به پروسه صلح وجود دارد؟ چه بسا یکجا شدگانی به پروسه صلح که برای بدست آوردن امتیاز یکجا شده اند و بزودی دو باره به سنگر مخالفت برگشته اند ! و نیز چه بسا یکجا شده گانی که اصلاً مخالف دولت نبودند ، مگر بخاطر گرفتن امتیاز، بصورت خیالی در لباس مخالف تبارز داده شدند!

پس از انتخابات سال ۱۳۹۳ ریاست جمهوری کشور، سران حکومت وحدت ملی مطابق وعده های قبلی شان، یکبار دیگر دست به دامان دولتمردان پاکستان برد تا به کمک آنها موتور جا مانده رونده صلح را به حرکت

مکتی بر واژه صلح ...

خونبار درکابل به این نتیجه رسیدند که حامیان مخالفین مسلح ، در بدل میانجیگری شان به چیزی کمتر از وصول به اهداف ستراتیژیک خویش در افغانستان راضی نمی شوند !

### پیشنهادات :

تشکیل شورای عالی صلح در شرایط حساس و تاریخی کشور ما، ظاهراً یک تحول جالب بود و احدی هم در اصل با ایجاد آن مخالفت

ندارد . تعیین اهداف و ستراتیژی ، پلان گذاری، روش کار، نحوه استخدام و مواصفات گردانندگان و بالاخره مدیریت سالم از روند صلح ، از جمله مسایلی بودند که بایست در روز های آغازین کار این پروسه، بدان توجه جدی و عقلانی می شد . ولی متأسفانه از همان اول وهله ، داعیه صلحجویانه مردم ما شکار مصلحت گرایی های سیاست مداران گردیده و دفتر شورای صلح به مرکز تجمع متقاعدین و معزیزین بیکار گروه های سیاسی همکار دولت تبدیل گردید که نتیجه کار آنها برای ملت ما تشدید جنگ و برای مخالفین مسلح ، بیزاری و فرار از داعیه صلح می باشد.

برای رسیدن به صلح پایدار و ختم دایمی جنگ ، نکات ذیل را برای اولیای امور پیشنهاد می نمائیم:

۱ - برای ایجاد صلح دایمی و پایدار درکشور ، شورای عالی صلح باید درقدم اول ریشه های اصلی مخالفت را روان کاوی کند و بعد از تشخیص آن راه و چاره ای برای اقناع و ارضای مخالفین جستجو نماید.

۲ - دولت اهداف و انگیزه های دول و

حکومتها که مخالفین را تمایز می کنند

مکتی بر واژه صلح ...

مقامات دول مذکور تفاهم نماید.

۳ - سهم دادن و مشارکت مخالفین در تشکیلات سیاسی دولت، پروسه صلح را تضمین و تسریع می بخشد، لهذا دولت باید با ساختن یک میکانیزم تقسیم قدرت، توجه مخالفین را

بسوی آشتی جلب نماید، در غیر آن طولانی شدن چانه زنی حول صلح، موجب ادامه جنگ میشود.

۴ - انعطاف، همدیگر پذیری و تنازل طرفین، بهترین راه های رسیدن به صلح است و اگر هرطرفی بدون درک و یا توجه به خواست طرف مقابل با وضع نمودن پیش شرط های غیر عملی و بلند پروازانه، بر داشته ها و خواسته های خود پا فشاری نماید، مصالحه به نتیجه نمی رسد.

۵ - برای رسیدن به صلح و برگشت به زندگی مسالمت آمیز، نه به تشکیلات عریض و طویل نیاز است و نه به شورای عالی هفتاد نفره و شورا های ولایتی و بودجه و پرسونل زیاد؛ بلکه پروسه صلح را یک هیأت مختصر ۵ الی ۱۰ نفری در چوکات کمیسیون مشترک به مشوره زعامت های هر دو طرف به نحو احسن پیش برده می تواند.

۶ - جلب و جذب معدود اشخاص و فرماندهان مخالفین، به تنهایی موجب ختم جنگ نمی شود، بلکه ایجاب می کند که نهاد صلح، ستراتیژی صلح جویانه خود را در هر دو بعد (تماس با افراد جهت ادغام مجدد و (تماس با رهبری مخالفین مسلح) جهت پیوستن به پروسه صلح تعقیب نماید.

۷ - مصلحین باید شخصیت های متدین، بی طرف، خیرخواه، غیر وابسته، نیکنام و داعیه دار صلح و آشتی باشند و درگذشته و حال دستشان در جنگ و خونریزی و تشدد آلوده نباشد.

۸ - مصالحه یک روند خیرخواهانه است ، آن کسانی که از درک صلح از کدام طرفی مزد و معاش دریافت نمایند ، آنها هرگز میانجیگران خوب در پروسه صلح شده نمی توانند.

۹ - مصلحین معرفی شده از هر دو طرف ، نباید از مصالحه و آشتی در جهت وصول به اهداف سیاسی و مقاصد برتری جویانه خویش استفاده افزاری نمایند ، بلکه تمامی هم و غم میانجیگران در پیشبرد این پروسه ، جز کسب رضای خدا (ج) ، ختم جنگ ، اعاده صلح و جستجوی خیر و سعادت ملت مظلوم افغان ، چیز دیگری نباشد.

#### ماخذ :

- ۱ - ( والصلح خیر ) سورة النساء - آیه : ۱۲۸
- ۲ - ( و اصلحوا ذات بینکم .... ) سورة الانفال - آیه : ۹
- ۳ - ( انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم ... ) سورة حجرات ، آیه ۱۰
- ۴ - باهر ، عبدالغفور ، اسلام و صلح (مجموعه مقالات) ، کابل: مرکز تحقیقات اسلامی ، ۱۳۶۶ .
- ۵ - سید قطب ، زیربنای صلح جهانی ، ترجمه: خسرو شاهی ، قم : نشر دفتر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۰ .
- ۶ - معرفی برنامه صلح ، وبسایت شورای عالی صلح ([WWW.hpc.org.af](http://WWW.hpc.org.af))
- ۷ - استراتیژی برنامه صلح ، وبسایت شورای عالی صلح

مکتبی بر واژه صلح ...

سایت شورای عالی صلح

۹ - نقل قول از عبدالرحمن حامد ، مسؤول  
کمیته تبلیغات و آگاهی عامه شورای عالی  
صلح

۱۰ - اعزامی ... ، پروسه صلح در هاله  
از ابهام ، شهادت (جریده) ، کابل : بهیر ،  
شماره ۱۶۲ ، سال ۱۳۹۰ .

۱۱ - اشاره به مذاکرات دوحه در دفتر  
طالبان واقع قطر